

هشتاد به یک؟!!

کتاب دوم



ناصر کاوه



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)

امام خمینی (ره)، شهدای ایران اسلامی از صدر اسلام تا شهدای جبهه ی مقاومت

رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است. خاطره نویسان جنگ مقتل خوانان دفاع مقدس هستند که، صحنه‌های جنگ را دیدند و نوشتند. اگر این دسته از نویسندگان این کار را انجام ندهند شاید نسل‌های بعدی حقایق را باور نکنند و کارهای بزرگ در زمان خود خفه شوند، چرا که ترس‌ها، امیدها و فداکاری‌ها در تاریکی و گمنامی جبهه‌ها اتفاق افتاده که جز خدا هیچ کس از آن خبر ندارد. هیچ کس این حقایق و بهجت‌هایی که رزمندگان هنگام عملیات‌ها داشتند را نمی‌بینند، مگر اینکه جهاد بزرگی رخ دهد و آن ثبت خاطرات برای دیگران است... ((امام خامنه ای))

کتاب هشتاد به یک؟! (جلد دوم)

مدیر پروژه و نویسنده: ناصر کاوه

هوش مصنوعی، گرافیک و طراح: علی کربلائی

رسانه و فضای مجازی: مهدی کاوه

تایپ و حروف نگار و مشاور طرح: نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: اول

فهرست مطالب

مقدمه/ ۹

نقش آمریکا در جنگ تحمیلی/ ۱۶

حمایت همه‌جانبه آمریکا از رژیم بعث عراق/ ۲۵

پشتیبانی آمریکا از رژیم صدام/ ۶۷

تأثیر کمک‌های نظامی آمریکا به عراق بر اقتصاد آمریکا/ ۷۳

اعترافات خلبان‌های وی آی پی عراق/ ۷۷

خرید جنگنده‌های میگ ۲۹ شوروی/ ۸۱

چرا مرگ بر آمریکا / ۸۶

گزارش تصویری از جنایات آمریکا در یک صد سال اخیر/ ۱۰۰

بیش از ۱۰۰ جنایت و دخالت آمریکا در کمتر از یک قرن/ ۲۰۹

دوره اول / ۲۱۳

دوره دوم / ۲۱۹

دوره سوم / ۲۳۰

دوره چهارم / ۲۴۸

بسم الله الرحمن الرحيم و لا تحسبوا اننا قد اقمنا فيكم الا اياما قليلا



امام خمینی (رحمة الله عليه)

بدخواهان ما گمان نکنند که جوانان ما از مردن از شهادت
باکی دارند! شهادت ارثی است که از اولیاء به ما می
رسد. آنهایی باید از مردن بترسند که بعد از مرگ، موت را فنا
می دانند. ما که بعد از موت را حیات بالا تر از این حیات می
دانیم، چه باک داریم؟



کتاب هستاد به یک - ناصر کاوه

بسم الله الرحمن الرحيم والله اعلم بالصواب



امام خامنه ای (مد ظله العالی)

آن عالم است که می تواند محتوای ذهن انسانی را تبدیل به چیزی کند که از این جسم، به اصطلاح رایج امروز، از این سخت افزار وجود بشری، یک انسان متعالی، یک انسان پیشرو و یک انسان فعال و پیشرو بسازد. یک عالم می تواند این کار را بکند



هفت کتاب مقدس

گنجینه

کتاب هستاد به یک - ناصر گنجینه

حامیان عراق در جنگ با ایران



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

مقدمه

... این نوشته جات را قدر بدانید. این پدیده‌ها و این فرآورده‌های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدّس را قدر بدانید؛ این‌ها را باید خیلی قدر دانست و بین مردم هم منتشر بشود... «امام خامنه‌ای»

۸۰ کشور تجهیزکننده صدام در جنگ با ایران

هنگامی که عراق در شهریور ۱۳۵۹ حمله به ایران را آغاز کرد، شرایط دو کشور با یکدیگر کاملاً متفاوت بود؛ با آغاز جنگ ایران از هرگونه حمایت خارجی بی‌نصیب بود ولی رژیم بعثی عراق با پشتیبانی‌های جهانی وارد جنگ با ایران شده بود و کشورهای متعدد غربی و عربی به صدام هواپیما و امکانات راداری و پدافندی می‌دادند و مدرن‌ترین وسایل و تجهیزات را در اختیارش می‌گذاشتند.

علاوه بر این کمک‌های نظامی، انواع کمک‌های اقتصادی نیز عراق را پوشش می‌داد. در این نوشتار حامیان اصلی عراق در جنگ با ایران را در دو گروه حامیان غربی و پشتیبانان عربی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بر اساس اسناد ارائه شده در کتاب «جنگ ایران و عراق»، نوشته «پیرازوکس»، که توسط «انتشارات دانشگاه هاروارد» منتشر شده است، مجموع کمک‌های نظامی خارجی در دوره جنگ هشت ساله به عراق ارزشی در حدود ۸۰ میلیارد دلار و مجموع کمک‌های نظامی خارجی به جمهوری اسلامی در حدود ۲۴ میلیارد دلار بوده است. منظور از کمک نظامی معادل ارزش دلاری کلیه کمک‌ها و مساعدت‌های نظامی اعم از، تدارکاتی و مستشاری، آموزشی و خدماتی، فروش مستقیم و غیرمستقیم سلاح و تجهیزات نظامی و تعمیرات و قطعات یدکی آن، کالاهای غیرنظامی که به نوعی در جنگ و در پشتیبانی از نظامیان از آن‌ها استفاده می‌شود (مثل امکانات درمانی و بیمارستانی)، کمک‌های نقدی و اعتباری و هر گونه تسهیلات مشابه دیگر مثل وام برای خریدهای مورد نیاز نظامیان است که در جریان جنگ به دولت پذیرنده ارائه می‌شود.

جنگ ایران و عراق، مبتنی بر قاعده هژمونی و رویارویی مستقیم نبود و رویکرد توازن قوا (در کنار دو رویکرد برخورد مستقیم یا هژمونی و رویکرد چندجانبه گرایی) از اصول انکارناپذیر این جنگ خصوصا در حمایت از طرف عراقی برای مهار انقلاب بود.

اتحاد جماهیر شوروی در راس کشورهای کمک‌کننده به عراق در جنگ با ایران قرار داشت. ارزش مجموع کمک‌های نظامی شوروی به عراق دست کم ۳۰ میلیارد دلار بوده که در برخی از منابع تا ۴۰ میلیارد هم تخمین زده شده است. این رقم نشان می‌دهد نیمی از همه کمک‌های خارجی که صدام برای جنگیدن با ایران دریافت کرده، از سوی شوروی تامین شده است.

پس از شوروی، فرانسه با ۱۷ میلیارد دلار، چین ۶ میلیارد، ایتالیا نزدیک به ۴ میلیارد، مصر ۳ میلیارد، برزیل ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار و یوگسلاوی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، در ردیف‌های بعدی کمک نظامی به عراق هستند.

کشورهایی که کمتر از یک میلیارد دلار به صدام در زمان جنگ با ایران کمک کردند عبارتند از رومانی، لهستان، چکسلواکی، اتریش، مجارستان، آفریقای جنوبی، آلمان غربی، اسپانیا، سوئیس و سوئد. بر اساس کتاب جنگ ایران و عراق، نوشته رازوکس، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، کویت، امارات، بحرین، قطر و عمان کمک‌های بسیار ناچیزی به صدام کردند که رقم آن‌ها کمتر از ۵۰ میلیون دلار بوده است.

از طرف دیگر با وجود اینکه کشورهای حوزه خلیج فارس، خصوصا عربستان سعودی یکی از تامین‌کنندگان مالی عراق در جنگ با ایران معرفی می‌شوند. بر اساس آرشیو اسناد ملی عراق پس از سقوط صدام حسین و تطبیق با اسناد وزارت دفاع آمریکا مشخص می‌شود که، کمک‌های مالی کشورهای خلیج فارس به صدام در حدی است که در مقایسه با کمک عظیم شوروی، می‌توان از آن‌ها صرف نظر کرد.

اما در ۲۴ میلیارد کمک خارجی به ایران در زمان جنگ چه کشورهایی نقش اصلی را داشته‌اند؟ چین و کره شمالی با کمک مالی هریک به ارزش تخمینی ۳ میلیارد دلار (در مجموع ۶ میلیارد) در بالای فهرست کمک‌کنندگان به جمهوری اسلامی قرار داشته‌اند. لیبی با ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، شوروی ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، کره جنوبی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیارد دلار، دیگر کمک‌کنندگان اصلی به ایران بوده‌اند. بلغارستان، سوریه، پرتغال، اسپانیا، بریتانیا، سوئد، ایتالیا، فرانسه، اتریش، برزیل، سوئیس، یونان، آفریقای جنوبی و اتیوپی، در ردیف کشورهایی هستند که کمتر از یک میلیارد در طول جنگ هشت ساله به ایران کمک کرده‌اند.

سوریه مهم‌ترین هم‌پیمان جمهوری اسلامی در این جنگ معادل ۸۰۰ میلیون دلار کمک کرد که کمتر از کمک کره جنوبی محسوب می‌شود که رابطه نزدیکی هم با جمهوری اسلامی ندارد.

ارزش مالی کمک‌های ایالات متحده به ایران در این جنگ هشت‌ساله معادل ۶۵۰ میلیون دلار بوده است. در مقابل کمک آمریکا به عراق ۲۵۰ میلیون دلار بوده است؛ یعنی ارزش مساعدت‌های نظامی آمریکا به ایران، تقریباً سه برابر ارزش کمک به عراق بوده است. بر خلاف آنچه تبلیغات رسمی جمهوری اسلامی می‌گوید ارزش کمک‌های نظامی ایالات متحده به ایران بیش از عراق بوده است و اتحاد جماهیر شوروی که جمهوری اسلامی وارث آن؛ یعنی روسیه را، «متحد استراتژیک» خود می‌داند، بیشترین مساعدت‌های نظامی به عراق را بر عهده داشته است؛ مساعدت‌هایی که به معنی نیمی از کمک‌های خارجی به عراق بوده‌اند.

از نکات بسیار قابل توجه تاریخ جنگ ایران و عراق این است که در جریان این نبرد هشت ساله، بیش از ۶۰ درصد از کمک‌های خارجی به عراق را کشورهای بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی تامین کردند، در حالی که کمک‌های مالی و مساعدت‌های نظامی این گروه از کشورها به ایران در حدود ۱۰ درصد را تشکیل می‌دهند و آمریکا سهم بیشتری در کمک مستقیم و غیرمستقیم به جمهوری اسلامی دارد تا عراق تحت رهبری صدام که در نهایت توسط ایالات متحده سرنگون شد.

آمریکا در ابتدای جنگ گفت که مستقیماً از صدام حمایت نمی‌کنم، ولی امام (ره) از همان اول گفتند صدام یک دیوانه است که مهره آمریکاست و بعد با او رفتن پایگاه‌های آمریکا در عراق و مصر معلوم شد که همین‌طور بوده است. در کربلای ۴ و ۵ شوروی ۱۵۰ تانک در اختیار عراق قرار داد؛ فرانسوی‌ها نخستین هواپیماهای دور پرواز خود را به عراق دادند و آلمانی‌ها در حوزه شیمیایی و هسته‌ای هم سلاح و هم تکنولوژی‌اش را به عراق دادند.

کویت، امارات و عربستان هر سه با هم ۸۰ میلیارد دلار به صدام کمک کردند در حالی که ما در دوران جنگ سالانه فقط ۷ میلیارد دلار درآمد داشتیم و این در مقام قیاس نشان می‌دهد که ما در مقابل آن‌ها در چه وضعی بودیم و تنها با ایستادگی و جهاد و تلاش بود که در برابر این‌ها ایستادیم و پیروز شدیم.

باحول وقوه الهی، باتوسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل‌های معطر و تهیه خوش‌بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک امام زمان (عج) و با رمزی زهرا (س) نوشتن «**کتاب هشتم به یک؟! جلد دوم**»، را شروع می‌کنیم تا انشاءالله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد...

ارادتمند: ناصر کاوه

کمک های آمریکا به رژیم بعث



طبق گزارش رادیو آمریکا بعد از شوروی و فرانسه و آلمان و ژاپن بیشترین کمک را آمریکا به عراق کرده است و به گفته رادیو آمریکا ، آمریکا از سال ۱۹۸۳ در دولت ریگان اعتبار زیادی به عراق برای خرید غله داد که این اعتبار در ابتدا نزدیک به ۳۷۰ میلیارد بود و در سال ۱۹۸۹ میلیارد به آن اضافه شد علاوه بر این اعتبارات امریکا هلی کوپتر های ۲۰۰ میلیون دلاری به عراق نیز فروخت.



نقش آمریکا در جنگ تحمیلی

۱ - تحریک عراق

یکی از توطئه های آمریکا کمک به عراق در اغلب قضایای جنگ بود که حتی با حضور افسران امریکایی در مرحله یی از مسایل در کشور عراق انجام می شد. اینها به تدریج دارد آشکار می شود، در اسنادی که منتشر می شود، در خاطراتی که می نویسند. اینها یواش یواش رو می شود .

(۱) این جنگ تحمیلی را که هشت سال رژیم عراق و صدام حسین خبیث با ملت ما جنگید در حقیقت انگشت دشمنان به راه انداخت برای اینکه همه را مشغول خودشان بکنند. (۲)

۲ - حمایت نظامی و اطلاعاتی

قضیه ی ضربات امریکایی و خنجر زدنهای و خیانتها و کودتا درست کردنها و قضیه ی کودتای پایگاه نوژه و قضایای دیگر، پشت سر هم علیه جمهوری اسلامی انجام گرفت و ادامه یافت، تا جنگ تحمیلی شروع

شد. در جنگ، به دشمن ملت ایران سلاح دادند. یکی از چیزهایی که در عرف همه ی ملتها و دولتهای دنیا ورود در جنگ محسوب می شود، همین است که دو کشور که در حال جنگند، یکی بیاید به آن طرفی که با این کشور دارد می جنگد، سلاح بدهد، یا امکانات نظامی بدهد، یا مشورت نظامی بدهد، این ورود در جنگ است. اینها را نباید بکلی ندیده گرفت. ملت ایران در مقابل این حرکتها و این ظلمهاست که این طور در مقابل امریکا ایستاده است. (۳)

یکی از مسؤولان بلند پایه ی امنیتی امریکا اعتراف کرده است که این کشور، در دوران جنگ تحمیلی، با دستگاههای جاسوسی و استراق سمع خود، اطلاعات مربوط به تحرکات نیروهای ایران را به دست آورده و آنها را در اختیار عراق قرار می داد، ولی در مسأله ی فاو، دستگاههای امریکا دچار اشتباه شدند و نتوانستند عراقیها را از قصد ایران آگاه کنند، و برای جبران اشتباه خود به عراق کمک کردند که هر چه بخواهد، بر روی نیروهای ایرانی سلاح شیمیایی بریزد. (۴)

از صدور قطعنامه تا قبول رسمی آن از سوی جمهوری اسلامی، دنیا شاهد سنگینترین ضربات نیروهای اسلام بر دشمن و فتوحات بزرگ رزمندگان ما بر دشمن در جبهه های جنگ از سویی و فشارهای همه جانبه از سوی حامیان رژیم عراق علیه ایران اسلامی از سوی دیگر بود. حصر اقتصادی، حمله به تأسیسات ما در خلیج فارس و تمرکز بی سابقه ی نیروهای نظامی امریکا و ناتو در اطراف مرزهای آبی و هوایی و حتی تجاوز به آنها، بخشی از این فشارها بود، به طوری که تقریباً هیچ فشار ممکن باقی نماند، مگر آن که بر ملت ایران وارد شد و رژیم امریکا تقریباً به طور مستقیم وارد صحنه شد.

تهدیدها، بمبارانهای وسیع شیمیایی و جنایت حمله به شهرها و هواپیمای مسافربری و کشتی غیر نظامی و اثبات این که استکبار در حمایت از عراق آمادگی برای دست یازیدن به هر جنایتی دارد، بخشی از حوادث این دوران است و جا دارد در موقع مقتضی، این حقایق هشدار دهنده برای ملت ایران شکافته و بر ملا گردد. (۵)

چرا مرگ بر آمریکا؟!

بخشی از جنایات آمریکا علیه ایران:

نفت:
دزدیدن نفت ایران بزرگترین سرمایه ملی کشور



کابیتولاسیون:
برتری آمریکایی ها و حتی سگهایشان از مردم ایران در کشور



تحمیلی:
حمایت همه جانبه نظامی و سیاسی از تجاوز
صدام به ایران



جنگ اقتصادی:
حمله مستقیم به سکوهاى نفتى خلیج فارس در
سال ۶۷



ورود نظامی به طیس:
با هدف حمله نظامی به ایران



حمله به هواپیماى مسافربرى:
کشتن ۲۹۰ نفر با شلیک موشک



ایجاد اغتشاشات:
دست داشتن در اغتشاشات برای برهم زدن
امنیت و کشته سازی در اعتراضات توسط منافقین



تحریم اقتصادی:
تحریم داد و ستد با کشورها به هدف فقیر کردن
ایران و ضربه اقتصادی و ضرر ۲۳۰ میلیارد دلاری
ایران از اجرای برجام و بد قولی آمریکا



جنایت انسانی:
منع ورود اقلام مهم مثل دارو و به خطر انداختن
جان مردم



جنگ نرم:
نشان دادن چهره ترسناک از ایران در رسانه ها و
هالیوود و تخریب وجهه ایران در جوامع بین المللی



۱۷ هزار شهید ترور بعد از انقلاب:
به شهادت رساندن ژنرال سلیمانی و افسران ارشد
نظامی همچنین دانشمندان مهم انرژی هسته ای
در این برهه



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه

۳ _ اهداف آمریکا از تحمیل جنگ

۳/۱ شکست نظام اسلامی

امریکا و صهیونیستها و عوامل و هم پیمانها و تجار وابسته و پشتیبانان مالی آنها هر چه توانستند، به کار بردند. برای این که شاید بتوانند جمهوری اسلامی را در این نبرد هشت ساله شکست بدهند، ضربه ای وارد کنند یا به نظام لطمه بزنند یا نظام را سرافکنده کنند یا قطعه ای از کشور را ببرند. ملت ایران محکم ایستاد و بسیج نیروها، جوهر و حقیقت خود را در آن ماجرای عظیم نشان داد. (۶)

۳/۲ پیشگیری از توسعه سیاسی اقتصادی

..امریکا و غرب خواستند بگویند ایران نمی تواند خودش را اداره کند. این جنگ را هم که بر ما تحمیل کردند، یکی از هدفهای عمده اش همین بود که نگذارند کشور ما ساخته بشود، نگذارند این نیروهای کار، مانند چشمه یی بجوشند، نگذارند پول بیت المال که در اختیار دولت است، خرج رفع محرومیت بشود، خواستند ما را دایم به جنگ و به حمله ی خارجی سرگرم نگهدارند. (۷)

اگر این جنگ نبود پول ملت و دولت کجا خرج می شد؟ مسلم خرج آبادانی می شد هر چه که در این ده سال خرج آبادانی نشده است گناهِش به گردن امریکا و استکبار و قدرتهای شرق و غرب و صدام و امثال آنهاست آنها نگذاشتند جمهوری اسلامی آن کاری را که آرزو دارد و می خواهد انجام بدهد. (۸)

۳/۳ تحمیل رابطه و مذاکره

اگر ایران در مقابل امریکا تسلیم می شد، جنگ زود تمام می شد، البته مصیبت سلطه ی امریکا صد برابر از مصیبت جنگ سخت تر است. (۹)

۴ _ بی اعتنایی به اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸

دنیای استکبار و همین امریکا دولتهایی که دم از صلح می زنند این جاست که دشمنی و خباثت خود را نسبت به انقلاب و اسلام و ملت ایران نشان می دهند. همه ی ملت ایران یادشان است که همان کسانی که داد قطعنامه ی ۵۹۸ را داشتند و در هر مذاکره و نشست و

برخاستی، از قطعنامه دم می زدند مثل رؤسای جمهور و سلاطین و بعضی از مرتجعان منطقه فریادشان دیگر تمام شد! گویی که همه ی مشکل این بود که رژیم عراق به وسیله ی رزمندگان اسلام تهدید نشود. حالا که آتش بس شد و آن تهدید تمام گردید، دیگر هیچ چیز برایشان مطرح نیست! در همه ی قضایا، امریکا همین طور است. (۱۰)

پی نوشت ها:

۱ جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۸/۱۵، سخنرانی در دیدار با دانشجویان و دانش آموزان.

۲ حدیث ولایت، ج ۷، ص ۲۹۸، ۱۳۷۰/۵/۳۱، سخنرانی در جمع مردم روستای پاپی استان لرستان .

۳ جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۱۰/۲۷، خطبه های نماز جمعه ی تهران.

۴ همان، ۱۳۷۶/۱۱/۲۹، سخنرانی در دیدار با خانواده های معظم شهدای هرمزگان.

۵ حدیث ولایت، ج ۲، ص ۱۵۱، ۱۳۶۸/۶/۳۰، پیام به مناسبت نهمین سالگرد جنگ تحمیلی.

۶ جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۹/۱، سخنرانی در دیدار با بسیجیان.

۷ حدیث ولایت، ج ۷، ص ۲۸۰، ۱۳۷۰/۵/۳۰، سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم خرم آباد.

۸ همان، ص ۲۹۹، ۱۳۷۰/۵/۳۱، سخنرانی در جمع مردم روستای پاپی استان لرستان.

۹ جمهوری اسلامی، ۱۳۷۰/۷/۶، خطبه های نماز جمعه ی تهران.

۱۰ حدیث ولایت، ج ۲، ص ۵۷ و ۵۸، ۱۳۶۸/۵/۲۳، سخنرانی در دیدار با خانواده های معظم اسرا و مفقودین.

منبع : آمریکا از دیدگاه رهبری ، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه ، ۱۲۵



حمایت همه‌جانبه آمریکا از رژیم بعث عراق

الف- از سرگیری روابط با عراق

دولت آمریکا که می‌پنداشت در جنگی که با تحریک و تشویق وی علیه ایران آغاز شده، رژیم بعثی عراق می‌تواند ظرف مدت کوتاهی ایران را به تصرف درآورده و نظام جمهوری اسلامی ایران را سرنگون سازد، هنگامی که دید نه تنها این رؤیا تحقق نیافته بلکه نیروهای رزمنده ایران در جبهه‌های نبرد، دشمن بعثی را گام به گام وادار به عقب نشینی و تحمل ضربات کوبنده کرده‌اند، تصمیم گرفت که روابط خود را با عراق به صورت رسمی از سر گیرد و حمایت‌های خود از عراق را به صورت قانونی و موجه درآورد. دو تن از نویسندگان آمریکایی در کتاب خود در این باره می‌نویسند:

«زمانی که به نظر می‌رسید ایران در حال تفوق بر عراق است، آمریکا و متحدینش نگران شده، واشنگتن تصمیم گرفت که از عراق حمایت‌های مالی و تسلیحاتی به عمل آورد. اما یک مشکل عمده وجود داشت و آن اینکه از لحاظ قوانین آمریکا، اعطای اعتبار و وام و برقراری

ارتباطات گسترده با کشورهایی که در لیست کشورهای حامی تروریسم قرار دارند، منع شده است. لذا در ماه مارس ۱۹۸۲ (اسفند ۱۳۶۰) وزارت خارجه آمریکا، به سرعت عراق را از لیست این کشورها حذف کرد.» (۱) یک محقق آمریکایی دیگر نیز در کتاب خود می نویسد:



«به جای آنکه روابط آمریکا و عراق رو به سردی برود، بالعکس، تلاش هایی به منظور گسترش این روابط صورت پذیرفت. از قبیل حذف نام عراق از لیستی که وزارت خارجه آمریکا در مورد کشورهای حامی تروریسم بین المللی تهیه کرده بود، تضمین اعتبارات اعطایی آمریکا و

برقراری مجدد روابط کامل و دیپلماتیک در سال ۱۹۸۴.» (۲)

رادیو آمریکا نیز در گفتاری به تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۰، با اشاره به این قضیه گفت: پس از حذف نام عراق از لیست کشورهای حامی تروریسم، ناگهان (سیل) اعتبارات از سوی بانک بین المللی صادرات و واردات، و تضمین وام های بین المللی از سوی مؤسسه اعتبارات بازرگانی، به جانب بغداد روان شد. (۳)

به دنبال این زمینه چینی ها، ریگان در ماه دسامبر ۱۹۸۳ (آذر ۱۳۶۲)، "دونالد رامسفیلد" فرستاده ویژه خود را با نامه ای به خط خود به بغداد فرستاد و به صدام حسین نیز پیشنهاد کرد که مناسبات دو کشور از سر گرفته شود.

ریگان خواهان گسترش پیوندهای نظامی، فنی، و تجاری دو کشور شد و صدام حسین نیز از این پیشنهاد به گرمی استقبال کرد. (۴)

”کنت تیمرمن“ نیز در این باره می گوید:

«تحریم تجاری ایران از سوی آمریکا، نشانه پایان ابهام دیپلماتیک حاکم بر اتحاد و دوستی آمریکا با صدام حسین بود. آمریکا برای خلاص شدن از دست آیت الله خمینی، روی صدام حساب می کرد و می کوشید به طریق گوناگون، ولی سنجیده و حساب شده، به صدام اهداف او کمک نماید. در ماه فوریه ۱۹۸۴ (بهمن ۱۳۶۳)، ”ریچارد مورفی“ معاون وزارت خارجه آمریکا رسماً به بغداد سفر کرد.» (۵)

و به این ترتیب بود که روابط دیپلماتیک دو کشور به طور رسمی از سر گرفته شد. حال باید دید که دلیل این شتاب دولت آمریکا در برقراری روابط علنی با رژیم صدام حسین، چه بوده است؟ آنها از چه چیزی احساس خطر کرده بودند که حاضر شدند همه ی ادعاهای خود مبنی بر دفاع از حقوق بشر و مبارزه با تروریسم و دفاع از آزادی و دموکراسی را به کناری نهاده و با رژیم دیکتاتور و سرکوب گری همچون بعث عراق، روابط علنی و دیپلماتیک برقرار سازند؟



۱

کمک‌های آمریکا به عراق در طول جنگ تحمیلی به ویژه دو سال آخر آن:

- تخصیص وام‌های کلان اقتصادی به دولت عراق
- فروش تعدادی بالغ‌بر ۲۱۴ از نوع "بل" به ارتش عراق
- واگذاری اطلاعات به ارتش عراق از طریق آواکس‌ها، ماهواره‌ها و شنود
- هدف قرار دادن قایق‌ها، کشتی‌ها، ناوهای جنگی و هواپیمای مسافربری ایران

منبع: دفاع مقدس در یک نگاه، ۱۳۹۸

HAQIQAH MEDIA

نویسنده ی "بنیاد گرایی در جهان عرب" در کتاب خود پاسخ این سؤالات را می دهد: «نگرانی اصلی آمریکا این است که پیروزی های ایران به سرنگونی رژیم کنونی و تشکیل یک حکومت اسلامی شبیه به آنچه در ایران است انجامد. یک چنین نتیجه ای، فشار را در جهت ایجاد تحول انقلابی در عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس به

میزان قابل توجهی افزایش خواهد داد. علاوه بر این، پیروزی ایران جوامع شیعی لبنان و کشورهای خلیج فارس را به صورت رادیکال در خواهد آورد. سرانجام، پیروی بنیادگرایی احتمالاً اسلام گرایان سنی مبارز و معتقد به حرکت گام به گام را به پیروزی قدرت الهی گرداگرد انقلاب اسلامی ایجاد می کند و به نیروی آرمان گرایانه و پیکار جویی فوق ملی آن در جهان عرب، قدرت بی حد و حصر عطا می کند.» (۶)

”جورج شولتز“ نیز در پانزدهم ماه مه ۱۹۸۶، در سخنرانی خود در جمع صهیونیست های آمریکا گفت: خطر در خلیج فارس یک خطر واقعی است. اگر خمینیسیم در منطقه پیشرفت کند، منافع استراتژیک آمریکا آسیب خواهد دید و بدیهی است که منافع اسرائیل نیز ضربه خواهد خورد. (۷)

”واینبرگر“ وزیر دفاع آمریکا نیز فریاد برمی آورد که:

«پیروزی ایران در جنگ یک مصیبت است.»



SATAN ANATOMY

Blood Circling System

کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه

و بالاخره "تزیا بارام" کارشناس اسراییلی نیز می گوید:

«اگر عراق سقوط کند و [امام] خمینی بغداد را فتح کند، باید گفت: وای بر اسراییل، وای بر آمریکا.» (۸) و به این ترتیب بود که ترس و وحشت از پیروزی ایران در جنگ و شکست "سردار قادسیه"، باعث شد که سردمداران کاخ سفید با عجله ی هر چه تمامتر، روابط دیپلماتیک و سیاسی خود با دیکتاتور بغداد را مجدداً برقرار سازند.

ب - کمک های آمریکا به عراق در طی جنگ

از آن جا که رژیم عراق برای حفظ منافع غرب با ایران می جنگید، (۹) لذا کشورهای غربی و به خصوص آمریکا، در طی هشت سال جنگ تحمیلی، همه گونه کمک های مالی، تکنولوژی و تسلیحاتی ممکن را به عراق کردند تا مانع از پیروزی ایران در جنگ شوند. "مارک گازیوروسکی" یکی از محققین آمریکایی، در مورد کمک های آمریکا به عراق می گوید: «آمریکا در طول جنگ اول خلیج فارس به منظور حفظ تعادل استراتژیک منطقه به نفع عراق، همواره به این کشور کمک می کرد.» (۱۰)

رادیو آمریکا نیز در تاریخ ششم اوت ۱۹۹۰ طی گزارشی اعتراف می کند که: صدام در جریان جنگ ایران با عراق از پشتیبانی آشکار آمریکا از جمله تشریک مساعی اطلاعاتی، تحویل کالاهای غیرنظامی، مواد غذایی، و هلی کوپترهای غیرنظامی " بل " که وی برای مصارف نظامی تحویل می گرفت، برخوردار گردید. (۱۱)

در همان زمانی که روابط میان دو کشور مجدداً برقرار شد، شرکت "بکتل" که یکی از شرکتهای ساختمانی ایالات متحده است، پروژه ساخت خط لوله ای را که صادرات نفتی عراق را از طریق اردن به خلیج عقبه می رساند با عراقی ها مورد مذاکره قرار داد. عراقی ها به این خط لوله به شدت احتیاج داشتند زیرا حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، خط لوله ای را که از طریق سوریه منتقل می شد در سال ۱۹۸۲ بسته بود. در آن هنگام شرکت بکتل وجهه سیاسی قدرتمندی داشت زیرا دو تن از مقامات اجرایی سابق آن یعنی "جورج شولتز" و "گاسپارو اینبرگر" در دولت ریگان وزارت امور خارجه و وزارت دفاع را بر عهده داشتند. دولت

ریگان از این پروژه حمایت می کرد. زیرا انجام این پروژه عراق را قادر می ساخت برای خرید اسلحه، ارز خارجی بیشتری به دست آورد. (۱۲)

پس از شکست مفتضحانه دولت آمریکا در ماجرای "مک فارلین" و بر باد رفتن حیثیت سیاسی دولت ریگان، رئیس جمهور آمریکا تصمیم گرفت که به عنوان عکس العمل، آخرین موانع بر سر راه ورود تکنولوژی آمریکایی برای پروژه های تسلیحاتی عراق را از میان بردارد. لذا از آن پس دیگر هیچ ممنوعیتی در این راه وجود نداشت. (۱۳)

نویسنده کتاب "ناگفته های جنگ عراق با ایران" نیز در این زمینه می گوید: «دولت ریگان از نخستین ماه های سال ۱۹۸۵، درهای فروش تکنولوژی بسیار پیشرفته آمریکایی را به روی عراقی ها کاملاً باز کرد و حتی صدور تکنولوژی و کالاهایی که فروش آنها به شوروی و بلوک شرق ممنوع شده بود، برای عراق ممنوعیتی نداشت.» (۱۴)

روزنامه "واشنگتن پست" نیز در دسامبر ۱۹۹۰ با استناد به یک سند رسمی دولت آمریکا می نویسد: دولت آمریکا در پنج سال گذشته معادل یک و نیم میلیارد دلار تجهیزات، انواع ماشین آلات، دستگاه های حساس و کامپیوترهای فوق العاده قوی که در امر تولید سلاح های شیمیایی، موشکی و هسته ای نقش حساسی دارند به دولت عراق فروخته است...

یک بازپرس کنگره آمریکا که مشغول بررسی عملکرد دولت آمریکا در قبال عراق است می گوید: دامنه و وسعت انواع تجهیزات و تکنولوژیهای حساسی که از طرف دولت آمریکا به عراق ارسال شده آدم را شوکه می کند. (۱۵) روزنامه "وال استریت ژورنال" نیز در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۹۱ در مورد کمک های آمریکا به عراق در زمینه تأسیسات هسته ای، طی مقاله ای نوشت: به اعتقاد کارشناسان نظامی آمریکا، چهل درصد تجهیزات به کار رفته در مجتمع هسته ای "سعد-۱۶" عراق که دارای ساختار طرح و تولید موشک و سلاح های هسته ای است، در آمریکا ساخته شده است. بر اساس مدارک محرمانه پنتاگون از سال

۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ وزارت بازرگانی آمریکا اجازه فروش ۱/۵ میلیارد دلار کامپیوتر، تجهیزات الکترونیکی و تجهیزاتی که توانایی بالقوه نظامی را دارند به عراق داده است. (۱۶)

شبکه تلویزیونی "ان.بی.سی" آمریکا نیز در گزارشی اعلام کرد که در اوایل دهه ی ۱۹۸۰ مرکز کنترل بیماریهای ایالات متحده، باکتری های کشنده برای دانشمندان عراقی (به منظور ساخت سلاح های میکروبی) ارسال کرده است. (۱۷)

مطالب فوق همه نشان دهنده این واقعیت است که آمریکا حتی از در اختیار گذاردن تکنولوژی تولید سلاح های شیمیایی و میکروبی و اتمی نیز به عراق خودداری نکرد تا دیکتاتور خونخوار عراق با استفاده از آنها رزمندگان دلیر ایران را به خاک و خون کشیده، بتواند جلوی سقوط حکومت خویش و دیگر نوکران منطقه ای آمریکا را بگیرد. و آنچه در این میان کوچک ترین اهمیتی برای سیاستمداران کاخ سفید نداشت، همانا زیر پا گذاشتن همه قوانین حقوقی بین المللی، مقررات سازمان ملل متحد، حقوق بشر، و مقولاتی از این دست بود.

مقام هستی‌ام فرزندی است
که او را با حب ولایت پرورانده‌ام
و با هر نفسم
مرگ بر آمریکا را
در گوشش زمزمه می‌کنم.

اگر
مبارزه با استکبار
نباشد،
ما اصلاً تابع قرآن نیستیم!
امام خامنه‌ای منتظره

کتاب هشتم به یک - ناصر کاوه

مجله "نیوزویک" در یکی از شماره های ماه اوت ۱۹۹۰، با اشاره به استفاده عراق از سلاح های شیمیایی بر علیه ایران، در مورد چشم پوشی آمریکا از این موارد می نویسد: گر چه این صدام بوده که جنگ علیه ایران را شروع کرد و برای اولین بار از سلاح های شیمیایی استفاده کرد، ولی آمریکا و تقریباً تمامی کشورهای غربی به دلیل خصوت خود با بنیادگرایی اسلامی حاکم بر ایران، این جنایات را کاملاً نادیده گرفتند.

(۱۸) "پیر سالینجر" و "اریک لوران" در کتاب "پرونده محرمانه جنگ خلیج فارس" می نویسند: صدام زرادخانه بزرگی برای سلاح های شیمیایی در اختیار دارد و از آن در جنگ علیه ایران برای شکستن حمله های نظامی ایران و نیز برای سرکوب روستاها و شهرهای کردستان عراق استفاده کرده است. در دستیابی عراق به این نوع سلاح ها نیز کمک های غرب نقش اصلی را بازی کرده است. ما اسامی و آمار ۲۰۸ شرکت (آلمانی، آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، سویسی، اطریشی و...) را به دست آورده ایم که هر کدام به اندازه متفاوتی در برنامه های جنگی عراق به خصوص در زمینه تأسیس صنایع شیمیایی سهمیم بوده اند. (۱۹)

شبکه تلویزیونی "ای.بی.سی" آمریکا نیز در یازدهم سپتامبر ۱۹۹۰ طی یک گزارش تلویزیونی می گوید: در سال ۱۹۸۴، هنگامی که سازمان ملل متحد تأیید نمود صدام حسین از گاز خردل علیه ایرانی ها استفاده نموده است، اعتراض اندکی در این مورد به عمل آمد و هیچ نوع تنبیهی برای آن تعیین نگردید. "کنت ادلمن" مدیر سابق سازمان مهار جنگ افزارها و خلع سلاح، می گوید: سال ۱۹۸۴، نمونه ای از استفاده گستاخانه جنگ افزارهای شیمیایی است. هیچ اقدامی برای پنهان کردن و پوشاندن آن به عمل نمی آمد و برای ایالات متحده و تمامی جهان متمدن، نه تنها محکومیت و نفی چنین استفاده ای مطرح نبود، بلکه عملاً انجام چنین کاری مورد تأیید نیز بود. (۲۰)

ج- همکاری های اطلاعاتی آمریکا با عراق در جنگ علیه ایران:
پس از آنکه آثار ضعف و شکست در صفوف ارتش عراق نمایان شد، دولت آمریکا تصمیم گرفت به هر نحو که شده از نابودی نیروهای عراقی و پیروزی قوای ایرانی جلوگیری به عمل آورد. بدین خاطر تصمیم

گرفته شد که کلیه اخبار و اطلاعات مورد نیاز ارتش عراق در اختیارش قرار گیرد. در ماه فوریه ۱۹۸۲ (بهمن ۱۳۶۰) "ویلیام کیسی" رئیس سازمان "سیا" به طور محرمانه وارد امان پایتخت اردن شد و پس از ملاقات با شاه حسین به دیدار "بارزان ابراهیم التکریتی" برادر ناتنی صدام، که رئیس دفتر مرکزی اطلاعات عراق بود رفت. در این ملاقات "کیسی" گفت: ایالات متحده مایل است یک رابطه مستقیم اطلاعاتی با عراق برقرار کند تا مطمئن شود عراق قادر است از خودش در مقابل حملات ایران دفاع کند. (۲۱) میانجی گران این مذاکرات از جمله "شاه اردن" و "فهد" شاه سعودی، به رهبر عراق اطمینان داده بودند که ایالات متحده آمریکا اطلاعات مهمی در اختیار دارد که لازم است او از آن آگاه شود. (۲۲) بدین ترتیب میان ایالات متحده آمریکا و عراق قراردادی منعقد شد که به موجب آن، دو طرف باید یکدیگر را در اطلاعاتی که درباره ی ایران به دست می آوردند، شریک می کردند. ضمناً "سیا" متعهد شده بود گروهی از کارشناسان خود را به بغداد بفرستد تا به مساعی عراق در جنگ با ایران کمک کنند.

چند ماه بعد، دو افسر بلند پایه "سیا" سفر دیگری به خاورمیانه انجام دادند. این بار آنها مستقیماً به بغداد رفتند.

آمریکایی ها یک سلسله طرح های جدید از آرایش نظامی نیروهای عراقی و ایرانی به همراه خود داشتند که با دقت زیاد توسط گروهی از کارشناسان نظامی جامعه اطلاعاتی آمریکا تهیه شده بود. این بار علاوه بر "بارزان"، آنها با خود صدام حسین نیز ملاقات کردند. (۲۳)

مقامات شورای امنیت ملی آمریکا به ویژه نگران این بودند که جنگ ایران و عراق که از زمان حمله صدام حسین در سال ۱۹۸۰ بدون وقفه ادامه داشت، به شکست رژیم بغداد منجر شود و یک حکومت شیعه اصول گرای دیگر در منطقه خلیج فارس به وجود آید. (۲۴)

پس از شکست عراق در خرمشهر، کارشناسان "سیا" یک بار دیگر به این نتیجه رسیدند که سقوط حکومت بغداد، یا از راه تحمل یک شکست نظامی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و یا توسط شورش گروه های شیعه مذهب داخل عراق، امری اجتناب ناپذیر شده است. (۲۵)

یک بار دیگر "ریگان و کیسی" تصمیم گرفتند اوضاع را عوض کرده و عراق را نجات دهند. آنها این نقشه را تصویب کردند که روابط اطلاعاتی با عراق را از راه های مختلفی توسعه دهند. از جمله اینکه تمام اطلاعات به دست آمده از آرایش نظامی ایرانی ها و مواضع آنها را که از طریق هواپیماهای اکتشافی پیشرفته "آواکس" فروخته شده به عربستان در اکتبر ۱۹۸۰، به دست می آوردند در اختیار رژیم صدام حسین قرار دهند.

(۲۶) خود صدام نیز در ماه مه ۱۹۸۴ (اردیبهشت ۱۳۶۳) در نهایت صداحت گفته بود از اطلاعاتی که خلبانهای آمریکایی با به پرواز درآوردن آواکس های عربستان سعودی به دست می آوردند، برخوردار بوده است. (۲۷) در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) نیز سازمان "سیا" تصاویر ماهواره ای ارزشمندی در مورد نیروهای نظامی ایران و موقعیت آنان در اختیار عراق قرار داد. (۲۸) تکنولوژی غرب، تصاویر هوایی تهیه شده توسط ماهواره های جاسوسی آمریکا، و اطلاعات مراقبتی تهیه شده توسط آواکس های سعودی که آمریکایی ها آنها را هدایت می کردند، همگی باعث شدند که صدام حسین به موقعیت بهتری در جنگ دست یابد.

(۲۹)



مَرگِ بَرِ آمریکا

(از ۱۳۵۷ تا... ادامه دارد)

ناذهن مردم از «مَرگِ بَرِ آمریکا» پُر است،
تسلط دوباره بر این کشور و منابع آن ممکن نیست.

مقام معظم رهبری | ۱۳۷۵/۸/۹

کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه

سازمان "سیا" هم چنین گروهی از افسران اطلاعاتی خود را به بغداد فرستاد تا به صدام برای طراحی برنامه های دفاعی جدید او کمک کنند. یک ایستگاه سرّی "سیا" نیز در نزدیکی کاخ ریاست جمهوری در بغداد تأسیس شد. (۳۰)

"هوارد تیچر" یکی از افسران ارشد سازمان "سیا" می گوید: ما به عراق آنچه را که لازم داشت تا از ایرانی ها شکست نخورد دادیم. ما تمام آسیب پذیری های آنها را در خطوط دفاعی شان تشخیص دادیم و از این نقاط ضعف مطلع شان ساختیم. ما می دانستیم که اگر این کار را نمی کردیم، ارتش ایران تا خود بغداد پیش می رفت. (۳۱)

سعودی ها نیز بسیار نگران بودند که مبادا ایران در جنگ پیروز شده، حکومت صدام را سرنگون سازد و یک جمهوری اسلامی در کنار مرزهای عربستان به وجود آورند. لذا با کمک های مالی، نظامی و اطلاعاتی عراق را تقویت کردند.

در بعضی مواقع، برآوردهایی که آمریکایی ها از قدرت نظامی ایران داشتند، از طریق سعودی ها در اختیار عراق قرار می گرفت. (۳۲)

”هوارد تیچر“ در این زمینه می گوید: ما از طریق عربستان سعودی و اردن برای عراق اطلاعاتی فرستادیم که با استفاده از حسن نیت ما، سازمان اطلاعاتی خود را براساس اسرار ما برپا کند. (۳۳)

ارتباط ماهواره ای در صدر موافقت های بلند مدت دو کشور (آمریکا و عراق) قرار داشت و در مورد تحرک نیروهای هوایی ایران، اطلاعات ذی قیمتی در اختیار عراق قرار می داد. این اطلاعات را آواکس های آمریکایی مستقر در ریاض، با پرسنل آمریکایی از منطقه نبرد جمع آوری می کردند. آواکس ها بر فراز خلیج فارس به گشت زنی دایم مشغول بودند. این نوع اطلاعات تاکتیکی آمریکا، به عراق امکان می داد تا در برابر امواج ویرانگر حملات انسانی سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ ایران مقاومت کند و از پا در نیاید. اطلاعات به قدری حساس بود که ملک حسین پادشاه اردن شخصاً بر انتقال آنها به عراق نظارت داشت.» (۳۴)

یک مقام ارشد اردنی نیز ضمن تأیید اینکه اردن کانال ارسال اطلاعات تأمین شده توسط آمریکایی ها برای بغداد بوده است گفت: «این اطلاعات طی دو سال نخست از طریق ما ارسال می شد، اما بعد آنها کانال مستقیمی از طریق سفارتخانه های خود ایجاد کردند.» (۳۵)

شاهزاده "بندر بن سلطان" سفیر عربستان سعودی در آمریکا نیز در طی یک مصاحبه مطبوعاتی در تاریخ پانزدهم اوت ۱۹۹۰ در این باره اظهار داشت: حکومت آل سعود در سالهای پایانی جنگ عراق علیه ایران، نقش واسطه را میان واشنگتن و بغداد بازی می کرد و اطلاعات نظامی ارزشمندی از تحرکات ایران در جبهه های جنگ را از منابع اطلاعاتی آمریکا به رژیم بغداد منتقل می کرده است...

در این دوره (سالهای آخر جنگ) عراقی ها بیش از هر چیز خواستار کمک ارتش آمریکا به عراق در زمینه اطلاعات، طرح ها و توصیه های نظامی در مقابله با ایران بودند و عربستان تمام این امکانات، و حتی بیش از آن را برایشان فراهم آورد. (۳۶)



مرگ بر آمریکا

DOWN WITH AMERICA

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

”هوارد تیچر“ نیز می گوید: ما (سازمان سیا) به عراقی ها اطلاعات ماهواره ای و الکترونیک دادیم که در واقع برای آنها گنجی محسوب می شد. آمریکا برای صدام حسین کاری کرد که تا آن روز حتی برای هر یک از نزدیک ترین متحدین خود نکرده بود. (۳۷)

در اواسط ماه اوت ۱۹۸۶ (مرداد ۱۳۶۵)، عراق یک حمله غافلگیرانه هوایی به ترمینال نفتی ایران در جزیره ”سیری“ انجام داد. جزیره ای که تصور می شد به واسطه ی بعد مسافت، از حملات عراق مصون باشد. (۳۸)

این حمله ی هواپیماهای عراقی در چارچوب یک هماهنگی دقیق اطلاعاتی میان ”سیا“ و ارتش عراق انجام گرفت. (۳۹)

روزنامه ”واشنگتن پست“ نیز در سال ۱۳۶۵ طی مقاله ای فاش ساخت که: دولت آمریکا، اطلاعات نظامی از جمله اطلاعات جمع آوری شده به وسیله ”ماهواره های شناسایی“ خود را در اختیار عراق قرار می دهد تا از آنها برای حمله به پایانه های نفتی، نیروگاه ها و مراکز نیروهای ایرانی استفاده کند. مقامات آمریکایی نیز در مصاحبه با خبرگزاری ”رویتر“، این گزارش را تأیید کردند. (۴۰)

”راديو آمريکا” نيز در سال ۱۳۶۷، طی گزارشی گفت: حمله به پایانه های نفتی ايران در جزيره ی لارک، که بزرگ ترين حمله عراق در سالهای اخير به شمار می رود، تحت نظارت نيروی دریایی آمريکا در خليج فارس انجام گرفت. (۴۱) آنچه در فوق بيان شد، گوشه ای از همکاری های اطلاعاتی آمريکا و رژیم بعثی عراق را نشان می داد و شامل موارد ديگر از جمله اطلاعات جاسوسی که آمريکا از طريق عوامل نفوذی خود و يا جاسوسان و مزدوران خود در ايران کسب کرده و در اختيار صدام حسين قرار می داد؛ نمی شود. و همه ی اين تلاش ها برای آن بود که یک حکومت متجاوز و جنایتکار را از سرashیب سقوط نجات دهند تا بتواند به عنوان سدی در برابر نفوذ انقلاب اسلامی در منطقه عمل کند.

د- تشويق عراق به بمباران مراکز صنعتی و نظامی ايران:

در ماه اوت سال ۱۹۸۶ (مرداد ۱۳۶۵)، سازمان ”سيا“ یک سیستم الکترونیکی بسیار پیچیده و امن ارتباطی گسترده به راه انداخت که واشنگتن را مستقیماً به بغداد مربوط می کرد. برای دو ماه متوالی،

صدام حسین از طریق ایستگاه بغداد اطلاعات مستقیمی را درباره آرایش های نظامی ایران دریافت می داشت. از طریق این شبکه عظیم ارتباطی، اثرات بمباران های عراقی در تأسیسات ایران نیز ارزیابی و به وسیله "سیا" در اختیار رژیم عراق گذارده می شد. بخش عظیم این ارزیابی ها به وسیله یک واحد ویژه که در مرکز "ایستگاه بغداد" تأسیس شده بود، انجام می شد.

بنا بر گزارشی که در روزنامه "واشنگتن پست" در سال ۱۹۸۶ منتشر شد، حتی "کیسی" رئیس سازمان سیا، با مقامات عراقی در واشنگتن ملاقات کرد تا مطمئن شود که این شبکه ارتباطی به درستی کار می کند و در ضمن عراقی ها را به انجام حملات بیشتری به خاک ایران تشویق کرد. (۴۲)

آمریکا با در خطر قرار گرفتن تلاش هایش در چارچوب قطعنامه ۵۹۸، عراق را به آغاز یک دوره جدیدی از جنگ نفت کش ها واداشت. با شروع این دوره از جنگ نفت کش ها (در آستانه سفر دبیر کل سازمان ملل به ایران) خبرگزاری یونایتدپرس به نقل از یکی از خبرنگاران خود

اعلام داشت، گروهی از مقامات دولت آمریکا به وی گفته اند که برخی از سیاست گذاران کاخ سفید عقیده دارند که عراق باید حملات خود را علیه ایران تشدید سازد. تشدید حملات عراق باید بر تأسیسات صدور نفت ایران به حدی آسیب برساند که این تأسیسات غیرقابل تعمیر باشد. (۴۳)

روزنامه "واشنگتن پست" نیز در طی مقاله ای نوشت که مقامات آمریکایی سه پدیده خرد کننده را درباره ی جمهوری اسلامی بر می شمارند که به گمان آنها اثرات سهمگینی در روحیه ایرانیان در جبهه ها و زوال فکری در تهران به جای گذاشته است.

نخستین پدیده جنگ شهرهاست. پدیده دوم، استفاده فزاینده و موفقیت آمیز عراق از جنگ افزارهای شیمیایی، و پدیده سوم سیاست دو سویه آمریکا شامل فشارهای دیپلماتیک بر تهران هم زمان با حمایت نظامی از همسایگان ایران است. (۴۴)



مردی که شهید شد
شعار مردم برزید
اللا این ماوین
حسین



ما آمریکا را زیر پا می گذاریم.

کتاب انتشار به نام خاخر کاوه

امام خمینی (ع)

هفته نامه "نیویورکر" نیز که در آمریکا منتشر می شود، پرده از نقش آمریکا در تشویق عراق به بمباران مناطق شهری ایران برداشته، طی گزارشی فاش ساخت که "جورج بوش" در تابستان سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، هنگامی که سمت معاونت رییس جمهوری در دولت ریگان را بر عهده داشت، دولت عراق را تشویق کرد که ایران را مورد بمباران شدید قرار دهد تا تهران مجبور شود برای خرید اسلحه به آمریکا روی آورد و در آن صورت، واشنگتن بتواند خواستار آزادی گروگان های غربی شود.

جالب آنکه به فاصله ی ۴۸ ساعت پس از این اقدامات دولت آمریکا، سیاست جنگی عراق تغییر کرد و بمباران شهرها شروع شد و در طول چند هفته، هواپیماهای عراقی نزدیک به ۳۶۰ پرواز به داخل ایران داشته و با بمباران وسیع، شرایط جنگی را در شهرها تشدید کردند.

(۴۵)

هـ - همراهی با عراق در حمله به نیروهای ایرانی:

در طی هشت سال جنگ تحمیلی، آمریکا در موارد متعددی ضمن همکاری با نیروهای عراق، به مواضع و نیروهای ایرانی در خلیج فارس و همچنین جزیره فاو حمله کرد. مطالبی که در زیر می آید بخشی از این اقدامات نظامی خصمانه را نشان می دهد:

«در اوایل سال ۱۹۸۸ (زمستان ۱۳۶۶)، واحدهای ارتش عراق، با یک نقشه به دقت طراحی شده و مانور نظامی پیچیده که با کمک آمریکا برنامه ریزی شده بود، جزیره استراتژیک فاو را پس گرفتند.

کارشناسان نظامی آمریکا، با کمک نقشه هایی که توسط "سیا" تهیه شده بود، تمام راه های تعرض واحدهای عراق را به دقت مشخص کرده و برای انجام این تعرض، فرماندهان عراقی زیر نظر دقیق افسران اطلاعاتی آمریکا مدت یک سال تمام تحت آموزش قرار گرفتند؛ به طوری که پس از شروع حمله، تمامی شبه جزیره را عراقی ها توانستند ظرف ۳۶ ساعت دوباره اشغال کنند.» (۴۶)

نشریه آمریکایی "سانفرانسیسکو اگزمیر" نیز نوشت: همکاری های کاملاً سرّی آمریکا با عراق در تصرف شبه جزیره فاو، در حد طراحی عملیات زمینی و کمک ایالات متحده در آرایش نیروی عراقی ها در منطقه بوده است. (۴۷) محقق دیگری می گوید: تا سال ۱۹۸۸، ایالات متحده از طرق مختلف با کمک به عراق جهت قدرت برتر در مقابل ایران، اقدامات نظامی مهمی را علیه ایران انجام داده بود. (۴۸)

روزنامه "لوس آنجلس تایمز" نیز در تاریخ نهم اوت ۱۹۹۰، به نقل از یک متخصص مسایل خاورمیانه در انستیتوی مطالعاتی "بنیاد کارنگی" چنین می نویسد: «دولت ریگان علیرغم موضع رسمی آمریکا مبنی بر بی طرفی در جنگ ایران و عراق، در زمینه تعیین استراتژی برای بازپس گیری جزیره فاو، برای مدت بیش از یک سال با رژیم عراق همکاری داشت... مقامات نظامی آمریکا در آن مدت با عراق و واحدهای برگزیده نظامی صدام همکاری گسترده ای داشتند.

کمک های آمریکا به عراق که مکمل کمک های دریافتی این کشور از مصر، اردن، و فرانسه بود، شامل ارایه تاکتیک های نظامی برای بازپس

گیری "فاو" و ماکت سازی این شبه جزیره برای نشان دادن محل استقرار نیروهای ایرانی نیز بود. بدون کمک آمریکا بی تردید بغداد ماه ها و حتی سالها در جنگ درجا می زد و طبعاً عراق در یک جنگ فرسایشی هم از نظر نظامی و هم از نظر اقتصاد، بازنده بود.» (۴۹)

و- حمله به سکوهای نفتی و کشتی های نظامی و تجاری ایران:

آمریکا سعی داشت تا با استراتژی جنگ محدود علیه ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران را به پای میز مذاکره بنشاند. همکاری ناوهای جنگی آمریکا با جنگنده های عراقی در راستای از بین بردن نفتکش های ایرانی در خلیج فارس و انهدام ترمینالهای نفتی ایران، جزیی از این استراتژی بود. (۵۰) در تاریخ سی ام شهریور ۱۳۶۶، هلی کوپترهای آمریکایی با شلیک موشک، یک کشتی تجاری ایران را غرق کردند. در این حمله سه نفر پرسنل ایرانی کشتی به شهادت رسیدند و نیروهای آمریکایی ۲۶ نفر را به گروگان گرفتند. سخنگوی کاخ سفید گفت که "ریگان" شخصاً دستور حمله به کشتی ایرانی را صادر کرده است.

در تاریخ هفدهم مهرماه ۱۳۶۶ نیز هلی کوپترهای توپ دار آمریکایی سه قایق کشتی ایرانی را غرق می کنند. (۵۱)

در بیست و هفتم مهرماه همان سال، چهار ناو آمریکایی به دو سکوی نفتی ایران حمله کردند و پس از محاصره به روی آنها آتش گشودند. چند ساعت پس از حمله ریگان طی بیانیه ای گفت که وی شخصاً دستور حمله را داده است. (۵۲)

در ماه آوریل ۱۹۸۸ (فروردین ۱۳۶۷) نیز نیروی دریایی ایالات متحده در نزدیکی تنگه هرمز با کشتی های جنگی ایران درگیر شدند. هواپیماهای جنگنده "اف-۱۴ تا مکت"، سه قایق ایرانی را غرق کرده و دو ناوچه ایرانی سهند و سبلان را از کار انداختند. سیستم های راداری که بر روی این دو کشتی مستقر شده بودند، تنها وسایل مراقبتی ایران در بخش جنوبی خلیج فارس بودند. (۵۳) دولت عراق نیز به خاطر همکاری هایی که آمریکا با نیروهای عراقی برای حمله به اهداف ایران انجام داده بود، از نقش آمریکا در حمایت از نفت کش های عراقی و حمله به اهداف ایرانی در خلیج فارس ستایش و قدردانی کرد. (۵۴)



مبارزه‌ی با استکبار تعطیل پذیر نیست

و آمریکا آتَمّ مصادیق استکبار است

امام خامنه‌ای

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

پی نوشت ها:

۱- Adel Darwish and Gregory Alexander, Op.Cit., P63

۲- Simon Henderson, Op.Cit., P183

۳- محسن صفری. "ما اعتراف می کنیم"، (تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰)، ص ۱۶۳.

۴- سوداگری مرگ؛ ناگفته های جنگ عراق با ایران، پیشین. ص ۲۸۲
کنت آر. تیمرمن، پیشین، ص ۲۹۰-۵

۶- Hrair Dekmejian. "Islam In Revolution, Fundamentalism in the Arab world". (New Yourk: Syracuse University Press, 1985), P 168

۷- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۵/۲/۲۷

۸- روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۱۰/۱۴

۹- صدام حسین در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۹۰ (۱۳۶۹/۶/۱۰) طی مصاحبه ای با شبکه تلویزیون فرانسه گفت: (عراق برای حفظ منافع غرب با

ایران می جنگید و اگر کشورش موفق نمی شد جلوی پیشروی نیروهای
ایرانی را بگیرد، وضعیت کنونی غرب نامعلوم بود)

۱۰- مارک گازیوروسکی. "ایرن و آمریکا". ماهنامه دیدگاه ها و تحلیل
ها. شماره ۸۴ آبان ۱۳۷۳، ص ۸۷.

۱۱- محسن صفری، پیشین، ص ۵۸

۱۲- Andrew And Leslie Cockburn, OP.Cit., P339.

۱۳- کنت تیرمن. پیشین، ص ۴۸۰

۱۴- همان، ص ۴۰۲.

۱۵- محسن صفری، پیشین، ص ۷۸

۱۶- کیهان هوایی، ۱۳۶۹/۱۰/۲۶. به نقل از وال استریت ژورنال، دهم
ژانویه ۱۹۹۱

۱۷- کیهان هوایی، ۱۳۶۹/۲/۵. به نقل از رادیو صدای آمریکا، شانزدهم
آوریل ۱۹۹۰

۱۸- محسن صفری، پیشین، ص ۹۱

۱۹- پیرسالیانجر- اریک لوران. "جنگ خلیج فارس پرونده محرمانه."

ترجمه موسی احمد زاده، (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰)، ص ۲۶

۲۰- محسن صفری، پیشین، ص ۹۳

۲۱- Mark Perry. "Eclipse, The Last days of the C.I.A,"

(New york: Wiliam Morrow and Company,

.Inc,1992),P375

.Ibid, P376 -۲۲

.Ibid, P377 -۲۳

.Ibid, P379 -۲۴

.Ibid,P381 -۲۵

.Ibid,P381 -۲۶

James Bill.OP.Cit., P306 -۲۷

.Adel Darwish and Gregory Alexander,OP.Cit.,P66 -۲۸

۲۹- Ibid,P68.

۳۰- Mark Perry,Op.Cit.,P381

۳۱- Ibid,P383.

۳۲- ”روابط پنهانی ایالات متحده و عربستان سعودی“. ترجمه همایون الهی، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ی ۷۱-۷۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، ص ۶۷.

۳۳- Mark Perry,Op.Cit.,P383

۳۴- کنت تیمرمن، پیشین، ص ۴۷۵.

۳۵- Andrew And Leslie Cockburn,OP.Cit.,P323.

۳۶- حسن صفری، پیشین. ص ۶۲.

۳۷- Mark Perry,Op.Cit.,P383

۳۸- Bob Woodward, OP.Cit.,P480

۳۹- محسن صفری، پیشین، ص ۷۳.

۴۰- روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۱۰/۹

۴۱- کیهان هوایی، ۱۳۶۷/۳/۱۱.

۴۲- Mark Perry, Op.Cit., P386

۴۳- گذر از بحران ۶۷، پیشین، ص ۳۲ و ۳۳.

۴۴- همان، ص ۹۴ و ۹۵.

۴۵- ”مذاکره با آمریکا؟! ماهیت و عملکرد آمریکا.“ پیشین. ص ۳۹.

۴۶- Mark Perry, Op.Cit., P386.

کلیه حملاتی که ارتش عراق در زمستان ۱۳۶۶ و بهار ۱۳۶۷ علیه رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف انجام داد، با به کارگیری گسترده و وحشتناک سلاح های شیمیایی صورت می گرفت و از آن جا که نیروهای اسلام از لحاظ تجهیزات تدافعی بسیار در مضیقه بودند، لذا مجبور به عقب نشینی از مناطق مزبور می شدند.

۴۷- گذر از بحران ۶۷، پیشین، ص ۱۰۷

۴۸- Jo. Anne Hart, OP.Cit., P24.

۴۹- محسن صفری، پیشین، ص ۶۰.

۵۰- رابطه سیاه، پیشین، ص ۱۹۹.

۵۱- همان، ص ۱۹۵.

۵۲- کودتای نوژه، پیشین، ص ۹۱.

۵۳- Adel Darwish and Gregory Alexander, OP.Cit., P68

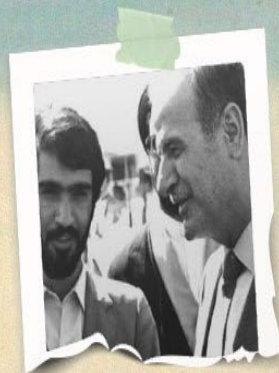
۵۳ - Ibid, P76

۵۴- محمد جواد ظریف و سعید میرزایی. "تحریم های یک جانبه آمریکا

علیه ایران". مجله سیاست خارجی، بهار ۱۳۷۶ ص ۹۴



در برابر، ایران تنها امکان خرید از چند کشور محدود مثل سوریه و لیبی را داشت هرچند کشوری مثل سوئیس که در همه جنگ‌ها اعلام بی طرفی کرده، به عراق جنگ افزارهای شیمیایی می فروخت و به ایران تجهیزات دفاعی جنگ شیمیایی!



آمریکا برای اینکه بتواند راحت تر به صدام کمک کند، سریعاً عراق را از لیست کشورهای حامی تروریسم بیرون آورد و در نوامبر ۱۹۸۳ در بیانیه ای اعلام کرد هر آنچه را لازم و از نظر قانون موجه بداند، انجام می دهد تا عراق در جنگ با ایران مغلوب نشود.



چندین میلیارد دلار کمک‌های
اقتصادی، فروش فناوری‌های
سلاح‌های میکروبی و شیمیایی،
دادن اطلاعات نظامی و آموزش
عملیات‌های ویژه به ارتش عراق
قسمتی از کمک‌های واشنگتن
به صدام بود.



آمریکا در سال ۱۹۸۴، ۴۸ فروند
هلیکوپتر نظامی «بل ۲۱۴ اس تی» به
ارزش ۲۰۰ میلیون دلار به عراق
تحويل داد و اعتباری به مبلغ ۸۴۰
میلیون دلار هم برای واردات مواد
غذایی در اختیار بغداد گذاشت. علاوه
بر این با پرداخت وامی به مبلغ یک
میلیارد دلار برای خریدن سلاح به
عراق موافقت کرد و ۴۰ میلیارد دلار
هم وام بلاعوض به بغداد داد.

کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه



پشتیبانی آمریکا از رژیم صدام یک سر و گردن بالاتر از کشورهای دیگر؟

اما در این میان حمایت‌ها و پشتیبانی‌های آمریکا از رژیم صدام یک سر و گردن از بسیار کشورها برتر و بالاتر بود. به صورتی که آمریکا در کنار کمک‌های مالی و تسلیحاتی در حوزه‌های اطلاعاتی و فرماندهی جنگ نیز کمک‌های بسیار قابل توجه و تاثیرگذاری به ارتش صدام انجام داد. نهادها و سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا با استفاده از نیروهای جاسوس و نفوذی خود در منطقه و همچنین با کمک گرفتن از ماهواره‌های جاسوسی، تحرکات و اتفاقات میدان‌های نبرد را دائماً به صدام و فرماندهان او گزارش می‌دادند.

موضوع مهم دیگر اینکه دولت ریگان از نخستین ماه‌های سال ۱۹۸۵، درهای فروش تکنولوژی بسیار پیشرفته آمریکایی را به روی عراقی‌ها کاملاً باز کرد و حتی صدور تکنولوژی و کالاهایی که فروش آن‌ها به شوروی و بلوک شرق ممنوع شده بود را برای عراق آزاد اعلام کرد. حال در این میان روزنامه «واشنگتن پست» نیز در دسامبر ۱۹۹۰ با استناد به یک سند رسمی دولت آمریکا می‌نویسد: دولت آمریکا در پنج سال

گذشته معادل یک و نیم میلیارد دلار تجهیزات، انواع ماشین آلات، دستگاه‌های حساس و کامپیوترهای فوق العاده قوی که در امر تولید سلاح‌های شیمیایی، موشکی و هسته‌ای نقش حساسی دارند به دولت عراق فروخته است.

شبکه تلویزیونی «ان. بی. سی» آمریکا نیز در گزارشی اعلام کرد که در اوایل دهه ۱۹۸۰ مرکز کنترل بیماری‌های ایالات متحده، باکتری‌های کشنده برای دانشمندان عراقی (به منظور ساخت سلاح‌های میکروبی) ارسال کرده است تا فرماندهان ارتش بعث صدام از آن‌ها برای کشتار رزمندگان و مردم ایران در جبهه‌های نبرد استفاده کند. در پایان باید به این مهم اشاره کرد که واقعیت این است که آمریکا حتی از در اختیار گذاشتن تکنولوژی تولید سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و اتمی نیز به عراق خودداری نکرد تا دیکتاتور خونخوار عراق با استفاده از آن‌ها بتواند دست به کشتار نیروهای ایرانی در جبهه‌های نبرد زده و بتواند روند شکست‌های متوالی خود در برابر نیروهای اسلام را متوقف کرده و به پیروزی‌های موردنظر صدام و دولتمردان آمریکایی دست پیدا کند.

به نوشته «فارین پالیسی» آمریکا در جریان جنگ ایران و عراق با وجود اطلاع از تصمیم عراق برای استفاده از سلاح‌های شیمیایی، کمک‌های اطلاعاتی به این کشور می‌کرد و این کمک‌ها پس از پیش‌بینی پیروزی‌هایی استراتژیک ایران در جبهه‌های نبرد اختیار عراق گذاشته شد.

FP



NBC NEWS

شبکه تلویزیونی ان.بی.سی آمریکا می‌گوید: مرکز کنترل بیماری‌های ایالات متحده، باکتری‌های کشنده برای دانشمندان عراقی (به منظور ساخت سلاح‌های میکروبی) ارسال کرده است.



«ریگان» رئیس‌جمهور وقت آمریکا

«طارق عزیز» وزیر خارجه صدام

بوش پدر

صدام هشتاد به یک به صفر کاوه

وزارت دفاع آمریکا اطلاعات و مشخصات دیپلمات‌های ایرانی و برنامه‌های تدوین شده برای حمله به ایران، با ذکر نقاط حساس برای بمباران نقاط مختلف ایران را به‌طور دائم در اختیار دولت عراق قرار می‌داد. نوامبر ۱۹۸۳ آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که «دولت آمریکا هر آنچه لازم، و از نظر قانون موجه، است را انجام می‌دهد تا عراق در جنگ با ایران مغلوب نشود».

به گفته وبسایت نشریه فارین پالیسی (سیاست خارجی) چاپ واشینگتن، آمریکا در جریان جنگ ایران و عراق با وجود اطلاع از تصمیم عراق برای استفاده از سلاح‌های شیمیایی، کمک‌های اطلاعاتی در اختیار عراق گذاشت. این کمک‌ها پس از پیش‌بینی پیروزی‌هایی استراتژیک ایران در جبهه‌های نبرد و برای جلوگیری از پیروزی ایران در اختیار عراق گذاشته شد. خبرگزاری آمریکایی یونایتد پرس پس از دستگیری صدام در گزارشی نوشت "این حقیقت نیز اکنون آشکار شده‌است که برنامه‌های شیمیایی و میکروبی صدام در دهه ۸۰ میلادی بدون حمایت آمریکا ممکن نبوده‌است.

در این گزارش پیتر گالبری، یکی از کارمندان وقت کمیته روابط خارجی سنای آمریکا می‌گوید که «حقیقت این است که هر گاه عراق قوانین بین‌المللی را نقض می‌کرد و از جنگ‌افزار کشتار جمعی استفاده می‌کرد، بیش از پیش، کمک‌ها و حمایت‌های مالی و سیاسی از آمریکا دریافت می‌کرد» و می‌افزاید: «قطعاً ما بر رفتار صدام تأثیر داشتیم زیرا او را به این باور رسانده بودیم که بسیار مهم است که به علت قتل‌هایی که داخل کشور خود انجام می‌دهد، تحت تعقیب قرار نگیرد.»

آمریکا در سال ۱۹۸۴، ۴۸ فروند هلیکوپتر نظامی بل ۲۱۴ اس‌تی به عراق تحویل داد. [۲۸] در حالی که کارخانه تولیدکننده این هلیکوپتر متعلق به ایران بوده و این هلیکوپتر به سفارش محمدرضا پهلوی و به‌طور انحصاری برای ایران سفارش داده شده بود. با پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، دولت وقت آمریکا این کارخانه را مصادره کرد.

شرکت علمی American Type Culture Collection یک بار در ۱۹۸۶ مجموعه‌ای از عوامل بیماری‌زا شامل سه سویه باکتری عامل سیاه‌زخم، ۵ نوع سم بوتولینوم و سه‌گونه بروسلا به دانشگاه بغداد

فروخت. درخواست عراق برای این عوامل بیماری‌زا بار دیگر در ۱۹۸۸ به دلیل خصومت دو طرف با ایران پذیرفته شد و این بار ۱۱ گونه از این عوامل از جمله ۴ نوع سیاه‌زخم به این کشور ارسال شد. نهایتاً در ۱۹۸۹ آمریکا فروش سیاه‌زخم و عوامل بیماری‌زای دیگر را به عراق، ایران، لیبی و سوریه ممنوع کرد. ارائه اطلاعات ماهواره‌ای و الکترونیکی از آرایش نیروهای ایرانی و مواضع آن‌ها و مشاوره جهت تحکیم آرایش نظامی نیروهای عراقی



تأثیر کمک‌های نظامی آمریکا به عراق بر اقتصاد آمریکا

اقتصاد آمریکا در سال‌های آغازین دهه ۸۰ میلادی ارتباط مستقیمی با جنگ ایران و عراق و صادرات تجهیزات نظامی و تکنولوژی به این کشور داشت. با شروع سال ۱۹۸۰، اقتصاد آمریکا وارد سومین رکود از زمان پیدایش آمریکا گردید. از این سال کاهش تولید ناخالص داخلی آمریکا آغاز گردید. اما با تمهیداتی که توسط سیاستمداران آمریکا اندیشیده شد، اقتصاد آمریکا موفق شد در پایان سال ۱۹۸۱ از حالت رکود خارج شده، میزان بیکاری کاهش و تولید ناخالص داخلی این کشور افزایش یابد. با آغاز جنگ ۸ ساله آمریکا توانست حجم قابل توجهی از مایحتاج نظامی عراق را تأمین کند.

این صادرات تجهیزات و تکنولوژی تا سال ۱۹۸۲ که اقتصاد آمریکا توانست از شرایط رکود خارج شود به صورت گسترده ادامه یافت. در این سال‌ها بر شمار کارخانه‌های اسلحه‌سازی و تولیدکننده تجهیزات نظامی افزوده شد. افتتاح کارخانه‌های جدید نیازمند به خدمت گرفتن

میلیون‌ها نیروی کاری بود که این نیرو از میان بیکاران آمریکا جمع آوری شد. از این طریق مشکل بیکاری آمریکا تا اندازه زیادی حل شد. از طرف دیگر آمریکا با تولید سلاح و تجهیزات نظامی، ارزش افزوده زیادی بدست آورد. همین مسئله باعث رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا شد. آمریکا با کمک درآمدهای صادراتی و درآمدهای ناشی از تولید کارخانه‌های اسلحه سازی، به افزایش سرمایه‌گذاری در بخشهای دیگر اقتصاد پرداخت و باعث از بین رفتن رکود در این بخشها نیز شد.

برخی از کمک‌های اطلاعاتی آمریکا به صدام

نیروی هوایی آمریکا با دستور سازمان سیا اطلاعاتی را که توسط هواپیماهای آواکس این نیرو از مواضع ایران دریافت می‌کرد، در اختیار ارتش عراق قرار می‌داد.

رونالد ریگان شخصاً به ویلیام کیسی (رئیس سازمان سیا) دستور می‌دهد که جهت جلوگیری از شکست عراق در جنگ با ایران، می‌بایست سازمان سیا به این کشور کمک اطلاعاتی نماید.

قبل از شروع جنگ، آمریکا اطلاعات حساس نظامی ایران را که شامل نقاط ضعف ارتش ایران و مراکز حساس نظامی بود، در ملاقاتهایی با بعضی رجال سیاسی و نظامیان مخالف سید روح‌الله خمینی دریافت و آن‌ها را از طریق عربستان سعودی به دست سازمان اطلاعات عراق می‌رساند. ابوالحسن بنی‌صدر یکی از افرادی بود که در اوایل ژوئیه ۱۹۸۰ چندین ملاقات با نمایندگان آمریکا در پاریس انجام داد.

در ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰ نیروی هوایی آمریکا ۵ فروند هواپیمای شناسایی آواکس را جهت شناسایی عملیات‌های هوایی نیروی هوایی ایران و اطلاع‌رسانی آن‌ها به ارتش عراق، به عربستان سعودی منتقل کرد. سازمان سیا از سال ۱۹۸۰ شروع به در اختیار گذاشتن تصاویر هوایی به رژیم بعث عراق کرد. این تصاویر توسط ماهواره‌های جاسوسی آمریکا از مواضع نیروهای نظامی ایران و تأسیسات نفتی ایران گرفته شده بود. این کمک‌رسانی اطلاعاتی تا برقراری آتش‌بس میان ایران و عراق ادامه پیدا کرد.

امریکا

هیچ غلطی
نمی تواند بکند

DOWN WITH
USA



دولت آمریکا در هیچ کشوری، میان هیچ ملتی، یک وجهه ی عمومی ندارد.
«مرگ بر آمریکا» دیگر جزو شعارهای اختصاصی ملت ایران نیست؛
در بسیاری از کشورها گفته می شود.

((مقام معظم رهبری مدظله العالی))

کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه

بر اساس اسناد تازه افشا شده CIA دولت آمریکا با در اختیار قرار دادن اطلاعات به صدام او را به طور گسترده در حملات شیمیایی یاری کرده است. به دنبال اینکه ایران توانست حفره ای در خطوط دفاعی عراق پیدا کند که با استفاده از آن بتواند بصره را فتح کند و احتمال سقوط ارتش عراق وجود داشت، ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا در پاسخ به گزارش سیا نوشت: پیروزی ایران غیرقابل قبول است. آمریکا تصاویر ماهواره ای دقیق از تحرکات نیروهای ایرانی را به ارتش عراق ارائه کرد. طبق اسناد اطلاعات ارائه شده به قدری دقیق بود که به عنوان بسته های هدف گیری یاد می شد. آمریکا چگونگی استفاده از سلاح های شیمیایی را هم به عراق آموزش داد. در یکی از گزارش های سیا آمده است: «اگر عراقی ها مقادیر زیادی گاز خردل تولید کنند به قطع از آن علیه ایران استفاده می کنند.»

اعترافات خلبان های وی آی پی عراق

در یکی از عملیات های نیروی هوایی عراق در ۲۷ ژانویه ۱۹۸۳ دو گروه چهار فروند سوخوی ۲۲ از اسکادران ۶۹ ام به سردستگی سرگرد رجبیان

و کاپیتان المکفی به عنوان فرمانده گروه، آغاز به عملیات هوایی برای بمباران و از بین بردن رادار تشخیص زود هنگام نیروی هوایی ایران در کرج کردند. آن‌ها توسط چهار فروند میگ ۲۳ از اسکادران هوایی ۷۳ ام نیروی هوایی عراق اسکورت می‌شدند. این گروه عملیاتی کوتاه زمانی پس از نفوذ به حریم هوایی ایران، توسط دو فروند هواپیمای اف ۴ پایگاه سوم شکاری نیروی هوایی ایران رهگیری شدند و فرماندهی هر دو دسته هوایی توسط هواپیماهای ایرانی مورد هوف قرار گرفته و ساقط شدند. خلبان‌های هواپیماهای ساقط شده سرگرد رجبیان، باجناغ ژنرال‌عدنان خیرالله وزیر دفاع وقت عراق و کاپیتان المکفی یکی از ستاره‌های نیروی هوایی عراق بود که بارها مورد تشویق شخص صدام قرار گرفته بود. هر دو این خلبان‌ها به دلیل موقعیت نظامی ویژه‌اشان پس از دستگیری با احترام نظامی برخورد شدند و مورد بازجویی افسران ویژه ارتش ایران قرار گرفتند. بر خلاف تصور بازجویان هر دو این فرماندهان بشدت از شیوه فرماندهی جنگی عراق و شخص صدام ناراضی بودند. از یافته‌های این بازجویی علاوه بر آنکه ایرانی‌ها از جزئیات عملیات‌های توپولوف ۲۲ نیروی هوایی عراق مطلع

شدند آن‌های دریافتند که مرکز فرماندهی و کنترل نیروی هوایی عراق در نخب در نزدیکی مرز عربستان سعودی به صورت روزانه گزارش‌های اطلاعاتی از طرف ایالات متحده دریافت می‌کنند که شامل است بر محل گشت زنی جنگنده‌های رهگیر نیروی هوایی ایران، و اینکه کدام سایت سام ایرانی فعال است.

با این اطلاعات ایرانی‌ها از نحوه اینکه چگونه هواپیماهای جنگی عراقی‌ها از مناطقی که نیروی هوایی و پدافند هوایی ایران فعال است خودداری می‌کنند. این اطلاعات فرماندهان عالی نیروی هوایی را چندان متحیر نکرد. آن‌ها مدعی شدند از مدت‌ها پیش از اینکه خلبانان عراقی به نحوی مرموز از پرواز در مناطق سیستم‌های راداری فعال ایرانی اجتناب می‌کنند. همچنین به نظر می‌رسید آن‌ها از محل پرواز هواپیماهای اف-۱۴ ایرانی آگاهی دارند و همواره پروازهای عملیاتی آن‌ها در خارج از محدوده گشت اف-۱۴های ایرانی طراحی و اجرا می‌شد.... منابع: ویکی پدیا

شعار مرگ آمریکا

مخلوق ملت ایران بود...

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی

مرگ آمریکا

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

**نیروی هوایی آمریکا جنگنده های بسیار پیشرفته ای دارد؛
اما آمریکا اقدام به خرید جنگنده های میگ ۲۹ شوروی کرده است**



نیروی هوایی آمریکا جنگنده های بسیار پیشرفته ای دارد؛ اما آمریکا اقدام به خرید جنگنده های میگ ۲۹ شوروی کرده است. جالب اینجاست که این اتفاق ارتباط عجیبی با ایران دارد. در پایان جنگ سرد نیروی هوایی آمریکا به این نتیجه رسید که جنگنده میگ ۲۹ شوروی نه تنها از اف ۱۵ و اف ۱۶ هیچ چیزی کم ندارد، بلکه از نظر برخی قابلیت ها می توان آن دو را پشت سر بگذارد. این نتیجه گیری مهم نیز پس از پرواز با جنگنده شوروی به دست آمد. اما چطور پرواز خلبانان آمریکایی با جنگنده ساخت شوروی ممکن شد؟



مولداوی یک کشور کوچک اروپایی است که فاصله بسیار کمی با روسیه دارد. پس از فروپاشی شوروی، این کشور دارای ۳۴ فروند میگ ۲۹ و ۸ هلیکوپتر Mi-8 بود. مولداوی قادر نبود از پس هزینه تعمیر و نگهداری جنگنده ها و هلیکوپترها برآید. همین نیز حسابی مقامات آمریکایی را نگران کرده بود. آنها می‌ترسیدند که مولداوی جنگنده های میگ ۲۹ خود را به ایران بفروشد.

همین نیز باعث شد که مقامات آمریکا اقدام به خرید جنگنده های ساخت شوروی کنند. جالب اینجاست که جنگنده های میگ ۲۹ مولداوی توانایی حمل بمب اتم را نیز داشتند. ترکیب این مورد با توسعه برنامه هسته‌ای ایران سبب شده بود که آمریکایی‌ها آینده خاورمیانه را نگران‌کننده تصور کنند.

در نهایت عملیات خرید ۳۴ فروند جنگنده ساخت شوروی در سال ۱۹۹۷ انجام شد و آمریکا آنها را به صورت مخفیانه با هواپیمای C-17 به اوهایو برد. جنگنده‌های جدید و سایر تجهیزات نظامی شوروی خیلی زود به اسباب بازی محبوب نیروی هوایی آمریکا تبدیل شدند. جنگنده های شوروی تهدید خطرناکی برای نیروهای آمریکایی و اروپایی محسوب می‌شدند. به همین خاطر پرواز با آنها باعث می‌شد که اطلاعات ارزشمندی در اختیار ارتش آمریکا قرار گیرد.

البته این تنها نیروی هوایی آمریکا نبود که از پروژه خرید جنگنده شوروی سود بود. ارتش اسرائیل نیز نگران بود که روزی ایران بتواند جنگنده میگ ۲۹ را خریداری کند. به همین خاطر تعدادی میگ را از

آمریکا تحویل گرفت تا بتواند خلبان‌های خود را در برابر دشمن احتمالی آموزش دهد. جالب اینجاست که خلبان‌های اسرائیلی خیلی از توانمندی‌های این هواپیما تمجید کردند. حتی آمریکایی‌ها نیز اعلام کردند که میگ ۲۹ می‌تواند سلاحی بسیار خطرناک در دستان خلبانی ماهر باشد.

آمریکایی‌ها همچنین پس از خرید جنگنده شوروی متوجه شدند که میگ از زاویه هدف‌گیری بیشتر و سیستم هدف‌گیری دقیق‌تری می‌برد. در نتیجه ارتش آمریکا به بررسی فناوری‌های موجود در میگ نیز پرداخت تا بتواند موارد مفید را از طریق مهندسی معکوس به‌دست آورد. در نهایت می‌توان گفت که پروژه خرید جنگنده شوروی اقدامی درست از سوی آمریکا بود. اینکار باعث شد که هم خلبان‌های آمریکایی اطلاعات بهتری از رقیب خود به‌دست آوردند و هم فناوری نظامی آمریکا کامل‌تر شود.

منبع : به گزارش تابناک، گجت نیوز



مکرر گوشزد نموده‌ام که رابطه‌ی ما با امثال آمریکا، رابطه‌ی ملت مظلوم با جهان‌خواران است.

امام خمینی (ره)
صحیفه امام ج ۱۲ ص ۴۰



کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه

«مرگ بر آمریکا»

این که می بینید ملت ما بعد از بیست و شش سال «مرگ بر آمریکا» را فراموش نمی کند، به خاطر این است که غفلت از توطئه‌ی استکبار جهانی همان، و اسیر توطئه شدن همان. در واقع «مرگ بر آمریکا»یی که مردم ما می گویند، مثل همان «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» است که اول هر سوره‌ی قرآن قبل از «بسم الله الرحمن الرحیم» گفته میشود. استعاده‌ی به خدا از شیطان رجیم برای چیست؟

برای این است که انسان مؤمن یک لحظه حضور شیطان را فراموش نکند؛ یک لحظه از یاد نبرد که شیطان آماده‌ی حمله به او و انهدام حصار معنوی و ایمانی اوست.

«مرگ بر آمریکا» هم برای این است که ملت فراموش نکند سلطه‌گران جهانی منافع سرشاری که در این کشور داشته‌اند و دست آنها کوتاه شده، از یاد نبرده‌اند.

کشورهای زیادی در تسلیح و تجهیز رژیم صدام به سلاح‌های مرگ‌بار نقش داشتند؛ اما در این میان، دولت آمریکا بیشترین سهم را در مسلح کردن رژیم صدام و حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی از این رژیم داشت. با آغاز جنگ در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، نگرانی‌ها و امیدهای بالقوه‌ای برای ایالات متحده مطرح شد که ناشی از موقعیت استراتژیک خلیج فارس و مطرح بودن منافع حیاتی برای این کشور در منطقه بود. یکی از نگرانی‌های دولت کارتر، گسترش خشونت در منطقه و بروز اختلال در صدور بیش از ۶۰ درصد نفت مصرفی بود. نگرانی دیگر واشنگتن، برخورداری اتحاد شوروی از آزادی عمل دیپلماتیک بسیار بیشتری نسبت به آمریکا و افزایش نفوذ سیاسی آن کشور در منطقه بود. روس‌ها نه تنها با هر دو کشور درگیر روابط سیاسی داشتند و تأمین کننده اصلی سلاح‌های عراق به شمار می‌آمدند، بلکه به ایران نیز پیشنهاد فروش تسلیحات را داده بودند. در حالی که ایالات متحده با هیچ یک از طرفین درگیر، روابط دیپلماتیک نداشت.

برژینسکی، به عنوان مغز متفکر و تصمیم گیرنده آمریکا برای مقابله با ایران، در تیرماه ۱۳۵۹ برنامه مذاکره محرمانه مقامات عالی‌رتبه آمریکا و عراق را طراحی کرد. به گزارش نشریه نیویورک تایمز، هدف از این دیدار بحث و مذاکره درباره راه‌های هماهنگ کردن فعالیت‌های آمریکا و عراق در مخالفت با سیاست‌های ایران بود. برژینسکی صدام را «نیروی متعادل کننده» امام خمینی تلقی می‌کرد. ملاقات محرمانه صدام و برژینسکی در مرز اردن به منزله «چراغ سبز آمریکا» به عراق برای آغاز جنگ بود و این تلقی را در صدام به وجود آورد که در صورت حمله به ایران مورد حمایت آمریکا قرار خواهد گرفت. (۱۲)

در مارس ۱۹۸۱، حزب کمونیست عراق توسط صدام سرکوب شد. به دنبال این اقدام، رسانه‌های اتحاد شوروی پایان جنگ و خروج سربازان عراقی از ایران را خواستار شدند. (۱۳) در همان ماه، وزیر امور خارجه آمریکا، الکساندر هیگ، [۲] به کمیته روابط خارجی سنا اعلام کرد امکان بهبود روابط با بغداد را در نظر داشته باشند. به دنبال این اظهارات، وی

فروش پنج هواپیمای بوئینگ به عراق و اعزام مشاور وزیر امور خارجه را برای مذاکرات به بغداد تأیید کرد. (۱۴) آمریکا عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریسم بین‌الملل برداشت و ۴۰۰ میلیون دلار ضمانتنامه (وثیقه) را برای صادرات به عراق تمدید اعتبار کرد. (۱۵)

موضع دولت کارتر در خصوص جنگ تحمیلی، اعلام بی‌طرفی بود، اما بی‌درنگ، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد: بی‌طرفی آن کشور دلیل بر بی‌تفاوتی [۳] نیست و ایالات متحده برای تضمین تداوم جریان نفت در مقابل تهدیدهای خارجی، از نیروهای نظامی استفاده خواهد کرد و در صورت درخواست کمک نظامی از سوی کشورهای منطقه به کمک آنها خواهد شتافت. بنابراین ایالات متحده برای رویارویی با هدف‌های ایران، اقدامات هماهنگی را در جهت حمایت از عراق، مسلح کردن کشورهای منطقه و تقویت حضور نظامی خود در آب‌های اقیانوس هند و خلیج فارس انجام داد. در این راستا، آمریکا نه تنها تجاوز عراق به خاک ایران را محکوم نکرد، بلکه دولت ریگان



مبدأ دشمنی

دشمنی آمریکا با ایران از کودتای ۲۸ مرداد
اتفاق افتاد و تا انقلاب اسلامی ادامه داشته است.

رهبر معظم انقلاب
۱۳۹۹/۰۵/۲۶

کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه

روابط فیما بین را با عراق تعمیق بخشید و وزارت امور خارجه آن کشور نام عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریسم حذف کرد. (۱۶) با این اقدام، ممنوعیت صادرات کالاهای آمریکایی به عراق برطرف شد. همزمان با آن، دولت ریگان به فروش سلاح به کشورهای حاشیه خلیج فارس اقدام کرد و به آنها اجازه داد این سلاحها را در اختیار عراق قرار دهند. این اقدام دولتی، راه را برای دولت ریگان باز کرد تا اجازه صدور ۶ هواپیمای نظامی CBO , Locrheed را به عراق صادر کند.

اگر چه اجازه فروش این هواپیماها به منظور خطوط هواپیمایی کشوری (غیرنظامی) صادر شد، (اما) هواپیماهای مزبور، شکل غیر نظامی هواپیماهای نفربر نظامی C-130 است. در وضعیت مشابهی، چهارماه بعد، وزارت بازرگانی اجازه فروش ۶ فروند هواپیمای جت کوچک به عراق را صادر کرد که ۴ فروند آن واقعاً کاربردهای نظامی داشت. علاوه بر این، آمریکا از سیاست متحدان اروپایی خود از جمله فرانسه و انگلیس در زمینه تأمین تجهیزات نظامی عراق حمایت کرد و

کشورهای ثروتمند عرب منطقه را به اعطای وام‌های کلان به بغداد تشویق نمود.

با پیروزی‌های بزرگ ایران در اواخر سال ۶۰ و بهار سال ۶۱، آمریکا با موضوع جنگ، حساس‌تر برخورد کرد و اعلام نمود نگران پیروزی ایران در جنگ با عراق است. وزیر دفاع آمریکا در این رابطه اظهار کرد: کشورش هر زمانی که صلاح بداند، از دوستان عرب خود در این جنگ پشتیبانی خواهد کرد. (۱۷) در این مقطع، آمریکا کمک نظامی و تسلیحاتی به عراق را در صدر برنامه‌های خود قرار داد و وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد: کمک به عراق برای واشنگتن در جهان عرب منافع زیادی به همراه خواهد داشت. وی پس از آن با سفر به منطقه خلیج فارس با سران کشورهای عرب مذاکره نمود تا بتواند سلاح‌های بیشتری را به آنها بفروشد و آنها را برای افزایش کمک به عراق، ترغیب نماید. (۱۸) شرایط ایجاد شده زمینه لازم را برای برقراری روابط دیپلماتیک و رسمی بین دو کشور ایجاد کرد. (۱۹) وزارت خارجه آمریکا

طرحي براي كمك به عراق تهيه كرد كه براساس آن، در آذرماه ۱۳۶۱ مبلغ ۳۰۰ ميليون دلار وام براي خريد برنج و گندم به عراق پرداخت شد و در مرحله بعد، يك ميليارد دلار ديگر نيز با شرايط بازپرداخت بسيار آسان، در اختيار عراق قرار داد. (۲۰) به طور كل در اين دوره، اقدامات آمريكا را براي تحت فشار قرار دادن ايران و كمك به عراق، به چهار بخش مي‌توان تقسيم كرد:

۱. تقويت وضعيت اقتصادي عراق؛ ۲. ايجاد محدوديت در منابع ارزي ايران؛ ۳. اجراي عمليات استانچ با هدف جلوگيري از فروش سلاح به ايران؛ ۴. ايجاد محدوديت در استخراج و فروش نفت ايران» (۲۱)

دولت آمريكا در اواخر سال ۱۳۶۲، روابط رسمي خود را با عراق به طور كامل برقرار كرد و با تصويب مجلس سنا اعطاي كمك‌هاي ذيل را به عراق در صدر برنامه‌هاي خود قرار داد:

۱. تخصيص حدود يك ميليارد دلار براي خريد محصولات كشاورزي؛ ۲. تصميم بانك صادرات و واردات آمريكا براي ضمانت ۸۵ درصد از ۵/۷ ميليارد دلار مبلي كه براي ساخت خط لوله نفتي عقبه لازم بود؛ ۳.

حمایت آمریکا از قطعنامه‌های شورای امنیت برای محکومیت ایران؛ و
۴. حمایت شدید آمریکا از تحریم فروش تسلیحات به ایران. (۲۲)

در این میان، ارائه کمک‌های اطلاعاتی و دانش مربوط به سلاح‌های
شیمیایی از سوی آمریکا به عراق دارای اهمیت خاصی بود که اخیراً
توسط برخی از مطبوعات و رسانه‌های آمریکا افشا شده است. از جمله
روزنامه نیویورک تایمز اخیراً اعلام کرده آمریکا در جریان جنگ ایران و
عراق، اطلاعات جاسوسی را در اختیار بغداد قرار داده است و منبع خبر
را گزارش مأموران پیشین سازمان اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا اعلام
کرده است. این اطلاعات شامل جزییات اطلاعات جاسوسی مربوط به
تغییر و تحولات نظامی و حمله‌های هوایی و نقشه‌های جنگی ایران
بوده است. (۲۳) همچنین مطبوعات آلمان فاش کرده‌اند ریگان
پشیاپیش از نحوه استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی مطلع بوده و
برای موفقیت طرح‌های عملیاتی عراق، جزییات مربوط به تجمع
نظامیان ایران را در اختیار عراقی‌ها قرار داده بود. علاوه بر این، عراق
بخش عمده‌ای از مواد و عوامل شیمیایی و بیولوژیک را در سال‌های

جنگ از آمریکا وارد می‌کرد که این موضوع پس از بررسی کارشناسان سازمان ملل و در طی سال‌های اخیر روشن شده است. (۲۴)

با گذشت زمان و آشکار شدن توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی نیروهای نظامی ایران، ریگان تأکید کرد: پیروزی ایران با منافع آمریکا مغایرت دارد و در همین راستا، اطلاعات نظامی جبهه‌های نبرد را توسط دولت عربستان در اختیار دولت عراق قرار داد. وی همچنین، دولت‌های اروپایی و عرب را تشویق کرد به عراق اسلحه ارسال نمایند. در سال ۱۳۶۲ یک وام ۴۲۵ میلیون دلاری توسط آمریکا در اختیار دولت عراق قرار گرفت. طی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ سیل کمک‌های مالی خارجی به سوی عراق سرازیر شد. عربستان سعودی ۶ میلیارد دلار، اردن ۶۵ میلیون دلار، فرانسه ۶۰۰ میلیون دلار و آمریکا در دو مرحله ۹۵ میلیون دلار در اختیار عراق قرار دادند. در تمام این مدت ایران تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی، سیاسی و تسلیحاتی قرار داشت. آمریکا در همین سال از تمام متحدان اروپایی و غیراروپایی خود خواست تا به ایران،



ثروت انبوه تو خون دل تو دده هاست

کتاب هشتم به یک _ ناصر باوه

سلاح نفروشد؛ و کشورهايي مثل کره شمالي را نيز تحت فشار قرار داد تا از فروش سلاح به ايران خودداري کنند.(۲۵)

با اعلام تحريم فروش سلاح به ايران کشورهايي مثل کره جنوبي تحت فشار قرار گرفتند تا از مبادله کالاهايي که توان جنگي ايران را افزايش مي‌دهد خودداري کنند.(۲۶) در دسامبر ۱۹۸۲، ناو هواپيما بر آمريکايي، ۶۰ فروند هلي‌کوپتر را به مقصد عراق حمل کرد. بعلاوه از اين تاريخ تا پايان جنگ تحميلي اداره اطلاعات ارتش آمريکا اطلاعات مربوط به آرايش نيروهاي ايران در مرز و نقاط آسيب‌پذير ارتش ايران در طول مرزها را در اختيار اداره اطلاعات ارتش عراق قرار مي‌داد. آمريکايي‌ها همچنين اطلاعات جاسوسي را در اختيار عراقي‌ها قرار دادند، که البته برخي از آنها نيز گمراه‌کننده يا ناقص بود.(۲۷)

همچنين در اکتبر ۱۹۸۳ دولت ريگان به اردن، عربستان سعودي، کويت و مصر اجازه داد تسليحات نظامي آمريکايي را به عراق ارسال کنند که اين امر تخطي از قانون کنترل صادرات اسلحه در سال ۱۹۷۶ بود.(۲۸)

در نوامبر ۱۹۸۳ شورای امنیت ملی ایالات متحده مستقیماً اعلام داشت: «آمریکا باید هر کاری که قانونی و لازم است انجام دهد تا عراق را از شکست نجات دهد.» (۲۹)

در نوامبر ۱۹۸۳ سیاست اداره امنیت ملی آمریکا بر آن قرار گرفت تا هر آن چه لازم باشد برای جلوگیری از شکست عراق در برابر ایران انجام دهد. همچنین براساس سفارش دولت آمریکا، شعبه بانک ناسیونال ایتالیا در ایالت آتلانتا، ۵ میلیارد دلار وام در اختیار عراق قرار داد تا آن دولت بتواند انواع ابزارهای نظامی را از آمریکا خریداری کند. (۳۰)

حمایت‌های اقتصادی آمریکا از عراق از سال ۱۳۶۳ روند صعودی پیدا کرد. (۳۱) در مورد این حمایت‌ها و فیک سامرای، رئیس استخبارات نظامی عراق در زمان جنگ، در مصاحبه‌ای اعلام کرد: اگر حمایت غرب نبود صدام نمی‌توانست جنگ علیه ایران را ادامه دهد. وی نقش آمریکا را در کمک به صدام چنین برمی‌شمارد: ۱. ارائه اطلاعات کامل

نظامي که از طريق ماهواره‌ها و وسايل الكترونيك مختلف و منابع انساني به دست مي‌آمد؛ ۲. تشويق كشورهاي منطقه به اعطاي كمك مالي بيشتر به عراق؛ و ۳. تحريم جمهوري اسلامي ايران و جلوگیری از دستيابي آن به تسليحات و تجهيزات مدرن. (۳۲)

در اين خصوص، آژانس امنيت ملي ايالات متحده [۴] به طور منظم و مرتب اطلاعات و تصاویر ماهواره‌ای راجع به آرایش نظامي سربازان ایرانی را در اختیار عراق قرار می‌داد. در سال ۱۹۸۶ سیا يك ارتباط مستقيم بين واشنگتن و بغداد ايجاد نمود تا اطلاعات جاسوسي، سریع‌تر از ماهواره‌های آمريکايي به عراق ارسال شود. (۳۳) اين اطلاعات جاسوسي به طور عمده به ارتش عراق کمک کرد تا در مقابل حملات نظامي ايران در ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ ايستادگي و مقاومت کند. در مراحل بعدي جنگ، نيروي دريائي ايالات متحده مستقيماً در خليج فارس عليه واحدهاي وابسته به نيروي دريائي و نظامي ايران وارد جنگ شد. بعلاوه در جولاي ۱۹۸۸ (۱۲ تير ۱۳۶۷)، ناو جنگي وينسنس [۵]

ایالات متحده در فضاي هوايي بين‌المللي هواپيماي مسافربري ايرباس ايران را هدف قرار داد که بر اثر آن تمام ۲۹۰ سرنشین آن به شهادت رسیدند. (۳۴) آمریکا هرچند در طول جنگ، به طور غیرمستقیم عراق را در تمامی زمینه‌ها مورد حمایت سياسي و نظامي قرار مي‌داد، اما در سال ۱۹۸۸ به صورت مستقیم و آشکارا با ايران وارد نبرد شد. حمله به سکوهاي نفتي، ايجاد مزاحمت براي نفتکش‌هاي ايراني و حمله به هواپيماي مسافربري ايران نمونه بارز آن بود. مداخله مستقیم نظامي ایالات متحده علیه ايران در سال ۱۹۸۸ نشان داد که واشنگتن حاضر نیست پیروزي ايران را در جنگ بپذیرد. (۳۵)

مي‌توان گفت از زمان روي کار آمدن دولت ريگان در سال ۱۹۸۱، همه ادعاهاي بي‌طرفي آمریکا در قبال جنگ عراق علیه ايران نادیده گرفته شده است. مطابق حقوق بين‌الملل، چنین اقدامات و فعاليت‌هايي نقض آشکار اصول بي‌طرفي است. (۳۶)



حقوق بشر آمریکایی

دولتی مدعی تمدن، با آن همه پرگویی ریاکارانه در باب حقوق بشر و تظاهر به مخالفت با تروریسم، چگونه صدها مسافر را در فضای مجاز و معمولی چنین بی رحمانه و قساوت آمیز می کشد و صدها خانواده را در غم عزیزان خود به ماتم می نشاند؟ من اکنون به نام ملت ایران، **دولت آمریکا و شخص ریگان**، رئیس جمهور آمریکا را به عنوان جنایتکار و قاتل معرفی می کنم...

قسمتی از پیام حضرت آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت در پی جنایت سرنگونی پرواز ۶۵۵

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

در پی ناکامی عراق در دستیابی به اهدافش در جنگ با ایران، این کشور استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در جبهه‌ها تشدید کرد. دولتمردان آمریکا استفاده عراق از گاز خردل را تلاش برای دفع حملات موج انسانی ایران قلمداد می‌کردند. ایالات متحده برای رد گم کردن و نپذیرفتن تبعات منفی استفاده عراق از تسلیحات غیرمعارف، سعی داشت نشان دهد شوروی تأمین‌کننده اصلی این سلاح‌ها برای عراق است. (۳۶)

در سال ۱۳۶۶ تصمیمات جدیدی درخصوص تحریم اقتصادی ایران از سوی دولت آمریکا اعلام شد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت هرگونه واردات نفت خام از جمهوری اسلامی ایران و نیز خودداری از پذیرش هرگونه واردات دیگر از این کشور بود. ریگان همچنین اعلام کرد: ایالات متحده اقدامات مربوط به جلوگیری از رسیدن کالاهای حساس به ایران را تشدید نموده و از صدور اکثر کالاهای باقی مانده که قرار بود پیش از اعلام تحریم اقتصادی به ایران ارسال شود جلوگیری می‌کند. از سوی

دیگر آمریکا با فشار مستمر بر چین، خواستار پایان بخشیدن به ارسال سلاح از سوی این کشور به ایران شد. (۳۷)

با بررسی نحوه برخورد آمریکا در جنگ ایران و عراق، به نظر می‌رسد این کشور با چنین عملکردی، به دنبال تحقق اهداف ذیل بوده است:

۱. جلوگیری از پیروزی ایران یا عراق؛ ۲. جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران به کشورهای همسایه؛ ۳. جلوگیری از بهره‌برداری احتمالی شوروی از تحولات آینده منطقه؛ ۴. ایجاد یک جبهه متحد از اعراب در مقابل ایران؛ ۵. حفظ جریان آزاد نفت خلیج فارس و تسلط بر این منطقه؛ ۶. کاهش احساسات انقلابی حکومت و مردم ایران؛ ۷. زمینه‌سازی برای سرکوب ایران به وسیله سازمان ملل؛ ۸. جلوگیری از گسترش جنگ به کشورهای منطقه؛ و ۹. مهار ایران و جلوگیری از ورود تسلیحات استراتژیک و موشک‌های دوربرد به این کشور. (۳۸)

در اینجا به برخی از کمک‌های دولت آمریکا به عراق در خلال دوره جنگ تحمیلی، که از سوی رسانه‌های غربی فاش شده، اشاره می‌کنیم. بدون شک سهم دولت آمریکا در مسلح کردن رژیم صدام بیش از این بوده است: در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ دونالد رامسفلد، نماینده ویژه ریگان در بغداد، طی دیدار با صدام حسین به وی اطمینان داد آمریکا سیاست دوستی با عراق را در پیش گرفته و از هر نوع حمایت از آن کشور به‌خصوص در زمینه تأمین تجهیزات نظامی دریغ نخواهد کرد. (۳۹)

در می ۱۹۸۶ اداره صدور جواز صادرات آمریکا اجازه داد تا هفتاد بسته از مواد بیولوژیک نظامی (میکروبی) به عراق صادر شود. تا سال ۱۹۸۹ مجموعاً ۲۱ محموله از گازهای مرگ‌آور که مهم‌ترین آنها میکروب سیاه‌زخم بود، به رژیم صدام تحویل داده شد. همچنین در آوریل و سپتامبر ۱۹۸۸ آمریکایی‌ها مقدار زیادی گازهای کشنده و میکروبی مانند گاز خردل و میکروب سیاه‌زخم را به عراق صادر کردند. در همین زمان «ریچارد مورفی» معاون وزارت خارجه آمریکا اظهار داشت: رابطه آمریکا و عراق بسیار مهم است و در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی استمرار

خواهد داشت. در دسامبر ۱۹۸۸ دولت آمریکا، مواد حشره‌کش زیادی که می‌توانست برای ساخت سلاح شیمیایی به کار گرفته شود به ارزش ۱/۵ میلیون دلار به عراق فروخت.

در ژوئیه ۱۹۹۹ هنگامی که کویت به کمک آمریکا و متحدانش از چنگال ارتش صدام آزاد گردید، روزنامه فاینشال تایمز چاپ لندن فاش کرد که شرکت فلوریدا کمیکال در مدت ۸ سال جنگ عراق علیه ایران، گاز سیانور به عراق فروخته است.

در اوت ۲۰۰۲، کلنل والتر لانگ، افسر پیشین اطلاعات ارتش آمریکا، در مصاحبه با نیویورک تایمز اظهار داشت: گازهای سمی که ما به عراق دادیم برای از بین بردن ناامیدی سربازان ارتش صدام و دادن اطمینان به آنها برای پیروزی در مقابل ایران بود.

منابع و ماخذ

- غلامرضا ثاني نژاد، ریشه‌یابی تهاجم عراق به ایران
محمود یزدان‌فام، «عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق»،
محمد درودیان، سیري در جنگ ایران و عراق (آغاز تا پایان)، تهران:
مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، صص ۴-۲۳.
علي اکبر ولایتي، تاريخ سياسي جنگ تحميلي عراق عليه ايران،
تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲.
خبرگزارى جمهورى اسلامى، ۲۸/۵/۸۱.
حسين يکتا، «مواضع قدرت‌هاي بزرگ و جنگ ايران و عراق»،
مجموعه مقالات جنگ تحميلي، تهران: دانشکده فرماندهي و ستاد
العالم، ۶۳/۴/۲۳ شماره سند ۱۷۳۷.
روزنامه اطلاعات، ۷۶/۸/۵. ص ۱۲.
Bob Woodward, Veil: The Secret wars of the CIA, 1981-
آمریکا و جنگ ایران و عراق به روایت مطبوعات خارجي: اتخاذ
سياست‌هاي خصمانه عليه ايران، بي‌نا، بي‌تا، ص ۱۱۰.

مرگ بر همه جنایتهای آمریکا



لحاح هشتاد به یک - ناصر کاوه

مروری بر گوشه ای از جنایت‌های آمریکا

برخی از مهم‌ترین جنایت‌های آمریکا در طول حیات سیاسی این کشور به شرح زیر است:

۱. کشتار و نسل‌کشی ۱۰۰ میلیون سرخ پوست آمریکایی

کشتار سرخ‌پوستان جنایت پر دامنه و طولانی مدتی بود که به دنبال کشف قاره آمریکا توسط دریانوردان اسپانیایی در قرن شانزدهم آغاز شد. این کشتارها عمدتاً توسط کشورهای استعمارگر اروپایی خصوصاً اسپانیا، پرتغال، فرانسه و انگلستان به منظور سلطه بر مناطق مختلف قاره آمریکا و با هدف دستیابی اموال و املاک سرخ‌پوستان صورت می‌گرفت. بعدها و به خصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم، آمریکاییان با کوچ دادن اجباری و جنگ‌هایی که به دنبال آن صورت می‌گرفت نقش پررنگی در کشتار سرخ‌پوستان آمریکای شمالی ایفا کردند.

جنگ‌های آمریکا با اولین حمله به سرخ‌پوستان در شهر جیمزتاون در سال ۱۶۶۲ میلادی آغاز شد که به دنبال آن جنگ با سرخ‌پوستان آلگوکین طی سال‌های ۱۶۳۵ و ۱۶۳۶ و جنگ سال‌های ۱۶۷۵ و ۱۶۷۶ که

منجر به ویرانی نیمی از شهرهای ماساچوست شد را در پی داشت. دیگر جنگ‌ها و حملات آمریکا به سرخپوستان تا سال ۱۹۰۰ ادامه داشت. در مجموع آمریکایی‌ها حدود ۱۰۰ میلیون سرخ پوست را به قتل رساندند.

۲. جنایت جنگی آمریکا در "درسدن"

با توجه به اینکه متفقین در جنگ جهانی دوم پیروز شده بودند، هیچ کدام از جنایات جنگی ایالات متحده در جنگ جهانی توسط دادگاهی بررسی نشد. اما این به معنای آن نبود که این جنایت‌ها در تاریخ جهان ثبت نشود.

نیروهای آمریکایی در آلمان به طور مستقیم یا غیر مستقیم باعث شدند غذای کافی به اسرای جنگی آلمانی و همچنین غیر نظامیان حاضر در منطقه تحت تسلط خود نرسد که این باعث کشته شدن هزاران آلمانی بر اثر گرسنگی شد.



اکراین Ukraine



اوکراین از شرق با روسیه؛ در شمال با بلاروس؛ از غرب با لهستان، اسلواکی و مجارستان؛ از جنوب شرقی با رومانی و مولداوی هم مرز است و در جنوب آن دریای سیاه و دریای آزوف قرار دارد.

به دنبال نتیجه موفقیت آمیز انقلاب "گل سرخ" در گرجستان، واشنگتن به فکر به راه انداختن چنین انقلابی در اوکراین افتاد چراکه برای تنگ کردن حلقه محاصره ی روسیه و فشار بر پوتین، به اوکراین نیاز داشت. در انتخابات ریاست جمهوری اواخر سال ۲۰۰۴، "ویکتور یوشچنکو" کاندیدای مورد حمایت آمریکا در دور دوم انتخابات در برابر "ویکتور یانوکوویچ" کاندیدای تحت حمایت روسیه شکست خورد.

به دنبال این شکست، حامیان یوشچنکو اعلام کردند که یانوکوویچ در انتخابات تقلب کرده است و بدین ترتیب بود که یوشچنکو جنبش اعتراضی را علیه نتایج انتخابات با حضور شمار زیادی از جوانان و با حمایت رسانه های آمریکایی رهبری کرد.

یوشچنکو که به آمریکا تمایل داشت از حمایت واشنگتن نیز به طور غیرمستقیم برخوردار بود. این در حالی است که بعدها مشخص شد انقلاب نارنجی در اوکراین به سبک انقلاب گل سرخ در گرجستان و با بودجه و حمایت سازمانهای دولتی و غیردولتی آمریکایی همچون "مؤسسه بین المللی جمهوری خواهان" انجام گرفته بود و آمریکا در حقیقت قصد داشت تا با استفاده از ابزارهای مالی و رسانه ای خود، در انتخابات داخلی اکراین که هیچ کشوری حق دخالت در آن را ندارد مداخله کرده و خواست خود را بر مردم این کشور تحمیل کند.

– واعظی، محمود، "جامعه‌شناسی تغییر در جمهوری‌های شوروی سابق"

فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۹، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، (۱۳۸۴)

کتاب هشدار به یک – ناصر کاوه

منبع:

نیروهای آمریکایی تمام آلمانی‌های عضو وافن اس‌اس را که در داخل
در سال ۱۹۴۵ به اسارت گرفته بودند تیرباران کردند. نیروهای لشکر ۴۵
پیاده نیروی زمینی ارتش آمریکا همچنین ۷۵ اسیر جنگی ایتالیایی را
در منطقه بیسکاری قتل عام کردند.

در بمباران درسدن در جنگ جهانی دوم بمب‌افکن‌های نیروی هوایی
ارتش آمریکا و متحدانش ۳۹۰۰ تن بمب انفجاری قوی و بمب‌های
آتش‌زا را طی ۴ یورش، در کمتر از ۱۵ ساعت بر روی درسدن ریختند و
۳۴ کیلومتر مربع از شهر را کاملاً ویران کردند. در آتش‌سوزی بزرگی که
در نتیجه بمباران رخ داد بقایای شهر نیز نابود شد.

به ادعای ارتش آمریکا درسدن یک مرکز مهم نظامی بود که ۱۱۰ کارخانه
و ۵۰۰۰۰ شاغل در آن در حمایت از دولت نازی مشغول به فعالیت
بودند. این در حالی بود که صرفاً زیرساخت‌های مخابراتی، پل‌ها و
مناطق وسیع صنعتی خارج از شهر بمباران شدند و حملات بمباران

مناطق، بدون هیچ فرقی بین نظامی بودن یا نبودن آنها و بی هیچ تناسبی با اهداف نظامی بود.

در تعداد کشته شدگان حاصل از این بمباران اختلاف نظر است و تعداد کشته‌ها از ۳۴۰۰۰ نفر تا تعداد بسیار بالایی ذکر شده است که اکثر قریب به اتفاق غیر نظامی بودند.

بنابر گفته "ارهارد موندرا"، عضو کمیته باتزن (مؤسسه زندانیان سیاسی سابق در جمهوری دموکرتیک آلمان)، در روزنامه "دی‌ولت": «براساس اظهارات سرهنگ دوم دی ماتس افسر سابق ستاد مشترک ارتش آلمان در منطقه نظامی درسدن، ۳۵۰۰۰ نفر از قربانیان کاملاً شناسایی شدند، هویت ۵۰۰۰۰ نفر تا حدودی آشکار شد، اما در حدود ۱۶۸۰۰۰ نفر به هیچ وجه قابل شناسایی نبودند.»

هیرشیما و ناگازاکی

ژاپن
Japan



ژاپن کشوری است آسیایی در شرقی‌ترین بخش خاور دور. رشته جزیره‌های ژاپن شامل ۶۸۵۲ جزیره است. چهار جزیره اصلی ژاپن عبارتند از هونشو، هوکایدو، کیوشو و شیکوکو. پایتخت این کشور شهر توکیو می‌باشد.

جنگ جهانی دوم در جریان بود و آمریکایی‌ها از ترس اینکه نازیها به بمب اتمی دسترسی پیدا کنند، پروژه‌ی هسته‌ای خود را به رهبری "انریکو فرمی" سرعت بخشیدند و "ترومن" رئیس جمهور آمریکا تصمیم گرفت تا آن را بر علیه ژاپن استفاده کند..

بمب اتمی بر روی هیروشیما انداخته شد و برای تاثیر تخریبی بیشتر بمب به نحوی تنظیم شده بود که ۵۷۱ متر بالای سطح زمین منفجر شود گرمای عظیم حاصل از انفجار هر چیزی را تا شعاع یک و نیم کیلومتری مرکز اصابت بمب بطور کلی ذوب نمود. در این حمله صد و پنجاه هزار نفر کشته شدند و دهها هزار نفر دیگر به شدت زخمی و مجروح شدند و تمام خانه‌های چوبی و سنگی واقع در داخل مدار یک کیلومتری مرکز انفجار کاملاً سوختند. دو روز پس از بمباران هیروشیما آمریکا تصمیم گرفت تا جنگ را بدون دخالت شوروی پایان ببخشد و بر این اساس قرار شد تا بمب اتمی دیگری بر روی شهر "کوکورا" که صنایع نظامی ژاپن در آنجا بود منفجر کند. اما در موقع اجرای انجام عملیات به علت نامساعد بودن شرایط آب و هوایی و حضور نیروی هوایی ژاپن، خلبان نتوانست مأموریت خود را انجام دهد و فرمانده عملیات تصمیم گرفت که بمب را بر روی شهر ناگازاکی بیاندازد. در این جنایت نیز هفتاد و پنج هزار نفر از مردم این شهر کشته شدند.

http://en.wikipedia.org/wiki/Atomic_bombings_of_Hiroshima_and_Nagasaki -

منبع: - ال. دلیو. مک ناخست، سلاح‌های هسته‌ای و اثرات آن، ترجمه رامین شیخ الاسلامی، تهران: چاپخانه دانشگاه آزاد

<http://www.aarc.ucla.edu/ab/100708230009.html> -

کتاب فساد به یک - ناصر کاوه

۳. فاجعه هیروشیما و ناکازاکی

بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی دو عملیات اتمی بود که در زمان جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، علیه امپراتوری ژاپن انجام شد. در این دو عملیات، دو بمب اتمی به فاصله ۳ روز بر روی شهرهای هیروشیما و ناکازاکی انداخته شد که باعث ویرانی و کشتار گسترده شهروندان این دو شهر شد.

انفجار اتمی در دو شهر هیروشیما و ناکازاکی را شاید بتوان یکی از بزرگ‌ترین جنایت‌های تاریخی آمریکا قلمداد کرد که به مرگ آبی ۲۲۰ هزار تن منجر شد و صدها هزار تن نیز طی سال‌های پس از آن بر اثر تأثیرات آن فاجعه دچار بیماری‌های حاد شدند.

۴. کشتار ۳ میلیون ویتنامی با مشارکت امریکا

جنگ ویتنام نام مجموعه عملیات و درگیری‌های نظامی‌ای است که از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵ بین نیروهای ویتنام شمالی و جبهه ملی آزادیبخش

VIETNAM



ویتنام Vietnam



ویتنام کشوری است در جنوب شرقی آسیا و پایتخت آن هانوی است. ویتنام از شمال با جمهوری خلق چین همسایه بوده و از شرق به خلیج Tonkin و دریای چین جنوبی محدود است. این کشور از غرب با کشور لائوس و در قسمت جنوب غرب با کشور کامبوج مرز مشترک دارد.

مقامات آمریکائی ادعا می کنند تا زمانی که ویتنام شمالی به جنوبی حمله نکرده بود در آن کشور مداخله نکردند اما واقعیت طور دیگری است. در سال ۱۹۵۰ که ویتنام در دو بخش مجزای شمالی به سرکردگی گروههای ضد غربی و جنوبی به رهبری فرانسویان اداره می شد. آمریکائی ها از ترس اینکه مبدا قسمت جنوب نیز دارای افکار ضد غربی بشوند به فرانسوی ها کمک می کرد و امکانات زیادی را فراهم می نمود تا به جنگ علیه شمالی ها ادامه دهند. حتی آمریکا از برگزاری انتخابات سراسری که برای مشخص شدن سرنوشت شمال و جنوب ترتیب داده شده بود جلوگیری کرد. دولت آمریکا برای اینکه بتواند توجیهی برای دخالت گسترده ی نظامی در ویتنام پیدا کند به دستاویزهای واهی و جعلی متوسل می شد. شاید مهمترین دروغی که جعل شد. حمله به دو ناوشکن آمریکائی در خلیج تونکن در اوت ۱۹۶۴ بود که جانسون رئیس جمهور آمریکا از این ادعا برای متقاعد کردن کنگره جهت حمله استفاده کرد. در نهایت در جنگی که تا سال ۱۹۷۵ ادامه یافت. جنایات وحشتناکی علیه ویتنامی ها انجام گرفت و بسیاری از نوامیس آنها مورد تجاوز نظامیان آمریکایی قرار گرفتند و در مجموع بیش از سه میلیون نفر کشته شدند.

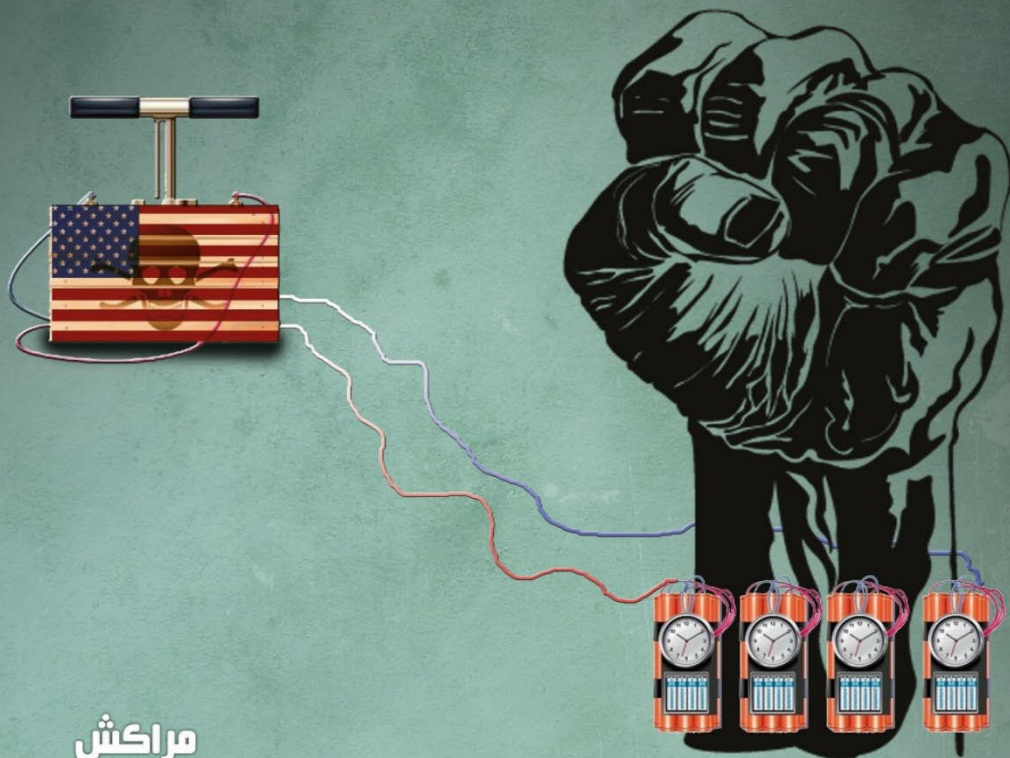
ویتنام جنوبی معروف به "ویت‌کنگ" از یک سو، و نیروهای ویتنام جنوبی و متحدانش به ویژه ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر رخ داد. جنگ آمریکا علیه ویتنام در زمان ریاست جمهوری لیندون جانسون آغاز شد و بر اساس آمار در طی ۱۶ سال جنگ، حدود ۳ میلیون ویتنامی کشته شدند.

"کشتار می‌لای" به مثابه یکی از جنایت‌های جنگی آمریکا، واقعه‌ای در روز ۱۶ مارس ۱۹۶۸ میلادی است که در جریان جنگ ویتنام بود و طی آن ۳۴۷ تا ۵۰۴ شهروند غیرنظامی جمهوری ویتنام جنوبی توسط سربازان واحد گردان سوم تجسسی ارتش آمریکا به قتل رسیدند. اکثر قربانیان غیرنظامیان زن و کودک بودند. قبل از قتل، برخی از قربانیان مورد شکنجه و قطع اندام نیز قرار گرفته بودند. برخی از اجساد نیز در جریان کشتار توسط سربازان قطعه‌قطعه شده بودند. علاوه بر کشتار دهکده‌های می‌لای، جنایت‌هایی در می‌خه و سون می در جریان جنگ ویتنام رخ داد که افراد زیادی در آن کشته شدند.

از جمله مهم‌ترین جنایات آمریکا در جنگ ویتنام، سم پاشی مناطق ویت کنگ‌ها با ماده شیمیایی بود. عنصر نارنجی که توسط هواپیماهای آمریکایی بر این مناطق بارید با ماده دی اکسین، سال‌های سال منجر به بیماری‌هایی چون سرطان و معلولیت ذهنی در این منطقه شده است.

امریکائیان سالانه ۵۰۰ هزار تن بمب به این سرزمین ریختند، جنگل‌ها را با ناپالم سوزاندند و انسان‌ها را زنده زنده بریان کردند.

از سال ۱۹۶۵ کشورهای هم‌مرز ویتنام، کامبوج و لائوس نیز به دلیل کمک سربازان این دو کشور به ویت‌کنگ‌ها هدف حملات هوایی آمریکا قرار گرفتند. تجاوز به زنان، شکنجه دادن آنها و کشتن مردم عادی توسط نیروهای آمریکایی از ۱۹۶۷ به بعد شدت یافت و جنایت بزرگی در تاریخ جهان ثبت کرد.



مراکش Morocco



مراکش کشوری است در شمال غربی آفریقا. مراکش ساحلی طولانی با اقیانوس اطلس دارد که از شمال به جبل الطارق و دریای مدیترانه می‌رسد. کشور مراکش از سوی خاور با کشور الجزایر از غرب با اقیانوس اطلس از جنوب با کشور موریتانی و از شمال با دریای مدیترانه همسایه است.

ملك حسن دوم پادشاه مراکش در دهه ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ رابطه ی بسیار نزدیکی با آمریکا داشت و در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ سربازان مراکشی را برای پشتیبانی از عملیات آمریکا به ژنیر اعزام کرده بود و اجازه داده بود تا "سیا" پایگاه های خود را در مراکش مستقر سازد که یکی از مهمترین پست های کلیدی سیا در قاره ی آفریقا به شمار می رفت. در همین ارتباط نیویورک تایمز در تاریخ ۱ فوریه ۱۹۸۳ نوشت: "مراکش به نزدیک ترین و سودمندترین متحد آمریکا در جهان عرب مبدل شده است". در حقیقت ملك حسن آشکارا سرنوشت حکومت خود را به حکومت ریگان داده بود. در سال ۱۹۸۳ دولت مراکش اعلام کرد که ژنرال "احمد دیلمی" مشاور نزدیک ملك حسن در حادثه ای کشته شده است.

جنبشی که در مراکش برای مبارزه با فساد شاه. در مقابل آمریکا فعالیت می کرد. فاش کرد که "دیلمی با وجودی که از نزدیکان شاه بود اما با ما همراهی می کرد و باهم قصد ساقط کردن رژیم فاسد ملك حسن را داشتیم."

مأموران سیا بعد از اینکه از قصد دیلمی برای ایستادگی در مقابل شاه و منافع آمریکا باخبر شده بودند. دیلمی را شبانه دستگیر کرده و وی را به شدت شکنجه نمودند و در ساعت پنج صبح وی را تیرباران کردند. سپس جنازه ی وی را در اتومبیل گذاشته و به حومه ی شهر بردند و آن را سوزاندند و به هیچ کس حتی خانواده اش هم اجازه داده نشد تا جنازه اش را ببینند.

۵. کشتار مردم کره توسط امریکا در سال ۱۹۵۰

جنگ کره جنگی میان جمهوری کره (کره جنوبی) با پشتیبانی نیروهای سازمان ملل متحد به رهبری ایالات متحده و جمهوری دمکراتیک خلق کره (کره شمالی) با پشتیبانی چین و کمک نظامی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود که در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ با ورود نیروهای تحت فرمان حکومت کمونیستی کیم ایل سونگ به بخش جنوبی آغاز شد.

کشتار غیرنظامیان از جنایت‌های آمریکا در این جنگ بود که حدود ۳۰۰ شهروند کره‌ای توسط نیروهای ارتش آمریکا و بین ۲۶ تا ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۰ در روستای نو گون ری کشته شدند.

این کشتار توسط واحدهای لشکر یک مکانیزه آمریکا و در زیر پل آن روستا انجام شد. این واقعه را دومین واقعه تلخ بعد از کشتار می لای می‌دانند.

پرو Peru



پرو کشوری است در آمریکای جنوبی. پایتخت آن لیما است. این کشور از شمال با اکوادور و کلمبیا از شرق با برزیل از جنوب شرقی با بولیوی از جنوب با شیلی و از غرب با اقیانوس آرام هم مرز است.

حمله ای که کوبائی های مخالف کاسترو به سفارت کوبا در لیما انجام دادند فرصت مناسبی را در اختیار سیا قرار داد تا مدارکی را جعل کند که نشان دهد کوبا برای ترویج و احساسات موافق انقلاب کوبا و پیشبرد هدفهای کمونیستی در پرو برنامه های ویژه ای دارد و سرمایه گذاری های زیادی کرده است تا راحت تر بتواند مداخلات خود را گسترش دهد. یک هفته بعد باز سیا توانست با نفوذ یکی از عوامل خود قانونی را در پرو تصویب کند که به موجب آن بازداشت اعضای احزاب مخالف دولت آسان تر می شد.

بر این اساس، سیا با همکاری مزدوران پروئی توانست شورش چند روستا بر ضد دولت را به طرز وحشیانه ای سرکوب کند و آنها را در عرض دو ماه نابود کند. در این سرکوبها، سیا و مزدورانش به اقدامات وحشیانه ای چون سوزاندن روستاها و کلبه های روستائیان برای تنبیه پشتیبانی از شورشیان، نابود ساختن جنگل ها به منظور محروم کردن شورشیان از داشتن پناهگاه، بمباران های گسترده با مواد منفجره ی قوی و حتی پرتاب کردن اسیران از هلیکوپتر توسل جستند. دولت آمریکا توانست با استفاده از فضای جنگ ویتنام این اتفاقات را بپوشاند و در پی آن اخبار این رویدادها به فراموشی سپرده شد.

۶. جنایت آمریکا در افغانستان

جنگ آمریکا در افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، دوره‌ای از جنگ است که به بهانه آمریکا مبنی بر حمله القاعده به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد.

این جنگ ده‌ها هزار تلفات مستقیم غیرنظامی برجا گذاشت. بیش از ۴۰۰۰ سرباز آیساف و پیمانکاران غیرنظامی، ۱۵۰۰۰ نیروهای امنیت ملی افغانستان و همچنین بیش از ۲۰ هزار غیرنظامی کشته شدند. در حال حاضر آمار دقیقی از تعداد کل کشته شدگان این جنگ در دست نیست، اما طبق مطالعات پروفیسور "مارک هرولد" که در روزنامه گاردین منتشر شد، فقط در سه ماه اول جنگ بیش از ۴۰۰۰ تن کشته شده‌اند. تنها در سال ۲۰۰۹ بمب‌های دست ساز و مین‌های کنارجاده‌ای ۱۰۵۴ نفر قربانی گرفته‌اند. در عین حال، ده‌ها هزار غیرنظامی از زمان آغاز حملات هوایی آمریکا در سال ۲۰۰۱ تا زمان حاضر در افغانستان جان باخته‌اند.

ارتش آمریکا ۷ اکتبر ۲۰۰۱ برای نخستین بار اهدافی را در ولایت‌های کابل، قندهار، ننگرهار، قندوز، جوزجان، لوگر، تخار، نیمروز، فراه و غزنی با جنگنده‌های B-52 و موشک‌های کروز مورد حمله قرار دادند. در سه هفته اول این حملات بیش از هزار نفر در این مناطق کشته شدند.

در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ حداقل ۲۹ غیرنظامی در روستایی در نزدیکی قندهار در حمله يك جنگنده آمریکا کشته شدند. به گزارش روزنامه «گاردین»، کاروانی متشکل از ۱۲ خودروی حامل نمایندگان قبایل ولایت شرقی که به دعوت حکومت موقت کابل به منظور شرکت در مراسمی در حال حرکت به سوی پایتخت بودند توسط هواپیمای AC-130 ارتش آمریکا هدف قرار گرفته و ۶۵ نفر کشته شدند. همچنین سازمان ملل متحد در ۲۱ دسامبر همان سال اعلام کرد که در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۱ جنگنده‌های ارتش آمریکا یک روستا در نزدیکی شهر گردیز مرکز ولایت پکتیا را بمباران کرده‌اند. در این حمله حداقل ۵۲ غیرنظامی افغان از جمله تعدادی زیادی زن و کودک کشته شدند. سخنگوی پنتاگون در آن زمان مدعی شد که انبار مهمات طالبان در روستای مذکور منهدم شده است.

شمار تلفات غیرنظامیان افغان در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ از مرز تعداد قربانیان ۱۱ سپتامبر گذشت.

پروفسور مارک هیرالد تاکید می‌کند که ۳۸۰۰ افغان از ۷ اکتبر الی ۷ دسامبر ۲۰۰۱ توسط امریکا به قتل رسیده‌اند. خبرگزاری آسوشیتدپرس طی گزارشی در ۳ دسامبر ۲۰۰۱، تحت عنوان «بمب ایالات متحده روستای زراعی را با خاک یکسان کرد» از کشته شدن ۱۵۵ تا ۳۰۰ تن از ساکنان روستای کامه ادو در ننگرهار خبر داد. روزنامه دیلی‌گراف نیز به تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ در گزارشی تحت عنوان «غیرنظامیان بهای بمب‌های منحرف شده آمریکا را می‌پردازند» اعلام کرده که ده‌ها تن کشته شده‌اند. خبرگزاری پژواک و رسانه‌های بین‌المللی دیگر نیز در ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶ از کشته شدن حدود ۹۰ غیرنظامی در روستای پنجوایی قندهار خبر دادند. نیروهای آمریکایی با بمباران این روستا فاجعه بزرگی آفریدند، اما هرگز از این قتل‌عام‌ها عذرخواهی نکردند.

براساس گزارش دولت افغانستان در ماه مه ۲۰۰۷ طی دو روز بمباران جنگنده‌های آمریکایی به روستایی در نزدیکی هرات، دست‌کم ۴۲ نفر،

از جمله تعدادی زن و کودک قتل‌عام شدند. در این بمباران ۱۰۰ خانه ویران و حدود ۱۶۰۰ نفر بی‌خانمان شدند. در پی حمله هوایی روز ۲۲ اوت ۲۰۰۸ به روستای عزیزآباد در ولایت هرات، نیز ۹۰ غیرنظامی کشته شدند. مقامات امنیتی افغانستان ۴ مه ۲۰۰۹ اعلام کردند که حملات هوایی ناتو به رهبری آمریکا در منطقه گرانی ولایت فراه باعث کشته شدن ۱۴۵ غیرنظامی از جمله ۹۲ کودک و ۲۲ زن شد. حملات هوایی آمریکا در ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۰ به منطقه سنگین ولایت ننگرهار باعث کشته شدن بیش از ۵۲ زن و کودک بی‌گناه شد. بیش از ۴۰۰ نفر در خیابان‌های کابل به تظاهرات پرداخته و این حمله را محکوم کردند. هیئتی از کابل برای تحقیق به منطقه اعزام شدند.

براساس بررسی‌های هیئت، تمامی کشته شدگان زنان و کودکان بودند. نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در ۳ اکتبر ۲۰۱۵، با جنگنده لاکهید AC-130U بیمارستان قندوز در شمال افغانستان را هدف حمله قرار داد. در این حمله دستکم ۴۲ غیرنظامی کشته و ۳۰ نفر مجروح

شیلی

CHILE



USA

شیلی

Chile



شیلی کشوری است در آمریکای جنوبی که پایتخت آن سانتیاگو است. شیلی در نقشه آمریکای جنوبی به مانند یک نوار بلند و باریک میان کوه‌های رشته کوه آند در شرق و اقیانوس آرام در غرب کشیده شده است.

در انتخابات ریاست جمهوری شیلی در سال ۱۹۷۰، کاندیدای مخالف غرب به نام "آلنده" بیشترین رای را بدست آورد و قانونا از جانب اکثریت مردم شیلی، به عنوان رئیس جمهور این کشور انتخاب گردید.

قبل از انتخابات و اعلان نتیجه ی آراء، هنری کسینجر، مشاور امنیت ملی آمریکا، نامه ای را به ادوارد کوری، سفیر آمریکا در شیلی ارسال کرد و در آن نوشت: "زمانی که آلنده در شیلی به قدرت برسد، ما هر چه در توان داریم برای محکوم کردن شیلی و نیز کشاندن مردم شیلی به نهایت فقر و محرومیت انجام خواهیم داد".

آمریکا این سیاست را دقیقا دنبال نمود و از ارتکاب هیچگونه جنایتی در مورد دولت و مردم شیلی کوتاهی نکرد. ابتدا شروع به تحریم شیلی کرد تا بتواند مخالفت ها و نارضایتی های داخلی را بر علیه این دولت افزایش دهد. در همین راستا کوری گفت: "در زمان آلنده اجازه نخواهد داد حتی یک پیچ و مهره به شیلی صادر شود". سرانجام در سال ۱۹۷۳ میلادی با انجام یک کودتا، آلنده را به قتل رسانده و "پینوسه" از افسران ارتش طرفدار غرب را بر سر کار آوردند.

– بلوم، ویلیام، سرکوب امید، مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: انتشارات اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ۵۲۵-۵۰۱
– میر لوجی، سید هاشم، آمریکا بدون نقاب، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۹، ۳۸-۳۶

منبع:

کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه

شدند. سازمان پزشکان بدون مرز پس از این فاجعه اعلام کرد که بیش‌تر کلیه هشدارها راجع به موقعیت مکانی بیمارستان به نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا داده شده بود و این حمله عمدی صورت گرفته است. این سازمان در ادامه حمله به بیمارستان را نقض حقوق بین‌الملل عنوان کرد و تمامی کارمندان خود را از این شهر خارج کرد.

۷. همدستی با رژیم بعث عراق در هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران جنگ رژیم بعث عراق با ایران، طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ به صورت رسمی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد. در این روز درگیری‌های پراکنده مرزی دو کشور با یورش همزمان نیروی هوایی عراق به ده فرودگاه نظامی و غیرنظامی ایران و تهاجم نیروی زمینی این کشور در تمام مرزها به یک جنگ تمام عیار تبدیل شد. در طی این جنگ نابرابر که همه قدرت‌های جهانی بخصوص آمریکا از صدام

حمایت می کردند، ۱۶ هزار نفر در جریان بمباران مناطق مسکونی به شهادت رسیدند و بقیه در جبهه‌های نبرد شهید شدند. شهدای بسیجی ۸۵ هزار و ارتشی ۴۸ هزار نفر بودند. بیش از ۳۳ هزار دانش‌آموز و بیش از ۳۵۰۰ دانشجو هم طی این هشت سال به شهادت رسیدند. روحانیت نیز ۳۳۱۷ شهید داشتند. در این دوران شهادت ساله نیز ۸۸ مسیحی، ۱۸ کلیمی و ۹ زرتشتی در دفاع از خاک میهن شهید شدند و ۲ هزار تبعه غیرایرانی نیز با حضور در جبهه‌ها به شهادت رسیدند.

در پشت صحنه این جنایت‌های جنگی وحشیانه، آمریکا قرار داشت که تلاش داشت از اهرم‌های منطقه‌ای برای مهار ایران و قدرت روزافزون انقلاب اسلامی جلوگیری کند. تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران، عراق را بیش از گذشته با انگیزه‌تر کرد. ماهواره‌های آمریکا تصاویر نبرد و اطلاعات استراتژیک نظامی را ساعت به ساعت به ایستگاه‌های آمریکا منعکس می‌کردند و ایستگاه‌های ردیابی، کلیه مکالمات نیروهای مسلح ایران را ثبت کرده و در اختیار ارتش صدام حسین می‌گذاشتند.

تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد یک نیروی نظامی امنیتی در خلیج فارس با نظارت و رهبری آمریکا، در واقع حضور نظامی آمریکا در منطقه را مشروعیت بخشید تا در صورت تضعیف عراق و برتری ایران، آمریکا مستقیماً کفه ترازو را به نفع عراق سنگین‌تر کند.

رژیم بعث عراق همچنین جنگ از راه دور (جنگ نفتکش‌ها، جنگ شهرها و حملات موشکی بر علیه مراکز اقتصادی) را در رؤس اهداف نظامی خود قرار داد و آمریکا در راس کشورهای بود که امکانات نظامی وسیعی را در این زمینه در اختیار دولت بعثی عراق قرار دادند.

۸. جنایت آمریکا در عراق

جنگ عراق یک عملیات نظامی است که در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ با حمله یک ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده به عراق آغاز شد. این جنگ با خروج آخرین تیپ رزمی آمریکایی در ۱۹ اوت ۲۰۱۰ به‌طور رسمی خاتمه یافت. هر چند بعد از آن هم حدود ۵۰ هزار نیروی آمریکایی عمدتاً به بهانه آموزش سربازان عراقی در این کشور باقی ماندند.



Iraq

عراق



پایتخت عراق شهر بغداد است. این کشور از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از باختر با اردن، سوریه و از خاور با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. عراق در جنوب مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد

دخالت نظامی آمریکا در عراق به طور عمده در دو دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۹۸ و ۱۹۹۸-۲۰۰۴ به وقوع پیوسته است. یک روز بعد از حملات ۱۱ سپتامبر آمریکا با مرتبط دانستن القاعده با عراق- که آن را حامی تروریسم و تولید کننده تسلیحات کشتار جمعی می دانست- به پیشنهاد بوش برنامه ریزی برای یک جنگ عمومی علیه تروریسم را آغاز نمود و در این میان با توزیع مخفیانه تجهیزات نظامی و مسلح نمودن نیروهای شورشی کرد در عراق و پخش برنامه های ماهواره ای و جزواتی در میان شورشیان و همچنین با وجود موافقت رژیم صدام با بازرسی های تسلیحاتی با رد این موافقت، در ۱۶ مارس ۲۰۰۳ با ادعای اینکه شورای امنیت به وظایف خود در صدور مجوز حمله نظامی به عراق عمل نکرده است اقدام به عملیات نظامی نمود.

در این عملیات بیش از صد ها هزار نفر عراقی شامل زن ها و کودکان زیادی در عراق و به خاک و خون کشیده شدند و جنایات متعددی به بهانه های واهی علیه ملت مظلوم عراق انجام گرفت. زندان ابو غریب یک نمونه ی بارز از خوی جنایت گر استبداد در عراق بود. و جالب اینجاست که مطابق گزارش بازرسان تسلیحاتی، عراق در مارس ۲۰۰۳ سلاح کشتار جمعی در اختیار نداشته است.

دو توجیه عمده برای آغاز این جنگ توسط جرج بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا مطرح شد که یکی از آن‌ها رابطه صدام حسین با القاعده و دیگری نابود کردن سلاح‌های کشتار جمعی عراق بنابر توافق‌نامه ۱۹۹۱ بود. تجاوز به زنان و کودکان، بهره‌گیری از سلاح شیمیایی، کشتار جوانان و مخالفان حمله نظامی آمریکا، تخریب نهادهای آموزشی و بهداشتی، غارت اموال مردم، کشتار بی دلیل بی‌گناهان، آزار و اذیت کودکان، کشتار دسته جمعی اهالی روستاهای عراق، زنده به گور کردن مخالفان، به آتش کشیدن روستاهای مخالف حضور نظامی آمریکا در عراق و... برخی از جنایت‌های آمریکا در کشور عراق است. شمار نظامیان آمریکایی که در جنگ آمریکا در عراق کشته شدند به ۴ هزار و ۷۹۵ نفر رسید و هزینه جنگ در عراق ۷۸۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

براساس این جنگ افروزی آمریکا، در عراق تا سال ۲۰۰۷ سوءتغذیه کودکان به ۲۸٪ رسید و گزارش‌ها حاکی از آن بود که حدود ۶۰ تا ۷۰٪ از کودکان عراقی دچار مشکلات روانی شده‌اند. بیشتر عراقی‌ها به آب آشامیدنی سالم دسترسی نداشتند. به نظر می‌رسید شیوع وبا در شمال

عراق به سبب کیفیت پایین آب بوده باشد. بیش از نیمی از پزشکان عراقی بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ این کشور را ترک کردند. گفته می‌شود که کاربرد اورانیوم ضعیف‌شده و فسفر سفید در سلاح‌های آمریکایی باعث نارسایی‌های نوزادان و سرطان گسترده در فلوجه شده است. بنابر آمارهای کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان، ۴/۴ میلیون عراقی تا پایان ۲۰۱۵ آواره شده‌اند. در طول جنگ جمعیت مسیحیان عراقی به شدت کاهش پیدا کرد به طوری که از ۱/۵ میلیون نفر در ۲۰۰۳ به ۵۰۰۰۰۰ نفر در ۲۰۱۵ رسید. طبق آمار ویکی‌لیکس پیرامون گزارش‌های روزانه طبقه‌بندی‌شده جنگ عراق، از ژانویه ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۹ نیز ۶۶۰۸۱ غیرنظامی کشته شدند. این در حالی است که براساس پژوهش مؤسسه نظرسنجی ORB که در تاریخ اوت ۲۰۰۷ منتشر شده است، ۱۰۳۳۰۰۰ مرگ خشونت‌بار ناشی از جنگ در کشور عراق اتفاق افتاده است. منبع: پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی



غنا Ghana



کشور غنا در باختر قاره آفریقا، در کنار اقیانوس اطلس و در همسایگی کشورهای ساحل عاج در غرب، ولتای علیا در شمال و توگو در شرق واقع شده است. کشوری نیمه کوهستانی است که نواحی مرتفع آن عمدتاً در نواحی مرکزی و خاوری قرار دارند.

در اکتبر ۱۹۶۵ "قوام نکرومه" رئیس جمهور غنا، کتاب خود را با عنوان "استعمار نو آخرین مرحله ی امپریالیسم" منتشر ساخت. وی که ایجاد سازمانی ضد امپریالیستی از کلیه ی کشورهای آفریقائی و جنبش بین المللی ملتهای غیر متعهد را در سر می پرواند، در این کتاب سیا را متهم کرد که در پس بسیاری از ناکامی ها و بحران های جهان سوم و اروپای شرقی بوده است. چهار ماه بعد وی با کودتائی سرنگون شد.

وقتی که کودتا تمام شد روزنامه های شوروی سیا را متهم کردند که در این کار دخیل بوده است و حتی دیلی تلگراف، روزنامه ی محافظه کار لندن هم در سال ۱۹۷۲ گزارش داد که "در سال ۱۹۶۵، سیا در پایتخت غنا به مزدوران خود پول داده است تا علیه نکرومه کودتا انجام دهند".

در سال ۱۹۷۸، جان استاک ویل افسر سابق سیا که بیشتر دوران خدمت خود را در آفریقا گذرانده بود کتابی را منتشر ساخت و همدستی سازمان سیا را در این ماجرا فاش کرد. وی در این کتاب گفت: "بودجه ی هنگفتی از طرف سیا به مزدوران در داخل غنا داده شد و سیا با آنها توانست رابطه ی بسیار خوبی را برقرار کند. حتی این رابطه آنقدر نزدیک شده بود که پس از انجام کودتا این مزدوران نظامی بخشی از تجهیزات سری شوروی را که در حکومت قبلی در اختیار این کشور قرار گرفته بود در اختیار آمریکا قرار دادند".

گزارش تصویری از جنایات امریکا در یک صد سال اخیر

(امام خامنه ای): "فهرست جنایات آمریکا بر علیه ملت ایران یک کتاب می شود" قرآن معتقد به جنگ دائم بین حق و باطل در جهان می باشد می گوید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» با اینها بجنگید تا دیگر فتنه ای نباشد و دین یکسره از آن خدا گردد. (انفال/ ۳۹) مقام معظم رهبری: «کسانی که در راه حق تلاش می کنند خدای متعال هم به اینها کمک می کند هم هدایتشان می کند هم آنها را دستگیری می کند و هم ضامن شده است که آنها را به هدف برساند.»

ایران با انقلاب اسلامی تفکر و نگرش جدیدی را بر خلاف نگرش های حاکم در نظام دو قطبی جهان به ملل دنیا عرضه کرد و به نوعی در دوران جنگ سرد، اندیشه های سوسیالیستی و لیبرالیستی را به چالش طلبید. با انقلاب اسلامی سیاست موازنه منفی و سیاست نه شرقی و نه غربی در دستور کار دیپلماسی ایران قرار گرفت و بر این اساس روابط خود را با ملل جهان سر و سامان داد. وقوع انقلاب اسلامی ایران ابتدا راهبردهای منطقه ای دو ابر قدرت را دستخوش تغییر کرد و سپس باعث تغییراتی در راهبردهای جهانی آنها شد. این انقلاب در کشوری که بر اساس سیاست دوستونی نیکسون ژاندارم آمریکا در منطقه خوانده

می شد، اتفاق افتاده بود و این امر بلافاصله یک خلاء آشکار قدرت در منطقه پدید آورده بود. ۱۷ هزار شهید ترور از جمله شهیدان هسته ای، شهید فخری زاده و سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی با همکاری موساد، تنها نمونه‌ای از جنایت‌های عوامل کوردل استکبار جهانی علیه ملت ایران است.

در ذکر سیاهه جنایات آمریکا علاوه بر کودتای نوژه، حمله به ایران در واقعه طبس و حمله به سکوی نفتی ایران در خلیج فارس، چراغ سبز به صدام برای حمله به ایران و پشتیبانی همه جانبه از آن رژیم در طول جنگ و بمباران شیمیایی سردشت، ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران و تقدیر از فرمانده ناو وینسنس می‌توان به اعلام حمایت رسمی از اغتشاشات در سال‌های مختلف خصوصاً فتنه سال ۱۳۸۸، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم علیه ملت ایران و تحریم‌های ظالمانه در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی اشاره کرد

و امروز چهره پلید آمریکای جهان خوار از پشت نقاب دفاع از حقوق بشر نمایان شده و ملت‌های آزاده جهان بیش از گذشته حقیقت وجود شیطانی شیطان بزرگ را شناخته اند.

AMERICAN
TERRORISM



گواتمالا

Guatemala



جمهوری گواتمالا کشوری در آمریکای مرکزی و پرجمعیت‌ترین کشور در این ناحیه است. گواتمالا از شمال و غرب با مکزیک، در شرق با بلیز و از جنوب با کشورهای السالوادور و هندوراس همسایه است.

مداخله آمریکا در گواتمالا در پاسخ به سیاست‌های رئیس‌جمهور "جاکوب آربنز" که بعد از رسیدن به قدرت در ژانویه ۱۹۵۰ همکاری‌های نزدیکی را با شوروی آغاز نمود شروع شد.

با اعلام وزارت خارجه آمریکا مبنی بر حرکت یک کشتی سوئدی حامل ۲۰۰ تن توپ سبک و سلاح‌های کوچک به سوی گواتمالا زمینه مساعدی برای استناد به تهدیدی نظامی علیه همسایگان این کشور فراهم گردید و ایالات متحده با این استدلال که این کشور بسیار بیشتر از نیاز خود تسلیحات وارد می‌کند در صدد بود تا به تفتیش کشتی‌های غیر خودی در دریای آزاد مشروعیت بخشد.

با اوج گرفتن عملیات نظامی نیروهای مخالف به همراه پخش برنامه‌های رادیویی از ایستگاه‌های مخفی در سراسر این کشور، آربنز مجبور به استعفا شد و در ۷ جولای ۱۹۵۴ سرهنگ کارلوس کاستیلو غرب‌گرا به عنوان رئیس‌جمهور وقت معرفی شد و ایالات متحده در طی بیانیه‌ای اوضاع حاکم بر این کشور را در راستای علایق و خواسته‌ی مردم آن دانست.

آمریکا در طول تاریخ به همراه اجداد اروپایی خود به قتل عام‌های زیادی دست زده و به نسل‌کشی مردم بومی اقدام کرده‌است. بر پایه کنوانسیون ژنو، نسل‌کشی به رفتاری گفته می‌شود که در جریان آن نابودی جزئی یا کلی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی هدف قرار گیرد. این تعریفی که کنوانسیون ژنو از نسل‌کشی ارائه داده، بعد از اشغال آمریکا در سال ۱۴۹۲، استعمارگران اروپایی برای ریشه‌کن کردن نسل مردم این قاره دست به کار شدند.

نسل‌کشی بومیان آمریکا

جمعیت ۱۳ مستعمره آمریکا بین سال‌های ۱۶۲۵ تا ۱۷۷۵ از ۲ هزار نفر به ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر افزایش یافت در حالی که بومیان منطقه شمال شرقی آمریکا آواره و بی‌خانمان شدند. پس از استقلال از بریتانیا و تشکیل رسمی ایالات متحده در سال ۱۷۷۶ میلادی، سیل مهاجرت به سمت غرب روانه شد و مهاجران با قبایل بومی از قبیل آپاچی، چروکی، شاین، شینوک، ناواهو و سیوکس درگیر و نسل آنها را منقرض کردند.

«دیوید ای. استنارد» در کتاب خود با عنوان «هولوکاست آمریکایی:

تسخیر دنیای جدید» معتقد است که حدود ۱۰۰ میلیون نفر از بومیان نیمکره غربی زمین به دست اروپایی‌ها و فرزندان آنها طی پنج قرن کشته شدند.

برده‌داری و نسل‌کشی آفریقایی‌ها

باوجود حقوق مسلمی همچون حق زندگی، آزادی و خوشبختی اما مستعمرات آمریکا بر پایه اعلامیه استقلال این کشور ارزیابی نمی‌شوند. مستعمرات یک سیستم برده‌داری داشتند که مهاجران اروپایی آن را از به قاره آمریکا آوردند.

تخمین زده می‌شود که بین قرون ۱۶ تا ۱۹ میلادی حدود ۳۵ میلیون مرد، زن و کودک از آفریقا به دنیای جدید آوردند. بر پایه داده‌های پایگاه تجارت برده ترانس - آتلانتیک، حدود ۱۲.۵ میلیون نفر از کسانی که به آمریکای شمالی آورده شدند، به عنوان نیروی کار آزاد در مزرعه، تحت شرایط طاقت‌فرسایی کار می‌کردند و حتی امروز نیز نظام سرکوب سیستماتیک آمریکا علیه آنها در زمینه‌های قوانین، بهداشت و آموزش ادامه دارد.



نیکاراگوا Nicaragua



کشوری است در آمریکای مرکزی. پایتخت آن ماناگوا است. نیکاراگوا از نظر مساحت بزرگترین کشور آمریکای مرکزی است. نیکاراگوا از شمال با هندوراس و از جنوب با کاستاریکا همسایه است. در ساحل شرقی آن دریای کارائیب و در ساحل غربی آن اقیانوس آرام قرار دارد.

آمریکا تاکنون سه بار بطور مستقیم در سالهای ۱۰-۱۹۰۹، ۲۵-۱۹۱۲، و ۲۳-۱۹۲۶ در نیکاراگوئه عملیات نظامی مستقیم انجام داده و در بین سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۳ نیز اقدام به مداخله ی نظامی غیر مستقیم در آن کشور کرده است. در دهه ۱۹۸۰ تنش بین دولت چپ گرای "ساندینیست" و آمریکا بالا گرفت. وقتی که کنگره ی آمریکا به وعده ی خود در فراهم آوردن کمک اقتصادی به این کشور عمل نکرد، دولت نیکاراگوئه برای دریافت کمک و ملزومات مورد نیاز خود به کشورهای دیگری چون کوبا روی آورد و شروع به تبلیغات ضد آمریکائی در منطقه ی آمریکای لاتین نمود. بعد از روی کار آمدن ریگان در آمریکا در سال ۱۹۸۱، وی تصمیم گرفت تا حکومت "ساندینیست" را ساقط کند. او در این راستا فشارهای اقتصادی و سیاسی سختی را برای تضعیف نیکاراگوئه بر این کشور وارد آورد. وی به "سیا" دستور داد تا يك سپاه ضد انقلاب به نام "کنتراس" را آماده کند. این سپاه با کمک آمریکا ۱۵۰۰۰ سرباز را بسیج کرد تا با استفاده از پایگاههایی در کشور هندوراس، دولت نیکاراگوئه را پایین بیاورند. اما این افراد نتوانستند دولت "ساندینیست" را از قدرت کنار بگذارند و جنگی میان آنها در گرفت. در نهایت با وساطت کشورهای خارجی، انتخاباتی در سال ۱۹۸۹ در نیکاراگوئه برگزار شد و با کمک آمریکا در آن انتخابات ائتلاف ضد "ساندینیست" پیروز شدند.

<http://www.answers.com/topic/u-s-military-involvement-in-nicaragua#ixzz1biOHnMUV>

http://en.wikipedia.org/wiki/United_States_occupation_of_Nicaragua

منبع: - بلوم، ویلیام، سرگوب ادو، چه بود انقلاب ساندینیستی؟، تهران: انتشارات انقلاب، ۳۸۸ ص ۷۶-۷۷

کتاب هشدار به يك _ ناصر کاوه

منبع:

جنگ‌های اولیه آمریکا

سیاه پوستان یک سده قبل از اینکه حقوق و آزادی‌های مدنی خود را به دست آورند، ناچار بودند که برای سفیدپوستان در ارتش آمریکا بجنگند. در جنگی که سال ۱۸۶۱ به وقوع پیوست و تا ۱۸۶۵ ادامه داشت، ۷۵۰ هزار سرباز و شمار نامعلومی غیرنظامی کشته شدند. ایالات متحده تا اواخر قرن ۱۹ در پی استعمار آسیای جنوب شرقی بود که حدود ۲۰ هزار مبارز فیلیپینی و بیش از ۲۰۰ هزار غیرنظامی این کشور بین سال‌های ۱۸۹۹-۱۹۰۲ طی جنگ فیلیپین و آمریکا به خاطر جنگ، قحطی و بیماری جان باختند. در جبهه داخلی در اوایل قرن بیستم، قتل عام نژادپرستانه «تولسا» انجام گرفت؛ در جریان این رخداد و حمله‌ای که از سوی ساکنان سفیدپوست به سیاه پوستان در سال ۱۹۲۱ به وقوع پیوست، بیش از ۱۰ هزار سیاه پوست بی‌خانمان، ۳۰۰ نفر از آنها کشته و ۸۰۰ نفرشان نیز زخمی شدند.

بمب اتم آمریکا بر سر مردم بیگناه ژاپن

ایالات متحده و کشورهای بریتانیا، فرانسه به عنوان متحدان واشنگتن و نیز اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم در مقابل آلمان نازی

به پیروزی دست یافتند اما پایان جنگ با بمباران اتمی امپراتوری ژاپن در اقیانوس آرام از سوی آمریکا همراه بود. آمریکا ۲ بمب هسته‌ای در سال ۱۹۴۵ بر سر ژاپن فرود آورد که در هیروشیما حدود ۱۴۰ هزار نفر و در ناکازاکی نیز ۷۴ هزار نفر کشته شدند.

همچنین طی جنگ جهانی دوم و در جریان نبرد «اوکیناوا» بین ژاپن و آمریکا، تلفات ژاپنی‌ها به ۱۱۰ هزار نفر رسید که بزرگترین و خونین‌ترین نبرد طی جنگ جهانی دوم به شمار می‌رفت.

جنگ ویتنام، کامبوج و لائوس

جنگ ویتنام مرگبارترین جنگ در تاریخ آمریکا است که واشنگتن با راه اندازی این جنگ در صدد ممانعت از گسترش کمونیسم در جنوب شرقی آسیا برآمد. در جریان این جنگ که دو دهه به طول انجامید، ۲ میلیون غیرنظامی ویتنامی کشته شدند و ۱.۸ میلیون نفر دیگر نیز در جریان جنگ جان باختند. بر پایه گزارش دولت ویتنام، ۴۰۰ هزار نفر از مردم این کشور بر اثر حمله شیمیایی آمریکایی‌ها کشته شدند و ۵۰۰ هزار نوزاد نیز ناقص از مادران خود به دنیا آمده‌اند. با فرسایشی شدن جنگ ویتنام، این درگیری به جنگ‌های داخلی در کامبوج و لائوس

انجامید. در حالیکه جنگ داخلی کامبوج باعث کشته شدن ۳۰۰ هزار نفر شد، جنگ داخلی لائوس بیش از ۶۰ هزار کشته برجای گذاشت. به این ترتیب تعداد این قتل عام به ۴.۲ میلیون نفر رسید.

عراق و افغانستان در اشغال آمریکا

بعد از آسیا، خاورمیانه هدف ماجراجویی آمریکا قرار گرفت و از دهه ۱۹۹۰ با جنگ خلیج فارس، آمریکا بر این منطقه تمرکز کرد. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، حضور آمریکا در منطقه تشدید شد و چشم‌انداز خاورمیانه را تغییر داد. در نتیجه جنگ خلیج فارس حدود ۵ هزار غیر نظامی کشته شدند و در جریان جنگ‌های بعدی، تلفات رشدی تصاعدی داشت. پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ تخمین زده می‌شود که با وقوع آشوب و جنگ داخلی، بیش از یک میلیون نفر به کام مرگ کشیده شدند. در جریان حمله آمریکا به افغانستان از سال ۲۰۰۱ تا کنون حدود ۲۴۰ هزار نفر در مناطق جنگی افغانستان و پاکستان کشته شده‌اند. بر پایه گزارش دانشگاه «براون»، بیش از ۷۱ هزار غیرنظامی افغانی و پاکستانی تا آوریل ۲۰۲۱ به خاطر جنگ، جان خود را از دست داده‌اند.



دانشمندان تفتیش عقاید

کتاب هشتم به نام لیونل استیونز آکامو کتابی دیوید بوهم ۱۹۵۱





کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



پی خانمان

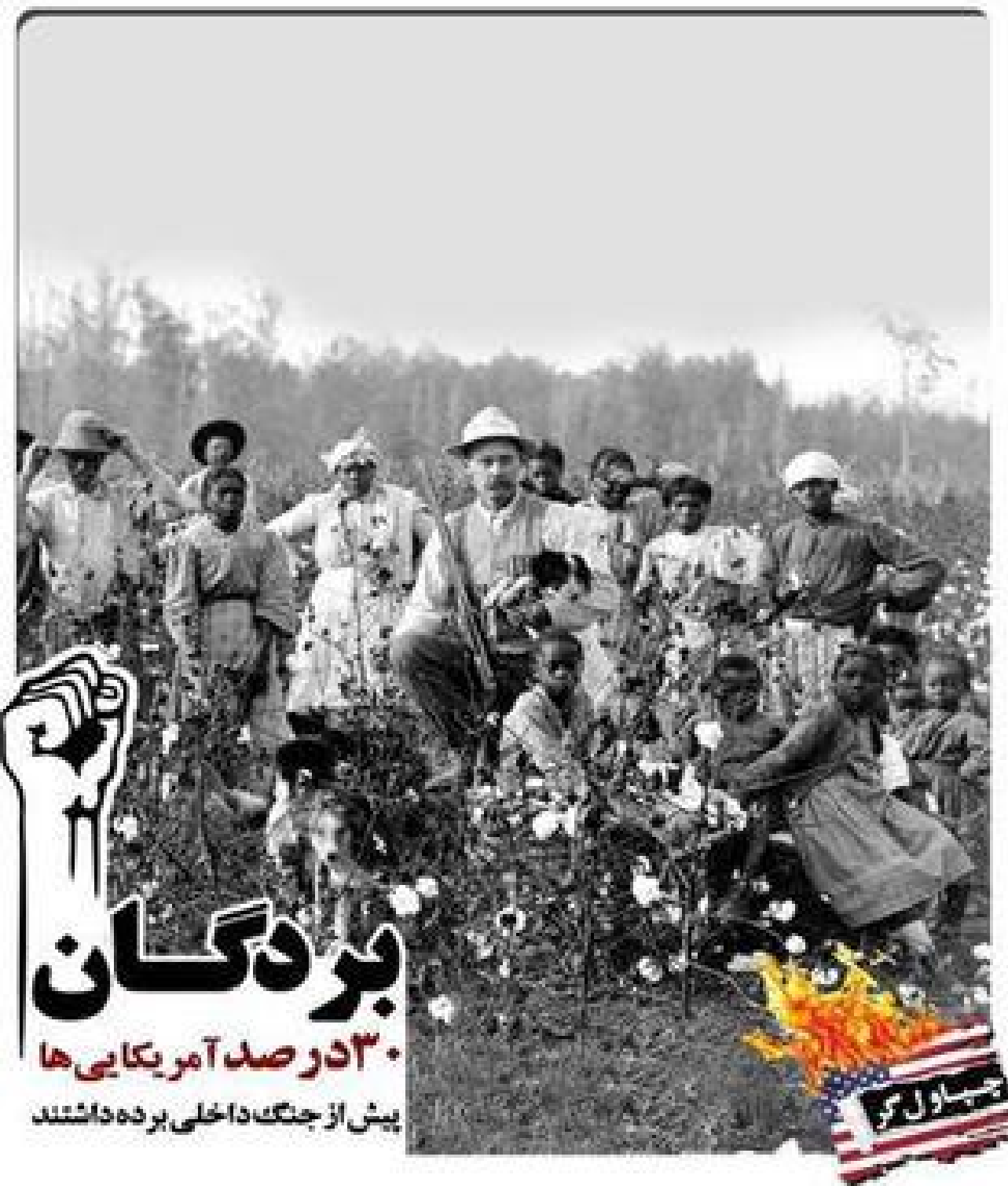
۱۰ میلیون امریکائی

شامل دوونیم میلیون کودک

کتاب ہستاد بہ یک _ ناصر کاوہ



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



برده‌گان

۳۰ درصد آمریکایی‌ها

پیش از جنگ داخلی برده داشتند

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْهَاتُوا الْحُجُجَ لِقَائِهِ لَا تَأْخُذُهُ
سُئَةٌ وَلَا نِعْمَةٌ لَتَمَاقِي السَّمَوَاتُ وَتَقَافِي
الْأَرْضُ مَنْ فِي النَّارِ يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا
بِإِذْنِهِ تَعْلَمَ مَا تَدِينُ أَلْدِينُ وَمَا خَلَقْنَاهُمْ
إِلَّا لِيُحْيطَرُونَ يَشْفَعُونَ مِنْ عِلْمِهِ الْأَرْحَامُ
شَاءَ وَبَسَّعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ
وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

صَلَّى اللَّهُ الْعَظِيمُ

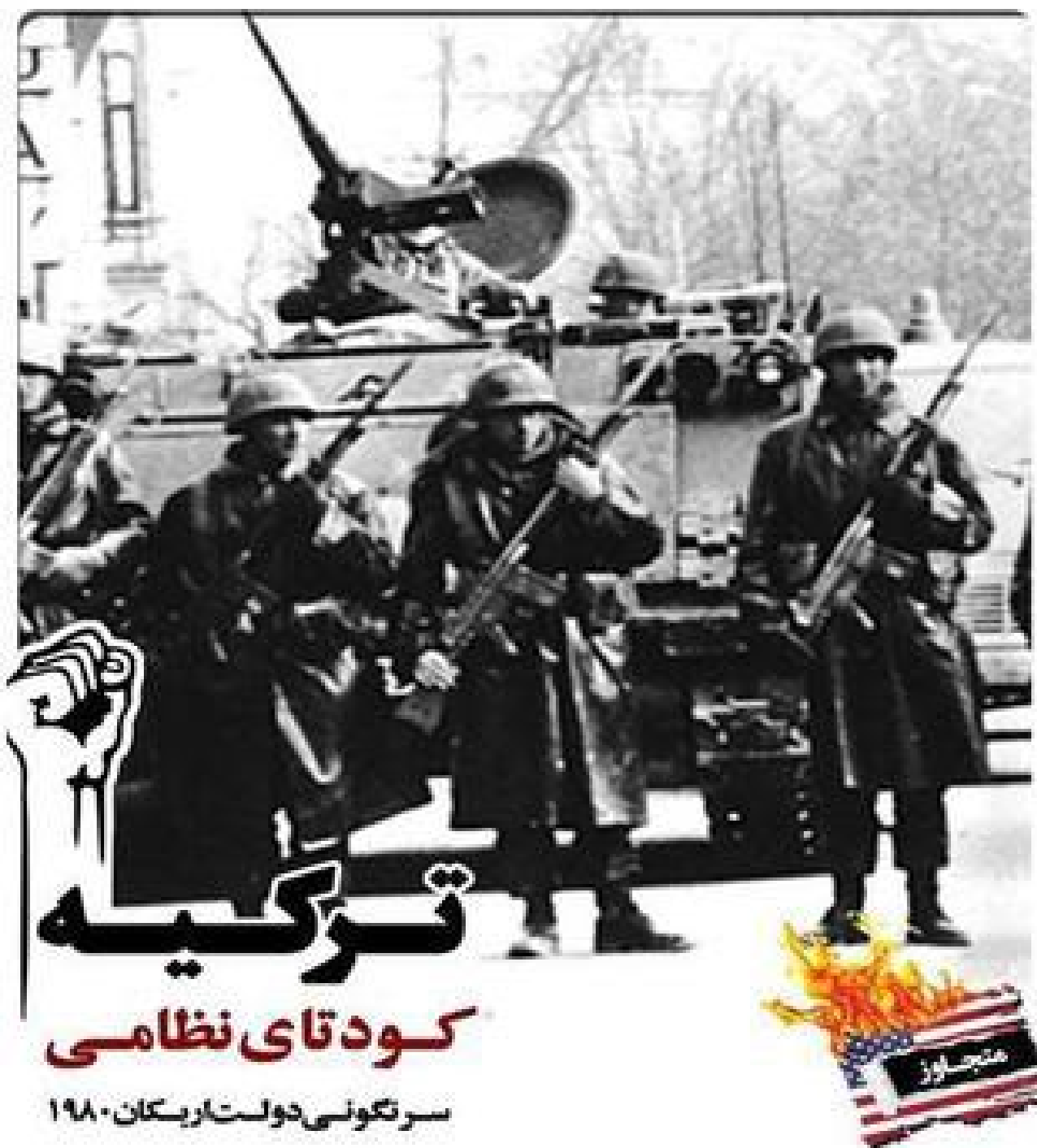


سومالی

بیش از ۲۰۰۰ کشته

حلی دو ماه عملیات نظامی ۱۹۹۳



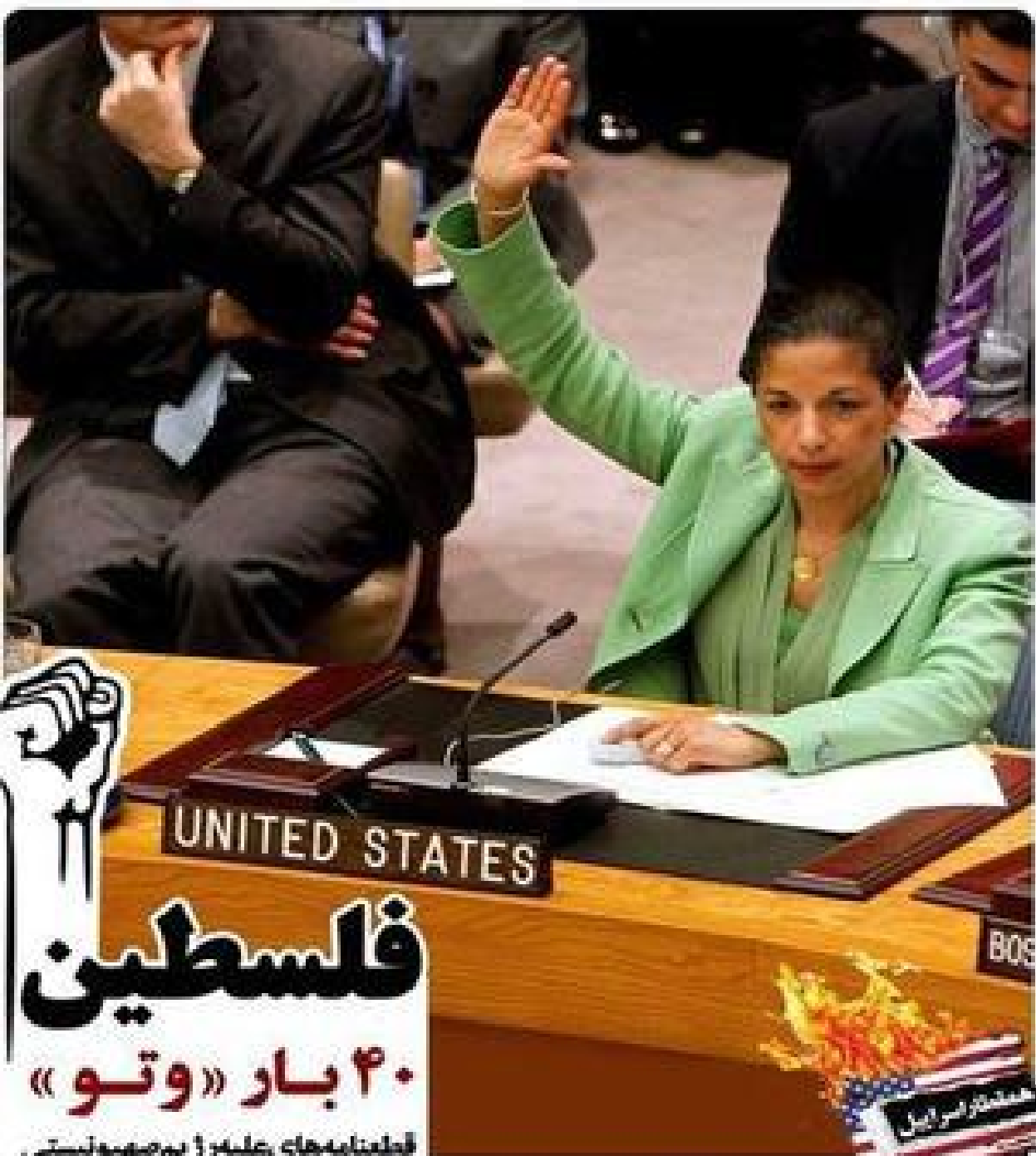


ترکیه

کودتای نظامی

سرنگونی دولت اریکان ۱۹۸۰

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



فلسطين

۴۰ بار «وتو»

اطمنانیه‌های علیه رژیم صهیونیستی



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



سودان

بمباران کارخانه دارو

مرکز الشفاء در خارطوم سال ۱۹۹۸



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



آلمان

۱۰۰ هزار کشته غیر نظامی

در حمله شیمیایی آمریکا به شهر درسدن



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



داوودیہ

قتل عام زنان و کودکان

حملہ ٹانک ہاوپلےس آمریکا بہ تجمیع ۱۹۹۳

کتاب ہستاد بہ یک _ ناصر کاوہ



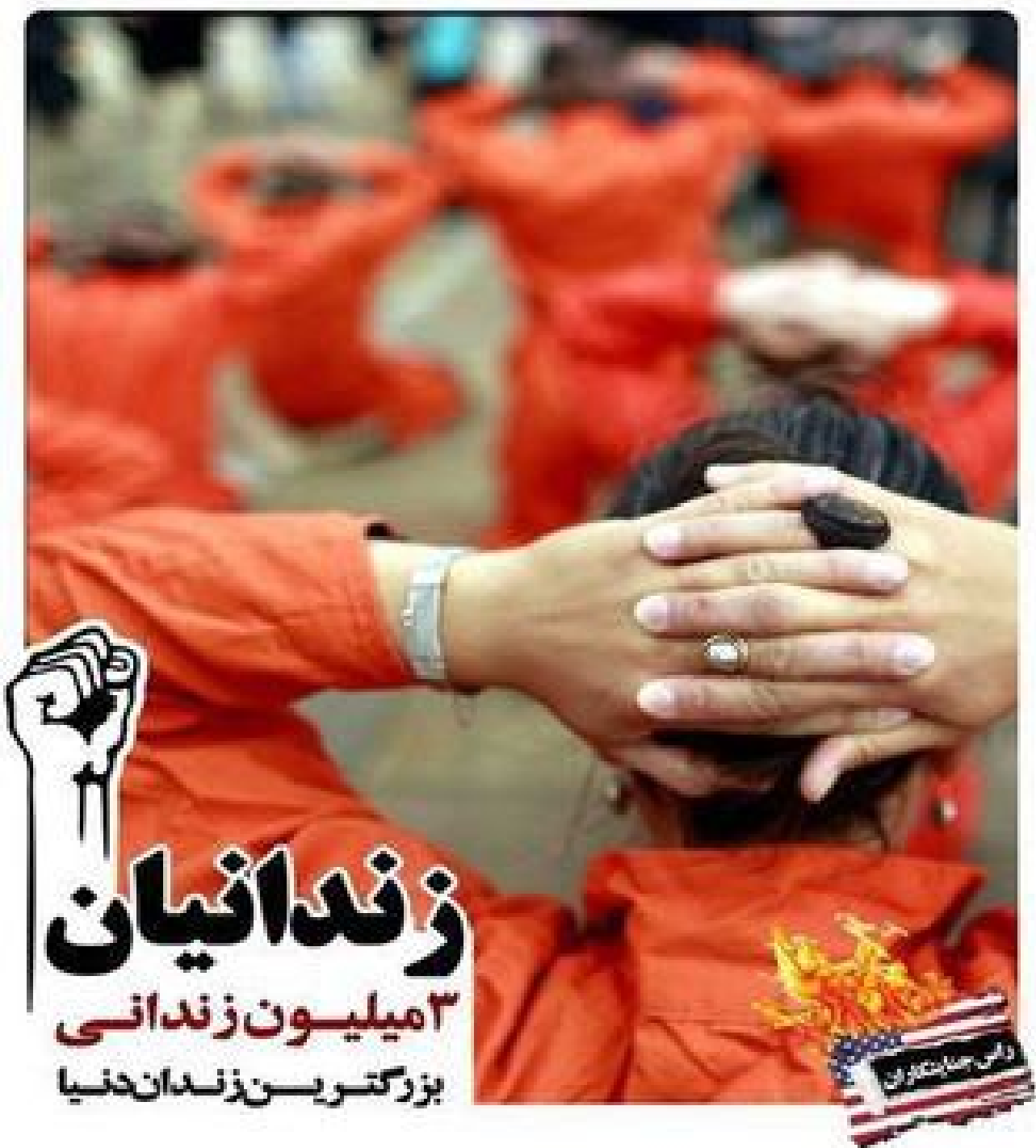
اروگوئه

حکومت نظامی

حمایت از کودتاجیان از ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۵



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

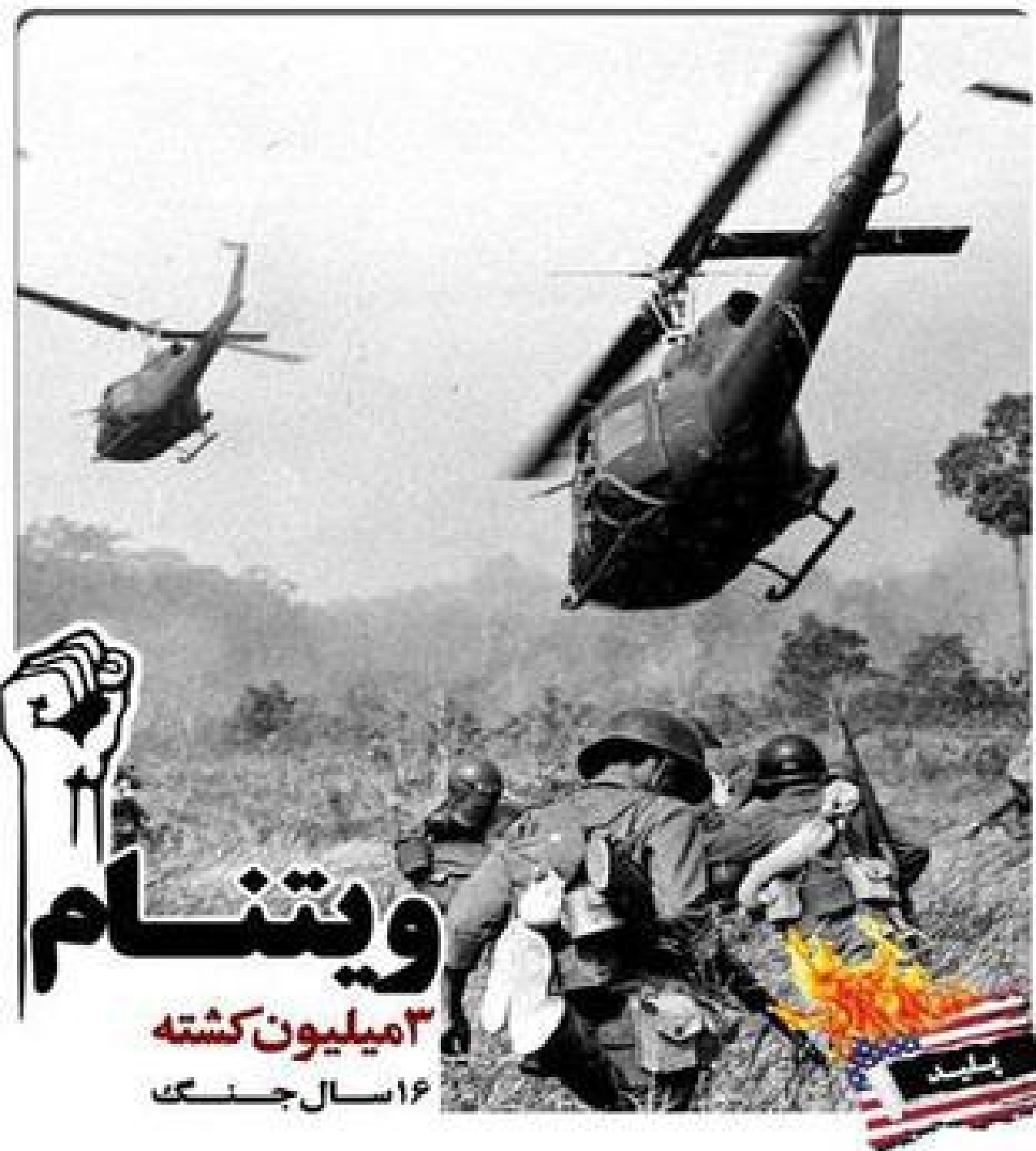


زندانیان

۳ میلیون زندانی

بزرگترین زندان دنیا

کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



ویتنام

۳ میلیون کشته

۱۶ سال جنگ

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه





ابو غریب

شکنجه و آزار مبارزین

عراق پس از اشغال ۲۰۰۳



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



بمباران مجلس عروسی

هواپیماهای بدون سرنشین ۲۰۱۲

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



زندانیان

۱۰۰ زندان مخفی

دورسراسر جهان

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



وال استریت

سرکوب جنبش ۹۹ درصد
دستگیری دسته جمعی معترضین

کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



کودکان

قاچاق ۳۰۰ هزار کودک

عدم پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



عراق

مرگ نیم میلیون کودک

تحریم غذا و دارو ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



ایران
تحریم دارو
تهدید شرکت های دارویی

کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

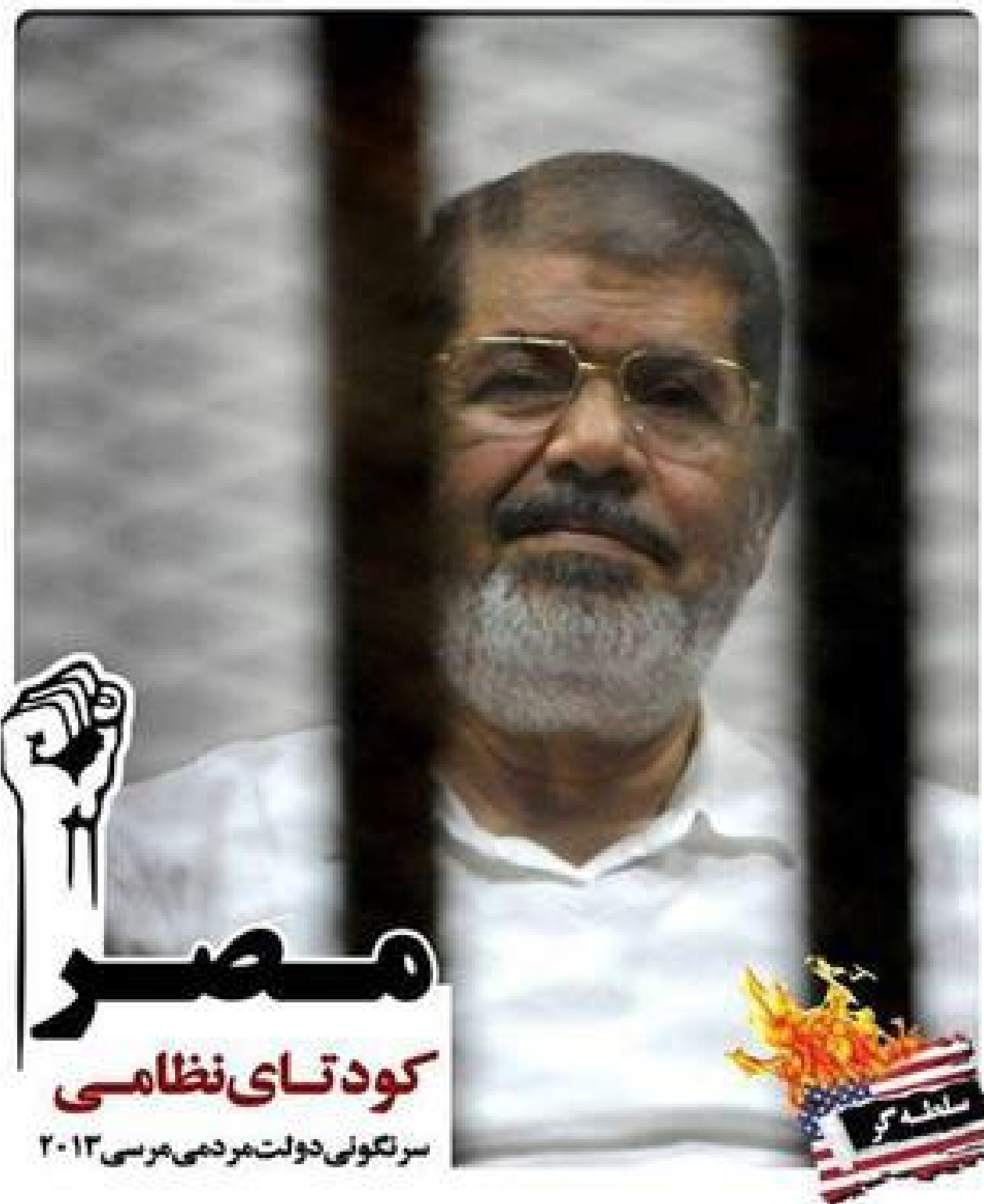


شیلی

آدم کشی و قتل

سالوادور آلنده و ویکتور خارا ۱۹۷۳

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



نیکاراگوئه

حکومت دست نشانده

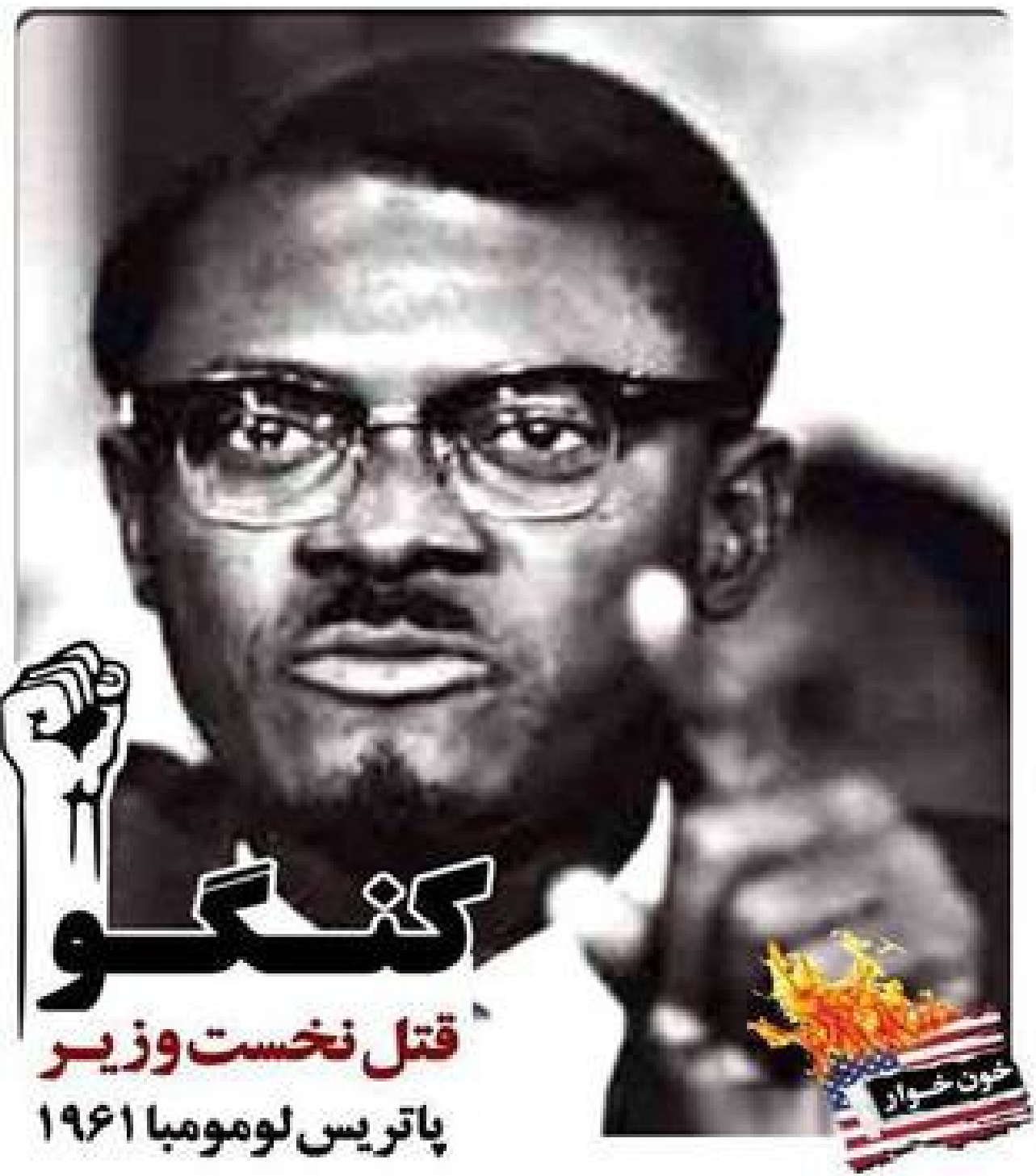
حمایت از خانواده سوموزا ۱۹۱۳ تا ۱۹۷۹



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



کنگ

قتل نخست وزیر

پاتریس لومومبا ۱۹۶۱



کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه



ایران

هدف از دادن سکوهای نفتی

سکوهای رشادت، نصر و سلمان



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



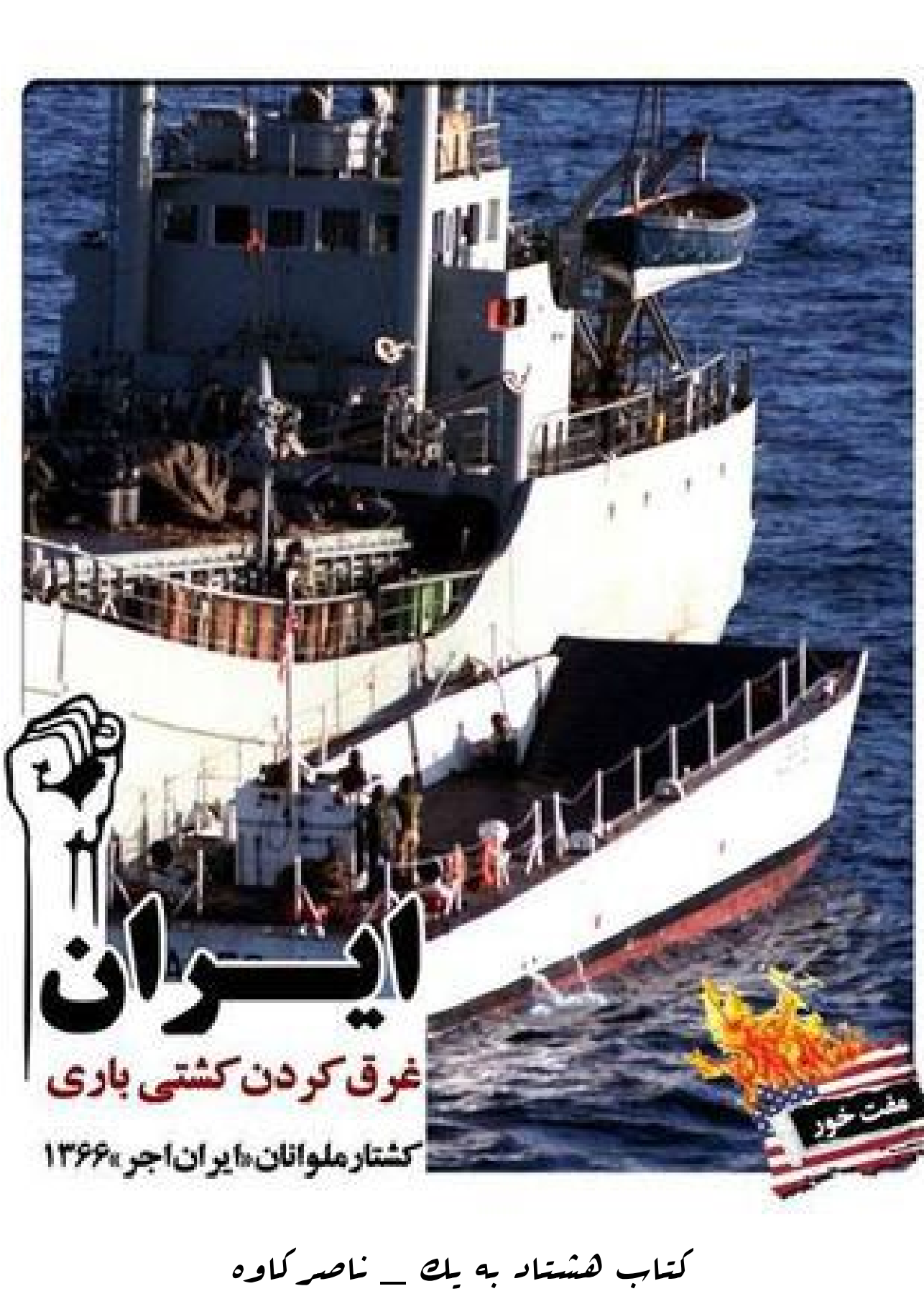
کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



راه اندازی و آموزش ساواک

۴۶۸ ترور و شکنجه مبارزین سیاسی

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



ایران

غرق کردن کشتی باری

کشتار ملوانان «ایران اجر» ۱۳۶۶

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



ایران

حمله طبس

عملیات پنجه عقاب ۱۳۵۹

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



سیاهپوستان

۱۵ میلیون برده آفریقایی

طی سال های ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه

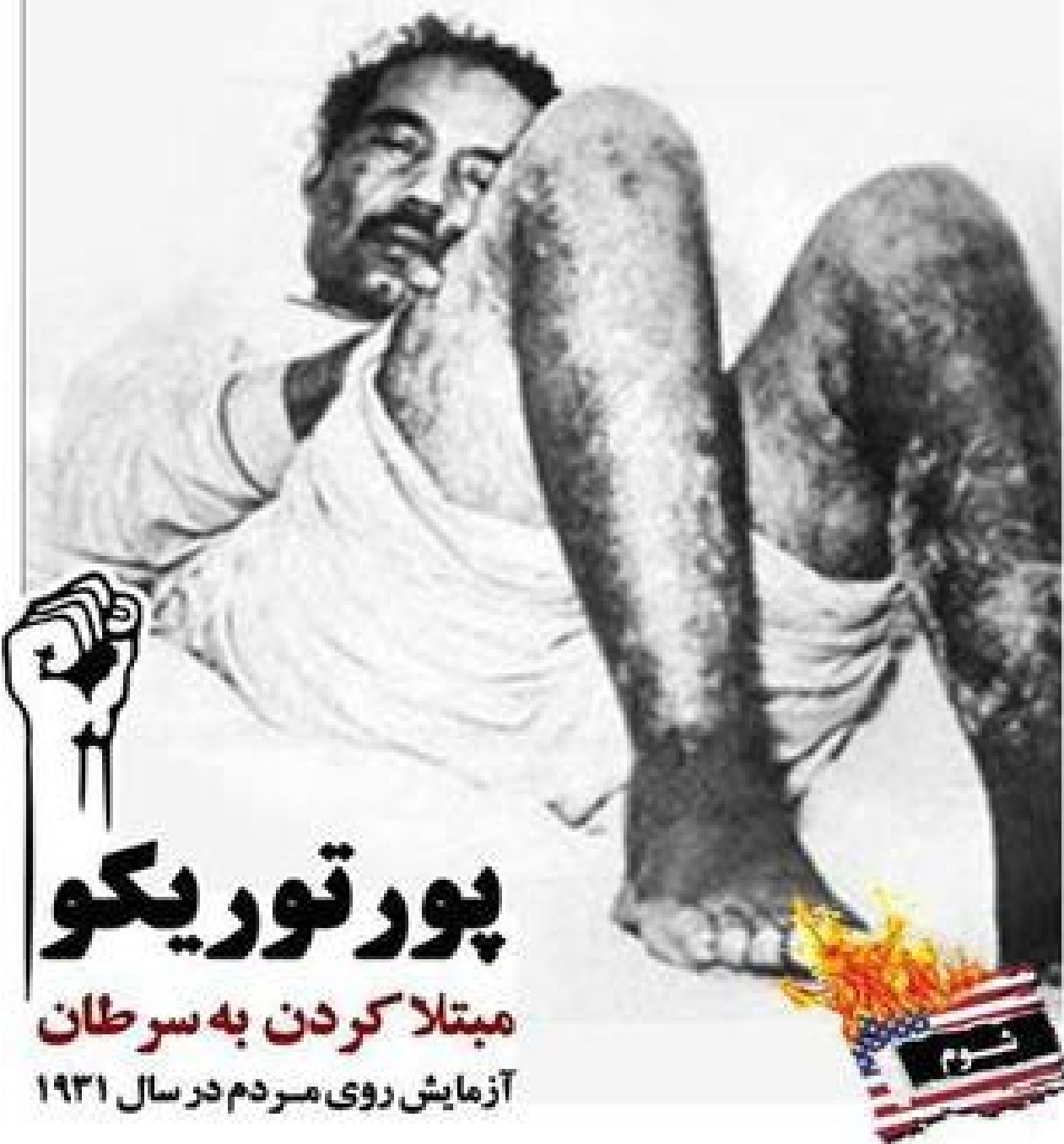


ایران

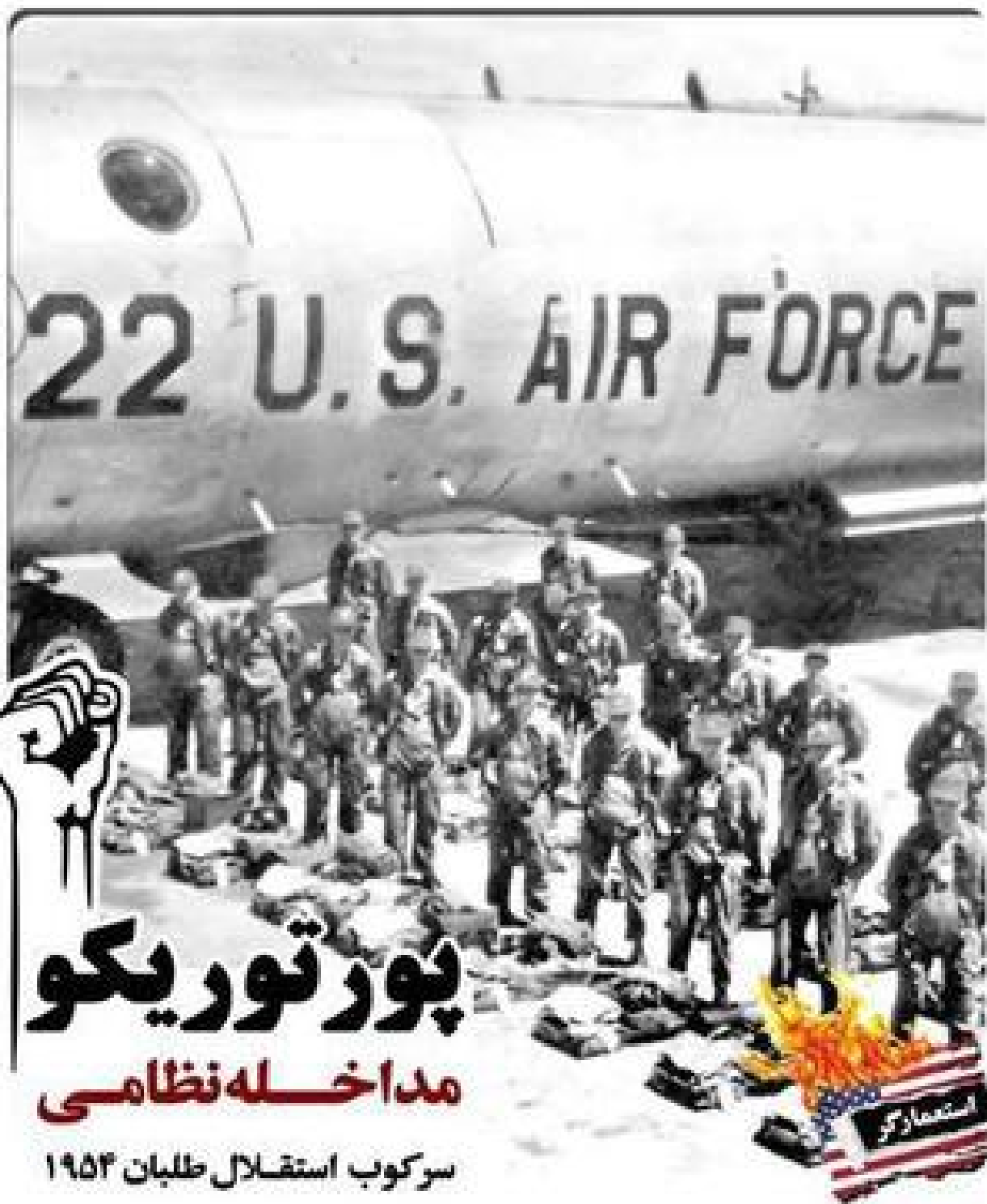
ترور دانشمندان

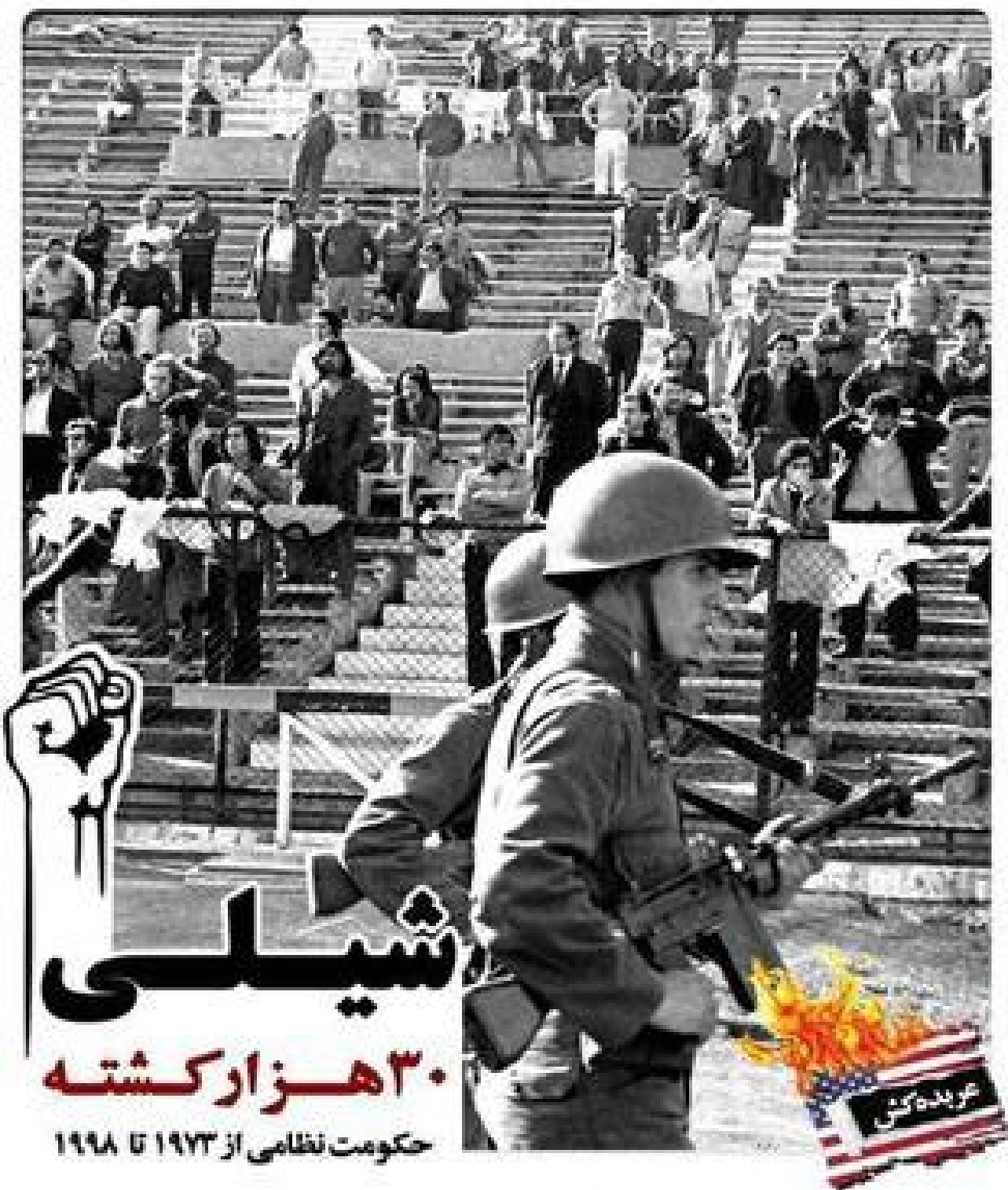
سازماندهی عملیات ها و عوامل

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه





کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



پاکستان

کشتار ۳۵۰۰ غیر نظامی

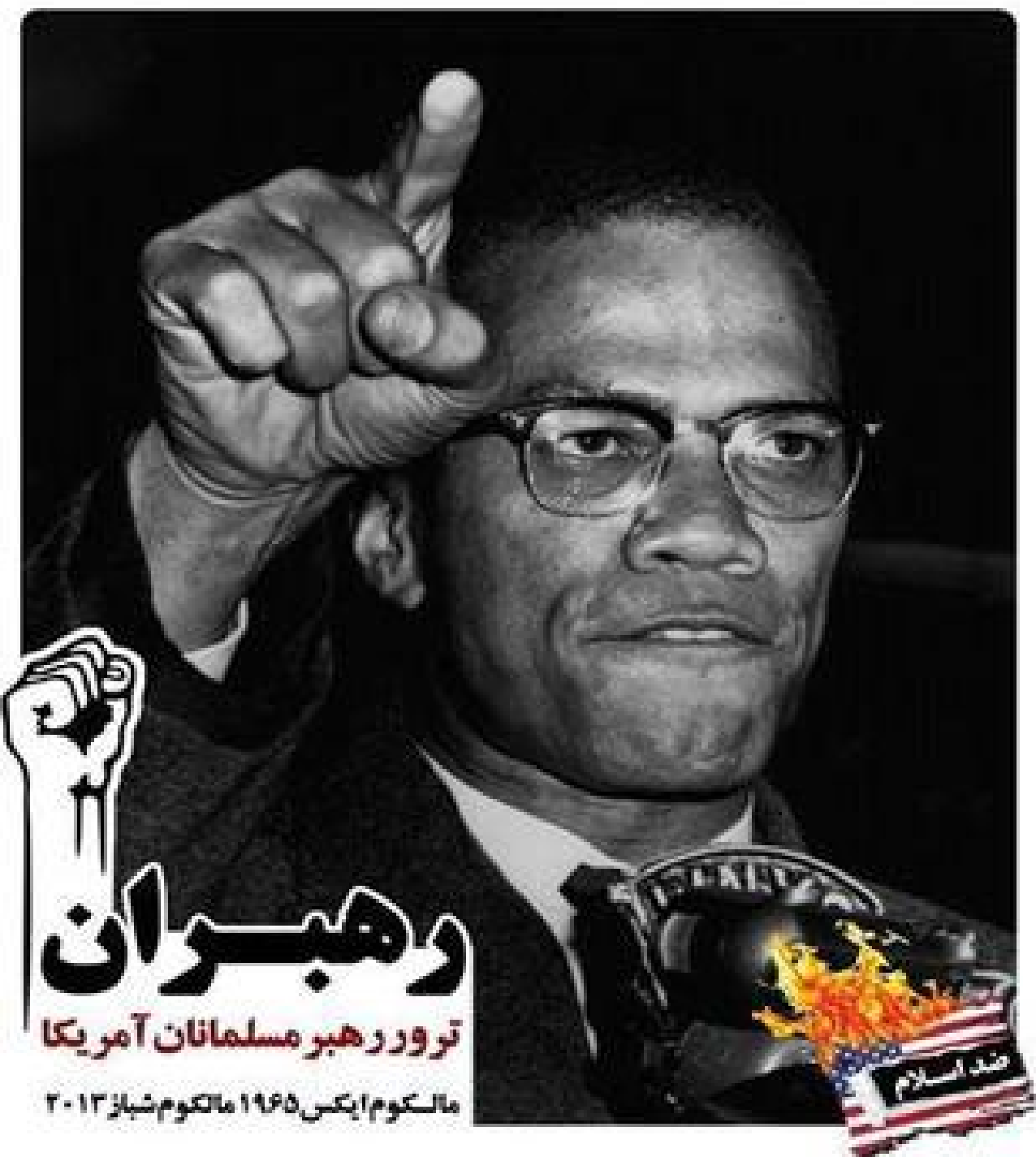
هواپیماهای بدون سرنشین ۲۰۱۲



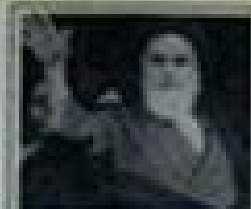
کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

پاکستان
بیش از ہزار کشتہ
برای آزمایش ویروس دنگو ۲۰۰۹

کتاب ہستاد بہ یک _ ناصر کاوہ



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



امام: روحانیت باید حفظ حیثیت خودشان را بکنند

امام از این دو ملت هیچ باک نیست

کجهستان

آخرین خبرها از شکل گیری وشکست توپنه کودتا



سپید عهد یون و سپید
محقق، تا ملان اصلی
کودتا دستگیر شد

۲۰ عایل کودتا
در همدان
اهواز و تهران
دستگیر شد

همزمان با توپنه کودتا، حملات
عراقی به مرزهای ایران شدت یافت

این صحن
مبارزه
با هر یک
من از سال
از کابل
از این هوا
فانست



یون و عهد یون و عهد یون

کودتاگران کشته شدند

ایران

کودتای نوژه
طراحی و هدایت عناصر خائن





کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



آزادی اندیشه

دادگاه تفتیش عقاید

اجرای قانون مکارا و تیمس از ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰

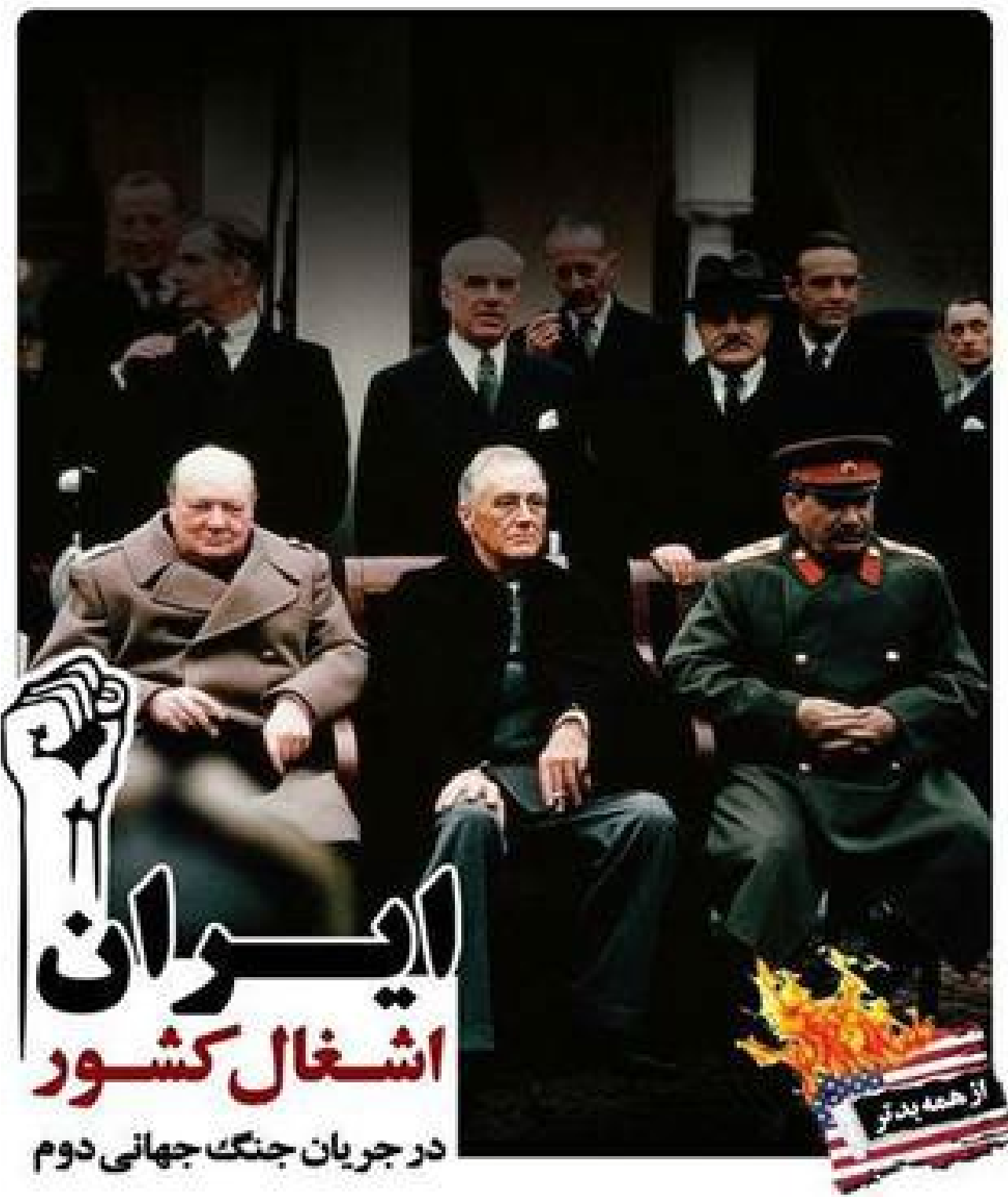
کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



میر و شیما

۱۵۰ هزار کشته بعد از اول

همین تعداد در روزهای بعد



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



گواقتمالا

آزمایش ویروس سفلیس

بر روی مردم از ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸



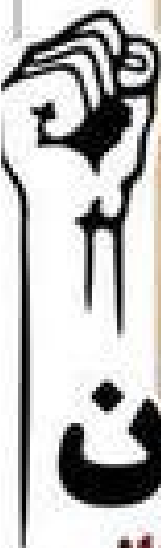
کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



ایران

غارث آثار باستانی

محراب مسجد اصفهان در موزه نیویورک



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



ایران

کودتای ۲۸ مرداد

اعتراف CIA پس از ۶۰ سال



کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه

ARGO

The movie was fake. The mission was real.



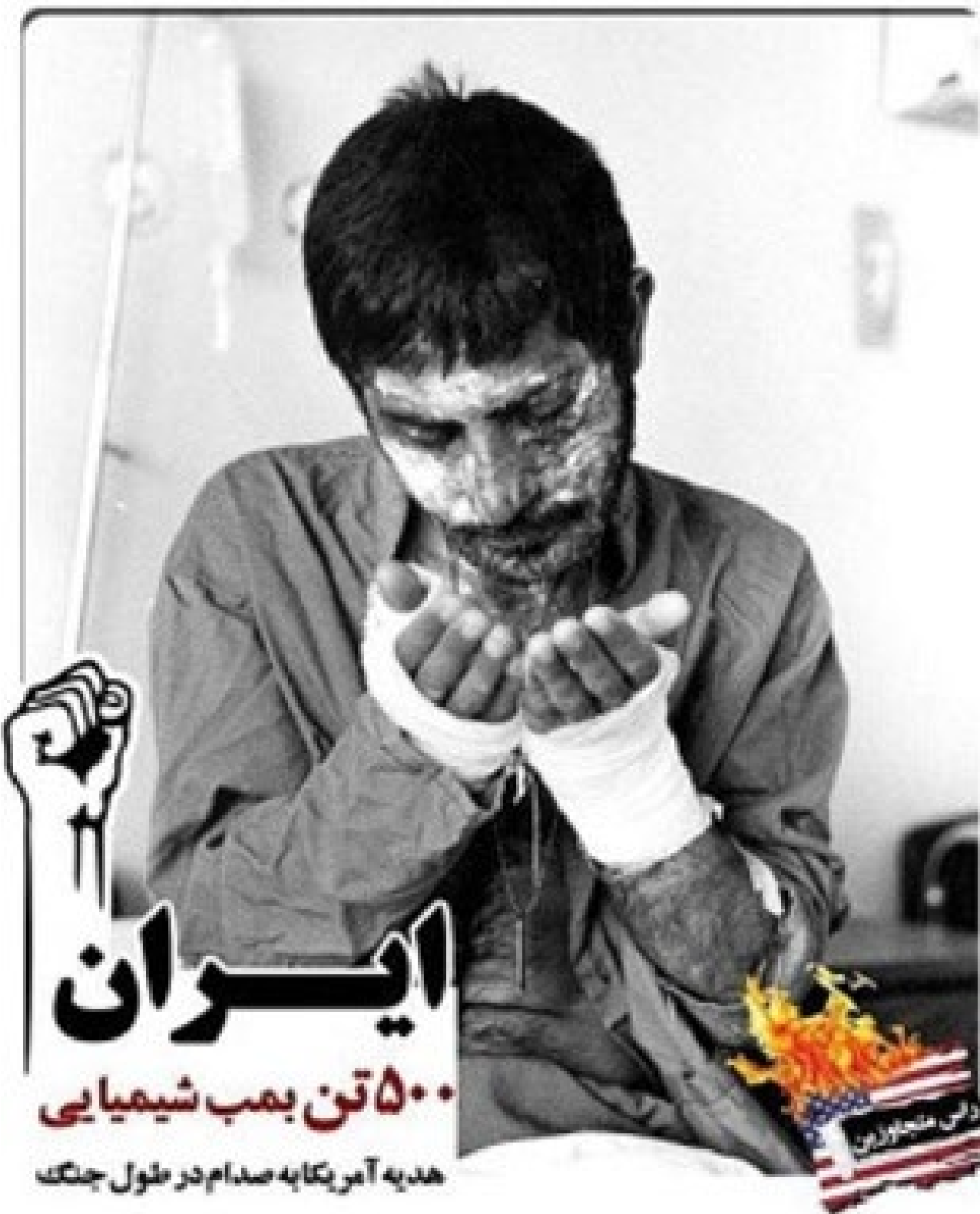
ایران

سینمای ضد ایرانی

ماموریت هالیوود برای تخریب انقلاب



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



ایران

۱۲ میلیارد دلار

اموال بلوکه شده ۱۳۵۸



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



اروگوئه

حکومت نظامی

حمایت از کودتای چیان از ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۵



کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

فهرست بیش از ۱۰۰ جنایت و دخالت آمریکا در کمتر از یک قرن



تنها در نیمه دوم قرن بیستم ایالات متحده آمریکا حدود ۱۰۰ کودتای نظامی و براندازی حکومت‌ها را طراحی و رهبری کرده است و ده‌ها بار بطور مستقیم دست به اشغال نظامی کشورها زده است و یا آنها را تهدید به مداخله نظامی کرده است. این مقاله سعی دارد با مرور روند مداخلات آمریکا در کشورهای جهان طی بازه زمانی یک قرن گذشته که مقارن با ریاست جمهوری ۱۶ نفر از دو حزب دموکرات و جمهوری

خواه نیز می‌باشد، به بررسی چگونگی این مداخلات و تبعات آن در عرصه بین‌المللی بپردازد.

مداخله آشکار از طریق پیاده کردن نظامیان، تهدید و یا توسل به کودتای نظامی و اقدام به براندازی به منظور سرنگون کردن دولت‌های ملی و مردمی که حاضر نیستند به برنامه‌ها و خواسته‌های یکجانبه گرایانه تن در دهند و جایگزین کردن آنها توسط دولت‌های مجری منافع سرمایه‌داری، از جمله روش‌هایی است که ایالات متحده آمریکا، در یک قرن اخیر و بویژه از اوایل دهه ۵۰ میلادی جهت اجرا و پیشبرد منافع خود در کشورهای جهان و خصوصاً جهان سوم به کار برده است. اگرچه با توجه به شکل‌گیری اولیه سیاست خارجی آمریکا بر اساس انزوای سیاسی و همچنین مشکلات داخلی در دو دهه اول قرن بیست، این کشور تا پایان جنگ جهانی اول در عرصه بین‌المللی حضور جدی پیدا نکرد و بیشتر به حوزه آمریکای مرکزی و جنوبی معطوف بود، اما شالوده حضور ایالات متحده و حذف و تضعیف دیگر رقبا در عرصه بین

المللی در همین زمان بنا نهاده شد. تنها در نیمه دوم قرن بیستم ایالات متحده آمریکا حدود ۱۰۰ کودتای نظامی و براندازی حکومت‌ها را طراحی و رهبری کرده است و ده‌ها بار بطور مستقیم دست به اشغال نظامی کشورها زده است و یا آنها را تهدید به مداخله نظامی کرده است. از جنگ جهانی دوم، کشورهای زیر سلطه، صحنه اصلی دخالت‌ها و کودتاهای نظامی یا شبه کودتا و ضد کودتا و استقرار دیکتاتوری‌های نظامی بوده‌اند و به سادگی می‌توان برآورد کرد که کاربرد گسترده شیوه‌هایی چون تهدید، کودتا، اشغال نظامی و غیره، تا چه اندازه به استقلال کشورها و به فرایند تصمیم‌گیری دولت‌ها صدمه و زیان وارد می‌آورد. بدون تردید، دستگاه‌ها و آژانس‌های مختلف جاسوسی آمریکا فعالانه در طرح و اجرای کودتاها و توطئه‌ها، برای سرنگونی حکومت‌های مردمی، فعالانه مشغول‌اند و مسئول کودتاهای بی‌شمار در جهان هستند. البته در این راستا و برای دستیابی موفقیت‌آمیز به اهداف، آمریکا از کمک و پشتیبانی سیاستمداران طرفدار سیاست غرب استفاده‌های زیادی برده است.



مرگ بر امریکا

مرگ بر امریکا

مرگ بر امریکا

مرگ بر امریکا

مرگ بر امریکا

مرگ بر امریکا

مرگ بر امریکا

شیطان بزرگ؛
آمریکا است

شعار "مرگ بر آمریکا" رمی جمرات شیاطین امروز است.

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

مداخلات امریکا در عرصه جهانی، در دوران ریاست جمهوری دموکرات ها و جمهوریخواه ها همواره وجود داشته است، اما نوع آن از دخالت سیاسی در زمان تصدی دموکرات ها به دخالت نظامی در دوران جمهوری خواه ها متغییر بوده است. با مرور روند مداخلات امریکا در کشورهای جهان طی بازه زمانی یک قرن گذشته که مقارن با ریاست جمهوری ۱۶ نفر از دو حزب دموکرات و جمهوری خواه نیز می باشد، به بررسی چگونگی این مداخلات و تبعات آن در عرصه بین المللی بپردازد. در این راستا نگارنده ۵ دوره زمانی را مدنظر قرار می دهد.

-- دوره اول: از ابتدای قرن بیستم تا پایان جنگ جهانی اول (مداخله در امریکای مرکزی و جنوبی)

۱۹۰۱ تا Theodore Roosevelt از حزب جمهوری خواه

*در ۱۲ فوریه ۱۹۰۱ روزولت طرح Platt Amendment را پایه ریزی کرد. این طرح به امریکا اجازه می داد نه تنها سیاست های داخلی، بلکه سیاست خارجی و تمام قرارداد های بین المللی کوبا را دیکته کند. طبق

این طرح امریکا اجازه یافت که گوانتانامو بی (Guantanamo Bay)) را از کوبا به مبلغ ۴۰۰۰ دلار در ماه اجاره نماید و در آنجا پایگاه نظامی ایجاد کند و تاکنون هم امریکا نیروی نظامی خود را در این کشور حفظ کرده است.

* در سال ۱۹۰۳ نیروی دریایی امریکا در زمان انقلاب هندوراس وارد آن کشور شد.

* در سال ۱۹۰۴ ارتش امریکا با عنوان حمایت از منافع امریکا وارد جمهوری دومینیکن شد.

* در سال ۱۹۰۴ ، بعد از موفقیت در کوبا، روزولت سیاست خارجی خود را بر پایه دکترین مونرو نهاد. بر اساس این دکترین امریکا می بایست "پلیس بین المللی" در امریکای مرکزی باشد. (کشورهای امریکای مرکزی به Banana Republic معروف هستند)

* در سال ۱۹۰۷ ارتش امریکا وارد نیکاراگوئه شد تا "Dollar Diplomacy" را در آن کشور ایجاد کند. در همین سال امریکا در خلال جنگ هندوراس با نیکاراگوئه، دوباره وارد هندوراس شد.

۱۹۰۹ تا ۱۹۱۳ William H. Taft از حزب جمهوری خواه

ویلیام تفت سیاست های خارجی روزولت را دنبال کرد و مجموعه ای از جنگ ها و دخالت های نظامی در کشور های امریکای مرکزی را تدارک دید که به "Banana Wars" شهرت یافت.

* در سال ۱۹۱۰ نیروی دریایی امریکا برای بار دوم نیکاراگوئه را اشغال کرد.

* در سال ۱۹۱۲، آمریکا خانواده سوموزا را در نیکاراگوئه به قدرت رساند که تا سال ۱۹۷۹ با سرکوب و اختناق حکومت کرد. این سیاست را روسای جمهور دیگر، چه از حزب دمکرات و چه از حزب جمهوریخواه، دنبال کردند. بطور مثال می توان از دخالت های نظامی امریکا در هائیتی ۱۹۱۵، جمهوری دومینیکن در سال ۱۹۱۶ و پاناما در سال ۱۹۱۸ نام برد.

* در سال ۱۹۱۱ و در خلال جنگ داخلی هندوراس، بار دیگر امریکا ارتش خود را به آن کشور فرستاد تا از منافع خود در آن کشور حفاظت کند.

*بین سال های ۱۹۱۲ تا ۱۹۳۳ ارتش امریکا، نیکاراگوئه را در اشغال خود داشت و در جنگ داخلی ۲۰ ساله آن کشور، در پشتیبانی از سوموزا، شرکت داشت.

۱۹۱۳ تا ۱۹۲۱ Woodrow Wilson از حزب دموکرات

*در سال ۱۹۱۵، ایالات متحده به دخالت نظامی در هائیتی پرداخت.

*در سال ۱۹۱۶، ارتش امریکا وارد جمهوری دومینیکن شد.

*ویلسون عامل دخالت امریکا در جنگ جهانی اول بود و در ۷ دسامبر ۱۹۱۷ نیروهای امریکایی بطور محدود با امپراتوری اتریش - مجارستان وارد جنگ شدند.

*در سال ۱۹۱۸، امریکا قسمت هایی از پاناما را تصرف کرد.

« پس از پایان جنگ جهانی اول، ویلسون در اعلامیه ای ۱۴ ماده ای، با عنوان (حق تعیین سرنوشت خود، توسط ملت ها) برای تجزیه امپراتوری ها، مخصوصا امپراتوری اتریش - مجارستان تلاش کرد. (به گفته معاون ویلسون، وی اعتقاد راسخی به حق تعیین سرنوشت برای

ملت ها نداشت و این اقدام در جهت تضعیف قدرت امپراتوری ها در برابر قدرت امریکا بود.) در مجموع در دوره یاد شده، امریکا با این دخالت ها در واقع دو هدف اصلی را دنبال می کرد. اول اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی در کشور های امریکای مرکزی و جنوبی با حمایت از رژیم های وابسته به آنها و یا کنترل مستقیم توسط افراد دست نشانده خود. دوم، از آنجائی که امریکا فرصت ها را در جهت به مستعمره گرفتن کشورهای جهان سوم شرق و آفریقا از دست داده بود، همزمان با تلاش برای تجزیه و تضعیف امپراتوری های اروپایی درپای ایجاد امپراتوری خود در قسمت غربی کره زمین بود. دکترین مونرو در واقع مانع نفوذ کشور های اروپایی به این منطقه از جهان شد و دست ایالات متحده را در این حوزه باز گذاشت و باعث وابستگی سیاسی و اقتصادی کشورهای این منطقه شد که تا کنون نیز با آن دست به گریبان هستند . از طرفی ایالات متحده با تکیه بر سیاست انزوا در سال ۱۹۲۰ در جامع ملل که خود یکی از طراحان آن بود حضور نیافت و باعث بی اعتباری و خروج دیگر کشورها ی عضو در سالهای بعدی و نهایتاً انحلال جامعه ملل با آغاز جنگ جهانی دوم شد.»



امام خمینی (ره)

همه مصیبت ما زیر سر آمریکا است |

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

دوره دوم : از ۱۹۲۱ تا پایان جنگ جهانی دوم (راهیابی و زمینه سازی
مداخله در عرصه بین الملل)

۱۹۲۱-۱۹۲۳ Warren Harding از حزب جمهوری خواه

*در سال ۱۹۲۱، در زمان ریاست جمهوری هاردینگ، نیروهای ارتش
امریکا به خاطر اختلافات مرزی دو کشور پاناما و کوستاریکا بار دیگر
پاناما را به اشغال خود در آوردند.

*در سال ۱۹۲۲ ارتش امریکا با ناسیونالیستهای ترکیه در ازمیر درگیر شد.

*در سال ۱۹۲۲ نیروی دریایی امریکا به چین فرستاده شد تا با قیام
ناسیونالیستهای چینی مقابله کند. این اقدام تا سال ۱۹۲۷ ادامه داشت.

*در سال ۱۹۲۳ ارتش امریکا در جهت حفظ منافع یک شرکت امریکایی
هندوراس را به اشغال خود در آورد.

۱۹۲۳-۱۹۲۹ Calvin Coolidge از حزب جمهوری خواه

* در سال ۱۹۲۵ نیروی دریایی ارتش امریکا وارد پاناما شدو اعتصابات
عمومی را درهم شکست.

*در ماههای اول سال ۱۹۲۶ جنگهای داخلی در نیکاراگوئه شروع شد. نیروهای ارتش امریکا سریعاً وارد عمل شدند و خاک آن کشور را اشغال نمودند. و منطقه بی طرفی را برای حفظ سرمایه داران امریکا ایجاد نمودند.

*در ژانویه سال ۱۹۲۷ ارتش امریکا به بهانه تقویت نیروی خود با وارد کردن ۷ ناوشکن و ۲ کشتی جنگی سبک زمینه حضور طولانی مدت را در نیکاراگوئه فراهم کرد .

۱۹۲۹-۱۹۳۳ Herbert Hoover از حزب جمهوریخواه

در دوران ریاست جمهوری هوور ارتش امریکا چندان فعال نبود. وی معتقد بود که " مردان سنین بالا اعلام جنگ می کنند ، اما این جوانان هستند که می باید به جنگ بروند و کشته شوند."

همچنین در سال ۱۹۲۹ ، رکود بی سابقه اقتصادی گریبان گیر امریکا شد. در این رکود اقتصادی ۱۲ میلیون نفر بیکار شدند ، ۲۰ هزار کمپانی و ۱۶۱۶ بانک ورشکست شدند و تنها در یک سال ۲۳ هزار نفر دست به خود کشی زدند.

* با توجه به آنچه ذکر شد ، در زمان هوور توجه امریکا به داخل معطوف شد و فقط در سال ۱۹۳۲ ، وی کشتی های جنگی ارتش را برای حفظ منافع امریکا به السالوادور فرستاد.

۱۹۳۳-۱۹۴۵ Franklin d. Roosevelt از حزب دموکرات

* دوره ریاست جمهوری فرانکلین روزولت مقارن با آغاز و پایان جنگ جهانی دوم بود و لذا امریکا بر خلاف جنگ جهانی اول ، درکنار متفقین وارد جنگ شد . روزولت دخالت در اروپا را به نفع آمریکا تشخیص داد زیرا اولاً اروپاییان را مقروض آمریکا می کرد و ثانیاً بعد از سقوط هیتلر در طرح بازسازی اروپا که بعدها به (Marshal plane) شد، شرکت می کرد و در تصمیم گیری های سیاسیون اروپا، دولت آمریکا می توانست دخالت مستقیم داشته باشد.

* در ۸ دسامبر سال ۱۹۴۱ آمریکا درکنار انگلستان به ژاپن اعلان جنگ داد و از آنجا که آلمان، ایتالیا و ژاپن در سپتامبر ۱۹۴۰ پیمان سه جانبه در مورد همکاری در نبرد در صورت حمله دشمن به هر یک از سه کشور امضا کرده بودند، هیتلر نیز در ۱۱ دسامبر به آمریکا اعلان جنگ کرد.

*در ۷ اوت ۱۹۴۲ ، نیروی دریایی آمریکا در کانال "گودال" واقع در سالومون پیاده شدند.

*در ۸ آوریل ۱۹۴۲ نخستین حمله هوایی ناگهانی به شهر توکیو به وسیله بمب افکن های متوسط آمریکایی صورت گرفت.

*بین سالهای ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ نیروهای آمریکایی با تفوق بر ژاپن این کشور را به دو نیم تقسیم کردند.

*در ۶ ژوئیه ۱۹۴۴ قوای تازه نفس آمریکایی همراه با تجهیزات بسیار زیاد به همراه نیروهای انگلیسی و کانادایی در ساحل نرماندی فرانسه پیاده شدند و با آلمان وارد جنگ شدند .

۱۹۴۵-۱۹۵۳ Harry S Truman از حزب دموکرات

در ۱۶ ژوئیه سال ۱۹۴۵ پس از پنج سال تلاش شبانه روزی در قالب طرحهای سری لوس آلاموس ، نخستین بمب اتمی با نام «Gadget» در حضور یکصد نفر از دانشمندان در صحرای آلاموگودور در صحرای نیو مکزیکو واقع در جنوب غربی ایالات متحده آزمایش شد، تا برتری

قدرت امریکا در عرصه بین الملل تثبیت شود.

*پس از تسلیم آلمان در ماه مه ۱۹۴۵، ترومن در جولای همان سال در کنفرانس (پست دام) پیرامون اروپای پس از جنگ شرکت کرد و زمینه های حضور امریکا در اروپا تثبیت شد.

*به دستور ترومن، رییس جمهور وقت آمریکا و با هدف تسلیم کردن امپراتوری ژاپن، هواپیمای آمریکایی، هیروشیما را در ساعت ۸:۱۵ صبح در تاریخ ۶ اگوست ۱۹۴۵ بوسیله بمب اورانیمی با نام «پسرک Little Boy» بمباران کرد و ناکازاکی در ۹ اگوست سال ۱۹۴۵ در ساعت حدود ۱۱:۱۵ بوسیله بمب پلوتونیومی با نام «مردچاق Fat Man» بمباران شد، که طی آن بمباران ها صدها هزار نفر فوراً جان باختند.

ترومن چند روز بعد در مصاحبه ای، با اعلام خبر استفاده آمریکا از بمب اتم، در توجیه این اقدام آمریکا که با هدف نشان دادن ضرب شست به شوروی انجام شد، گفت: «ما با این کارمان مانع از کشته شدن جوانان آمریکایی به دست ژاپنی ها شده ایم!».

دولت آمریکا در هیچ کشوری، میان هیچ ملتی، یک وجهی عمومی ندارد.

«هرگ بر آمریکا» دیگر جزو شعارهای اختصاصی ملت ایران نیست؛

در بسیاری از کشورها گفته می‌شود.



مرکز آمریکا



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

*در سال ۱۹۴۷ طی عملیات سرکوب چیانکایچک (درچین) که با حمایت همه جانبه امریکا صورت گرفت، بیش از ۱۰۰۰۰ نفر جان باختند.

*در سال ۱۹۵۰، امریکا در برافروختن جنگ کره و دخالت در جنگ هند و چین شرکت داشت که تا سال ۱۹۵۳ نیز ادامه داشت.

«در این دوره و با آغاز جنگ دوم جهانی در اروپا در سال ۱۹۳۹، امریکا توانسته بود در زمینه تولید هواپیما، کشتی جنگی و تجارتی، توپ و تانک و صنایع جنبی نظامی بیش از کشورهای روسیه، انگلستان، فرانسه و آلمان جنگ افزار تولید نماید. این حرکت در آمریکا باعث رونق صنایع و اقتصاد آمریکا شد؛ اما محصولات تولید شده می بایستی در جایی مصرف شود تا روند تولید متوقف نشود. روزولت رئیس جمهور آمریکا در ابتدای جنگ، اعلان بی طرفی کرد اما به فکر مصرف سلاح های تولید شده بود.

به این جهت در ۱۱ مارس ۱۹۴۱ قانونی از کنگره آمریکا به نام «قانون وام و اجاره» (The Lend Lease Act) به تصویب رسید. به دنبال تصویب این قانون بود که زیردریایی های آلمان در اقیانوس اطلس

مزاحم کشتی های آمریکا شدند که برای انگلستان ملزومات نظامی حمل می کردند. به دنبال حمله ناگهانی ارتش آلمان به روسیه در ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۱ و پیشرفت سریع ارتش هیتلر به سمت مسکو، لنینگراد و استالینگراد و اعلان جنگ میهنی در روسیه بر ضد تجاوز نازیسم، چرچیل از فرصت استفاده کرد و ضمن ملاقات با روزولت در عرشه کشتی «پرنس آف ولز» (Prince of Wales) ضمن محکوم کردن تجاوز به شوروی، روس ها را به کمک آمریکا امیدوار ساخت. از آن پس عملاً دولت آمریکا نیز به متفقین پیوست و در ۲۵ اوت ۱۹۴۱ برای انتقال کمک های انگلیس و آمریکا به شوروی، خاک ایران اشغال شد و سیل کمک های تسلیحاتی آمریکا به سوی روسیه شوروی سرازیر شد. واقعه حمله ژاپن که متحد آلمان بود به بندر «پرل هاربور» در هاوایی باعث شد که آمریکا در دسامبر ۱۹۴۱ به آلمان اعلان جنگ داده و کشور ایالات متحده در این مرحله رسماً و عملاً با آلمان و ژاپن و ایتالیا وارد جنگ شود و جنگ از محدوده اروپا خارج شد و جنبه جهانی پیدا کرد که طی آن بیش از ۲۰ میلیون نفر جان باختند و شهرهای بسیاری ویران شد.

با پایان جنگ جهانی دوم، امریکا در قالب طرح بازسازی اروپا یا "مارشال پلن" وارد اروپا شد و با در دست گرفتن سیستم اقتصادی و صنعتی کشورهای آسیب دیده، زمینه را برای مداخلات بیشتر در آینده مهیا کرد. به همین جهت، صنایع این کشور توانست صنایع مشابه کشورهای دیگر را حتی در بازارهای داخلی آنها تحت الشعاع قرار دهد. این برتری اقتصادی منجر به برتری سیاسی، فرهنگی، و نظامی امریکا نیز گردید.

سنگ بنای مداخله سیاسی امریکا در جهان نیز در این دوره بنا نهاده شد. با تأسیس سازمان ملل متحد بعد از جنگ، امریکا با بدست آوردن حق وتو در این سازمان برتری و زمینه مداخله آشکار در امور جهانی را ایجاد نمود. تنها تهدیدکننده جدی منافع امریکا در این دوره، اتحاد جماهیر شوروی بود و از این زمان دوره معروف به جنگ سرد بین این دو قدرت در دنیا آغاز شد و جهان به دو قطب و بلوک شرق و غرب تقسیم شد. در این زمان امریکا با انعقاد پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) حضور نظامی خود را در امریکای شمالی و اروپای غربی

تثبیت کرد و با مداخله در استقرار پلیس سازمان ملل در شبه جزیره کره، در این منطقه نیز حضور یافت که بحران های دوکره در سالهای بعد متأثر از آن بود.



همچنین از سال ۱۹۴۷ و اشغال فلسطین، عملاً مرکز نفوذ صهیونیسم به ایالات متحده انتقال یافت و امریکا حمایت های آشکار خود را از اسرائیل به طرق مختلف از قبیل (حمایت های سیاسی، مالی و نظامی - و تو قطعنامه ها علیه اسرائیل - طرح قیومیت برای فلسطین و ...) آغاز کرد.»



کودتای ۲۸ مرداد

تشکیل ساواک

قتل عام ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور

حمله به هواپیمای مسافربری ایران

حمایت از صدام در جنگ تحمیلی

ترور دانشمندان و نخبگان

تحریم ۳۵ ساله ی ایران

ظلم‌های آمریکارا

نه فراموش می کنیم...

نه می بخشیم...

کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه

دوره سوم: آغاز نیمه دوم قرن بیستم تا سال ۱۹۸۹ (دوره جنگ سرد)

۱۹۶۱-۱۹۵۳ (دوایت آیزنهاور Dwight D. Eisenhower) از حزب

جمهوری خواه

* در سال ۱۹۵۳ بعد از طرح کودتا در ایران، مقامات انگلیس و سرویس جاسوسی ام.آی.۶ موفق به جلب حمایت آیزنهاور برای کودتا در ایران می شوند. پس از به قدرت رسیدن جمهوریخواه ها، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹ اوت ۱۹۵۳) در ایران انجام می گیرد و دولت دکتر محمد مصدق، نخست وزیر ایران که صنعت نفت ایران را ملی کرد، با پشتیبانی سیا و رئیس جمهور وقت امریکا، ساقط می شود و شاه دوباره به قدرت باز می گردد و زمینه برای سرکوب اعتراضات مردمی (در ۲۵ سال بعد از کودتا) فراهم می شود که طی آن هزاران نفر در دوران سرکوب کننده حکومت شاه و ساواک، کشته شدند.

* در ژوئیه ۱۹۵۴ دولت مردمی (جاکوبو آربنز) در گواتمالا، که املاک اتحادیه بزرگ چند ملیتی را ملی کرده بود، توسط سازمان سیا و در دوران ریاست جمهوری آیزنهاور سرنگون شد. این اتحادیه بزرگ چند

ملیتی تمام زمین های کشاورزی را در دست داشتند. تخمین زده شده است که حدود ۱۲۰،۰۰۰ نفر روستائی گواتمالائی در دوران دیکتاتوری نظامی ایجاد شده کشته شدند. این دومین کودتای سازمان سیا و دولت جمهوریخواه امریکا در دو سال پی در پی بود. امریکا تا سال ۱۹۶۰ در گواتمالا ماند.

* در سال ۱۹۵۶ امریکا در بحران کانال سوئز، مداخله کرد.

* در سال ۱۹۵۷ ایالات متحده به نیروی دریایی برای مداخله در هائیتی و سرکوبی اغتشاشات داخلی آماده باش داد.

در ژوئیه سال ۱۹۵۸، نیروی دریایی ارتش امریکا لبنان را به اشغال خود در آورد.

* در سال ۱۹۵۹، امریکا در جنگ بین چین ملی و جمهوری دموکراتیک خلق چین مداخله نمود.

* در سال ۱۹۵۹، امریکا به پاناما تجاوز نظامی کرد.

* در سال ۱۹۶۰، ایالات متحده همچنین در جنگ های داخلی لائوس مداخله نمود و تا سال ۱۹۶۳ در لائوس حضور نظامی داشت.

* در اواخر سال ۱۹۶۰، امریکا با فرستادن ۲۰ هزار سرباز، قسمت هایی از جمهوری دومینیکن را اشغال کرد که تا سال ۱۹۶۵ ادامه داشت.

* در سال ۱۹۶۰ امریکا جنگ خود را با ویتنام شروع کرد. (این جنگ طولانی ترین و پرهزینه ترین جنگ امریکا بود که تا سال ۱۹۷۵ بطول انجامید.)

۱۹۶۳-۱۹۶۱ جان اف کندی (John F. Kennedy) از حزب دمکرات (۱)
* در اگوست ۱۹۶۱، دیوار برلین، آلمان را به دوبرخش غربی و شرقی تحت نفوذ امریکا و شوروری تقسیم کرد (که بمدت ۲۸ سال ادامه داشت).

* از سال ۱۹۶۱، آمریکا کوبا را تحت تحریم اقتصادی قرار داد که به وابستگی اقتصاد این کشور به شوروی منجر شد.

* در سال ۱۹۶۲، امریکا مجدداً گواتمالا را به دخالت نظامی تهدید کرد.

* در سال ۱۹۶۲، ایالات متحده به نیروهای خود آماده باش داد و در پی آن در تایلند حضور نظامی پیدا کرد.

* در پاییز سال ۱۹۶۲، ایالات متحده پس از محاصره دریایی کوبا، به شوروی هشدار داد تا از استقرار موشک های میان برد در خاک این کشور خودداری کند و تهدید کرد که در صورتی که این خواست برآورده نشود، به توقیف کشتی های روسی حامل موشک های میان برد و اشغال خاک کوبا مبادرت خواهد ورزید و بحران اتمی بین دو قطب پدید آمد.

همچنین در دوران ریاست جمهوری کندی بود که به شاه ایران فشار آورده شد تا اصلاحاتی را در ایران انجام دهد. به همین دلیل علی امینی را برای سمت نخست وزیری به شاه تحمیل کردند. شاه ایران زیر فشار کابینه کندی مجبور شد دست به تغییراتی بزند که به انقلاب سفید معروف شد. همان انقلابی که طرفداران حکومت پهلوی آن را بزرگترین دستاورد حکومت محمد رضا شاه می دانند.

۱۹۶۳-۱۹۶۹ لیندون جانسون (Johnson Lyndon) از حزب دموکرات

* در سال ۱۹۶۳ آمریکا بطور غیر مستقیم و با همکاری سربازان بلژیکی و در امور کنگو مداخله کرد و با کمک عوامل داخلی چون (موسی چومبه)، رئیس جمهور کنگو (پاتریس لومومبا) را به قتل رسانده و دولت کنگو را سرنگون کردند.

* در سال ۱۹۶۳، ایالات متحده، اندونزی و فیلیپین را تهدید به حمله نظامی نمود و به ارتش آماده باش داد.

* در سال ۱۹۶۴، آمریکا با حمله مجدد به پاناما این کشور را اشغال کرد.
* در آگوست ۱۹۶۴، ایالات متحده به ویتنام شمالی حمله کرد و آنجا را اشغال نمود.

* در سال ۱۹۶۵، آمریکا با مداخله در اندونزی، در این کشور کودتا کرد.

* حین جنگهای اعراب و اسرائیل، در سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳، آمریکا کمک های فراوان نظامی و مالی به اسرائیل کرد.

مرگ بر آمریکا

دولت آمریکا در هیچ کشوری،
میان هیچ ملتی، یک وجهه‌ی عمومی ندارد.

«مرگ بر آمریکا» دیگر جزو شعارهای اختصاصی ملت ایران نیست؛

در بسیاری از کشورها گفته می‌شود.

کتاب هشتم به ۹۱۹ صفحه — ناصر کاوه

* در سال ۱۹۶۷، امریکا مداخله سیاسی در امور یونان، به روی کار آمدن سرهنگان در این کشور کمک شایانی نمود.

۱۹۶۹-۱۹۷۴ ریچارد نیکسون (Richard M. Nixon) از حزب جمهوری خواه (۲)

(دوره ریاست جمهوری نیکسون یکی از مهمترین و پرفراز و نشیب ترین دوره های تاریخی امریکاست؛ چراکه در این دوره بیشترین کودتا در زمان یک رئیس جمهور، (تقریباً هر سال یک کودتا) طراحی و انجام شد و کادر رهبری امریکا به چیزی جز مداخله نظامی و جنگ نمی اندیشید و نهایتاً با افتضاح سیاسی و اترگیت، نیکسون مجبور به استعفا شد.)

* در سال ۱۹۶۹ زمانی که آتش جنگ ویتنام به کامبوج هم سرایت کرد، نیکسون ارتش امریکا را به کامبوج فرستاد.

* در سال ۱۹۷۱، امریکا از کودتای بولیوی حمایت و آنرا رهبری کرد.

* سال ۱۹۷۲ یکی از شگفت انگیزترین و ماندگارترین فصل ها در تاریخ سیاسی امریکا است. در این سال دو روزنامه نگار جوان واشینگتن پست بنام های باب وودوارد (Bob Woodward) و کارل برنشتاین (Carl Bernstein) جاسوسی سیاسی نیکسون و حزب جمهوریخواه را بر علیه حزب دمکرات کشف و بر ملا کردند. اکنون که مجموعه ای نزدیک به ۵۰۰ ساعت نوار از صحبت های نیکسون در آرشیو ملی امریکا برای استفاده عموم موجود است، نکات تازه و حیرت آوری در ۶ ماهه نخست سال ۱۹۷۲ در مذاکرات او با وزرا و مشاورانش بر ملا شد.

در بخشی از مذاکرات بین نیکسون و هنری کسینجر، مشاور امنیتی کاخ سفید، در باره نحوه پیگیری جنگ ویتنام، ریچارد نیکسون می گوید: "من ترجیح می دهم از بمب اتمی استفاده شود."

* در ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۷۳ دولت منتخب و مردمی سالوادور آلنده در شیلی، توسط کودتای نظامی که توسط سازمان سیا طراحی و کمک

شد، سرنگون شد. آینده کشته و بیش از ۳۰،۰۰۰ نفر در خشونت های بعدی کشته شدند. پینوشه دیکتاتور نظامی بر سر کار آمد و بیش از ۲۵ سال با استبداد و دیکتاتوری در شیلی حکومت کرد.

* در سال ۱۹۷۳، امریکا با اجرای کودتای نظامی در اروگوئه، دولت این کشور را سرنگون کرد.

* در سال ۱۹۷۴، با مداخله مستقیم سازمان سیا، امریکا علیه (مارکیوس) در قبرس کودتا و وی را سرنگون کرد.

(ریچارد نیکسون برای فرار از محاکمه و مجازات جریان جاسوسی سیاسی، که به واترگیت معروف شد، در ۸ اوت ۱۹۷۴ استعفا داد. و جرال د فورد جای او را گرفت.)

* در سال ۱۹۶۷، امریکا، اتیوپی را به مداخله نظامی تهدید کرد و به ارتش آماده باش داد.

* در تابستان ۱۹۷۶، امریکا همچنین کمک های زیادی به فرانسه برای سرکوبی قیام مردم (شابا) در کشور زئیر نمود.

۱۹۷۷-۱۹۸۱ جیمی کارتر (Jimmy Carter) از حزب دمکرات

(کارتر با شعار برقراری حقوق بشر در جهان در مبارزات انتخاباتی علیه جerald فورد، که بعد از استعفای ریچارد نیکسون در پی رسوایی واترگیت رئیس جمهور شده بود، به پیروزی رسید. شاه ایران نیز که از پیروزی جیمی کارتر احساس نگرانی می کرد، با وجود کمک های مالی فراوان به فورد نتوانست مانع پیروزی جیمی کارتر شود.)

* در سال ۱۹۷۸، ایالات متحده با دخالت در امور ایران، ارتشبد ازهاری را به امید جلوگیری از سقوط رژیم پهلوی در ایران بر روی کار آورد.

* در سال ۱۹۸۰، امریکا در کره جنوبی کودتای نظامی ایجاد کرد.

* در سپتامبر ۱۹۸۰ نیز امریکا، کودتای نظامی در ترکیه را رهبری کرد.

* در ماه می ۱۹۸۰، با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و در پی آن اشغال سفارت امریکا، ایالات متحده برای آزادی گروگان ها، اقدام به دخالت نظامی در ایران نمود که در طبس با شکست مواجه شد.



مرگ بر آمریکا

این شعار «مرگ بر آمریکا»ی شما، دارای یک پشتوانه و عقیده منطقی و قوی است. معلوم هم هست که مراد از «مرگ بر آمریکا»، مرگ بر ملت آمریکا نیست، یعنی مرگ بر سیاستهای آمریکا؛ مرگ بر استکبار؛ معنایش این است.

بیانات امام خمینه‌ای منظره‌العالی در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۴/۰۸/۱۳



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

۱۹۸۱-۱۹۸۹ رونالد ریگان (Ronald Reagan) از حزب جمهوری خواه

* در سال ۱۹۸۱، بعد از به قدرت رسیدن رونالد ریگان، با تحریکات کابینه او ارتش عراق به رهبری صدام حسین به ایران حمله کرد و جنگ ۸ ساله را به مردم ایران تحمیل کرد. در طول ۸ سال جنگ تحمیلی، کمک های نظامی و اطلاعاتی کابینه ریگان به عراق باعث طولانی شدن جنگ و کشته شدن بیش از یک میلیون نفر از هر دو طرف شد.

* از سال ۱۹۸۲، با حمایت ریگان، انواع تجهیزات از قبیل: کامپیوتر، ماشین های نظامی، مواد شیمیایی با استفاده دوگانه، از طریق کمپانی های مختلف امریکایی داخل و خارج از کشور در اختیار صدام حسین گذاشته شد. (این تکنولوژی ها و مواد در ساخت بمب های شیمیایی و استفاده از آن در جنگ با ایران توسط عراق بکار گرفته شد.)

* در سال ۱۹۸۱، سازمان سیا و ارتش امریکا در جنگ دولت دست نشانده خود در السالوادور به مقابله با انقلابیون پرداختند. این جنگ تا سال ۱۹۹۲ ادامه داشت.

* در سال ۱۹۸۱، سیا در جنگ کنترها در مقابل ساندینیست ها، با کمک های مالی و نظامی به حمایت کنترها بر آمد. این پشتیبانی ۹ سال به طول انجامید.

* در سپتامبر سال ۱۹۸۲ و در پی ترور (بشیر جمایل) رئیس جمهور دست نشانده امریکا در لبنان، نیرو های امریکایی وارد لبنان شدند تا هم از منافع امریکا دفاع کنند و هم از نیروی اشغالی اسراییل به رهبری آریل شارون دفاع و پشتیبانی شود. در همین سال بیروت به اشغال نیروهای امریکا در آمد و نیروهای سازمان آزادیبخش فلسطین از بیروت اخراج شدند.

* در اکتبر ۱۹۸۳ ارتش امریکا، گرانادا را که یک کشور کوچک دریای کارائیب است، بعد از روی کار آمدن دولت چپ گرا در آن کشور، به بهانه نجات چند دانشجوی امریکایی اشغال کردند. در صورتی که

دانشجویان بعدها گفتند که به کمکی احتیاج نداشتند. علت این حمله جلوگیری از قدرت یافتن حکومت طرفدار شوروی و کوبا در گرانادا بود.

* در سال ۱۹۸۴ جنگنده های آمریکا، ۲ هواپیمای نظامی ایران را در جنگ ایران و عراق سرنگون کردند.

* در سال ۱۹۸۶ دادگاه بین المللی لاهه به این نتیجه رسید که آمریکا قوانین بین المللی را در مورد استفاده غیر قانونی قدرت در نیکاراگوئه را نقض کرده است. سازمان ملل متحد با رای ۹۴-۲ از آمریکا خواست به رای صادره احترام گذاشته و آن را اجرا کند (آمریکا و اسرائیل رای منفی دادند) و آمریکا از انجام آن سر باز زد.

* در ۱۴ آوریل ۱۹۸۶ نیروی هوایی آمریکا به ۵ پایگاه نظامی لیبی در نزدیکی تریپلی و بنغازی حمله کرد. هدف از این حمله تنبیه قذافی و جلوگیری از عملیات تروریستی توسط لیبی اعلام شد.

* در سال ۱۹۸۷، ایالات متحده به بهانه حفاظت از نفت کش های کویتی در خلیج فارس حضور یافت و با نصب پرچم آمریکا بر روی نفت کشهای کویتی، در این منطقه به مداخله پرداخت.

* در ۳ جولای ۱۹۸۸ نیروی دریایی امریکا از روی ناو وینسنس با موشک هواپیمای مسافربری ایران ایر را بر فراز خلیج فارس سرنگون کرد. در این حادثه ۲۹۰ نفر مسافر هواپیما جان خود را از دست دادند.

همچنین می توان از دخالت های متعدد نظامی امریکا در السالوادور، نیکاراگوئه، گواتمالا و افغانستان یاد کرد که در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان به وقوع پیوست.

«در طول این دوره که مقارن با جنگ سرد میان دو بلوک شرق و غرب به رهبری امریکا و شوروی بود، ایالات متحده با انعقاد قراردادهای مختلف نظامی و سیاسی زمینه های حضور هرچه بیشتر خود در جهان و مداخله در امور کشورها را تثبیت کرد.

این معاهدات همچنین باعث تفوق قدرت اقتصادی امریکا در جهان شد. در این دوره همچنین امریکا در رقابت هسته ای با شوروی قرار گرفت. از طرفی ایالات متحده با انعقاد قرارداد یالتا با شوروی که مدت ۴۰ سال دوام پیدا کرد، عملاً در پی برتری بر شوروی و دیگر کشورها بود، اما در دهه ۱۹۶۰ دو مشکل در نظام دو قطبی ایجاد شد.



گسترش حقوق بشر با بمب اتم!

آمریکایی‌ها هم می‌گویند ما رسالت داریم در دنیا حقوق بشر و دموکراسی را توسعه دهیم. راه گسترش دموکراسی، کاربرد بمب اتم در هیروشیماست؟! توپ و تانک و جنگ افروزی و کودتاگری در امریکای لاتین و آفریقا است؟! امروز هم در خاورمیانه این همه دغل بازی و فریب‌گری و ظلم و جنایت به چشم می‌خورد.

باین وسایل می‌خواهند حقوق بشر و رسالت جهانی‌شان را گسترش دهند!

کتاب

۳۰۳/۸۰

کتاب

اول اینکه اروپای غربی و ژاپن در نتیجه احیای اقتصادی در جایی قرار گرفتند که می توانستند در امور جهانی خود در مقابل امریکا ایستادگی نمایند. دوم چندین کشور از جمله چین، الجزایر، کوبا، و مخصوصاً ویتنام توانستند با موفقیت موافقتنامه یالتا را رد کنند. جنگ ویتنام فشار فوق العاده ای از نظر اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی بر امریکا وارد آورد که سرانجام منجر به شکست این کشور در جنگ و خارج شدن از ویتنام شد.

* در این راستا ایالات متحده در دهه ۱۹۷۰، تلاش کرد تا از کاهش قدرت تسط خود در امور بین المللی جلوگیری کند و لذا به سیاست "انعطاف پذیری چند جانبه" یا "Soft Multilateralism" روی آورد. این سیاست شامل سه بخش اصلی بود:

۱- ایالات متحده با ارائه طرح (شراکت) به اروپای غربی و ژاپن آنها را وادار کرد که سعی در استقلال سیاسی نکرده و به دنباله روی از ایالات متحده در دوران جنگ سرد ادامه دهند.

۲- ایالات متحده کوشش کرد که با مخالفت شدید با گسترش سلاح های کشتارجمعی (WMD) از برتری نظامی خود دفاع کند.

۳- ایالات متحده کوشش کرد که ایدئولوژی (توسعه طلبی) یا (Developmentalism) که در سال های ۱۹۶۰ بر جهان حکمفرما بود را به ایدئولوژی (نئولیبرالیسم جهانی) یا (Neoliberalism Globalization) تغییر بدهد تا بدین وسیله از تسلط اقتصادی خود دفاع نماید. سیاست انعطاف پذیری چند جانبه (انعطاف پذیری به این دلیل بود که ایالات متحده در مواردی که نمی توانست به هدفش دست یابد آمادگی داشت تا این سیاست را نادیده بگیرد) تا اندازه ای موفقیت بدست آورد. اروپای غربی و ژاپن با وجود اینکه کمتر زیر بار تسلط آمریکا رفتند ولی بطور کاملاً مستقل هم عمل نکردند. آمریکا توانست تعداد ۸ قدرت اتمی جهان را ثابت نگهدارد و نئولیبرالیسم نیز سیاست توسعه طلبی را از بین برده و سیاست های اغلب دولت های جهان را هم تغییر داد. این سیاست ها تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد توسط آمریکا بکارگیری می شد.

دوره چهارم: از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی تا پایان قرن بیستم
(نظم نوین جهانی)

۱۹۸۹-۱۹۹۳ جرج بوش (George Bush) از حزب جمهوریخواه

* در اولین سال حکومت جورج بوش پدر (۱۹۸۹)، طی عملیاتی با نام آرمان عادلانه (Operation Just Cause)، نیروهای ارتش امریکا، پاناما را به اشغال خود در آوردند. این اشغال به عنوان اینکه (نوریگا) کارتل مواد مخدر بوده و مواد مخدر را به امریکا وارد می کند انجام گرفت. این اشغال نظامی با سرپیچی و نادیده گرفتن قوانین بین المللی صورت گرفت. نوریگا به امریکا آورده شد و تحت محاکمه قرار گرفت و محکوم شد اما این دادگاه هیچ گاه علنی برگزار نشد. هدف اصلی امریکا حضور در کانال پاناما و جلوگیری از شکلگیری حک.متی ضد امریکایی در این منطقه بود.

* در دسامبر ۱۹۸۹، امریکا با پرواز هواپیماهای جنگی از حکومت (کورازون اکوینو) در برابر شورشیان نظامی فیلیپینی حمایت کرد و در فیلیپین نیز حضور یافت.



رهبر معظم انقلاب: آمریکا

شریک جرم قطعی

جنایت رژیم صهیونیستی در غزه است...

USA DEFINITE ACCOMPLICE IN ZIONISTS CRIMES IN GAZA

مرکز مطالعات و تحقیقات سیاسی
www.mpt.ac.ir
021-88000000

کتاب انتشار به یکه - ناصر کاوه

* در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ بعد از نشان دادن چراغ سبز به صدام حسین برای اشغال کشور همسایه (کویت)، کابینه بوش پدر به عنوان رها سازی و آزاد کردن کویت به عراق حمله ور شد. با اینکه در همان زمان می توانستند رژیم صدام حسین را سرنگون کنند، از انجام این کار خودداری نمودند. صدامی که همه جهانیان می دانستند که دستانش به خون مردم ایران و حتی مردم عراق، بخصوص شیعیان جنوب عراق، آغشته است، اما ایالات متحده تنها در قالب سلسله عملیات های (سپر صحرا) و (طوفان صحرا) ، تنها صدام را از کویت خارج کردند.

* در سال ۱۹۹۲، امریکا با عنوان حمایت از عربستان در برابر حمله عراق، وارد عربستان شد و در این کشور نیز حضور نظامی یافت.

* در دسامبر ۱۹۹۲، امریکا در عملیات (حفظ دموکراسی) یا (Operation Uphold Democracy)، در راستای حمایت از رئیس جمهور مخلوع سومالی (ژان برتراند آریستید)، وارد این کشور شد و به سرکوب مخالفان پرداخت.

* در اواخر ۱۹۹۲، امریکا همچنین در عملیاتی با نام احیای امید، با عنوان کمک های انسان دوستانه وارد سومالی شد و در امور این کشور مداخله کرد.

۱۹۹۳-۲۰۰۱ بیل کلینتون (Bill Clinton) از حزب دمکرات

(در زمان تصدی کلینتون از حزب دموکرات، مداخلات امریکا در بیشترین حد سیاسی در جهان صورت گرفت، که تبعات آن حتی در آغاز قرن بیست و یکم نیز مشاهده می شود).

امریکا در زمان کلینتون بارها به عنوان برقراری دمکراسی در افریقای جنوبی، مداخله نمود و به بحران های این منطقه دامن زد.

* در سال ۱۹۹۳، سازمان سیا، واحدی در درون خود بوجود آورد که وظیفه اش دخالت در انتخابات کشورهای دیگر است. در این واحد از جناح "باز" های آمریکا اسامی مهمی مانند: "پل ولفوویتز" (معاون وزیر دفاع) و "مارک گروسمان" (معاون وزیر خارجه) به چشم می خورد. این واحد که با نام "انتخابگران" معروف شدند مداخلات بسیاری را در

انتخابات دیگر کشورهای جهان خصوصاً کشورهای جهان سوم انجام داده و می دهند.

* در ۱۷ فوریه ۱۹۹۳ سازمان سیا با خرابکاری در هواپیمای ژنرال "اشرف بیتلیس" فرمانده کل ژاندارمری ترکیه، وی را که آشکارا مخالفت خود را با طرح ایجاد دولت کرد دست نشانده آمریکا در عراق اعلام کرده بود به قتل رساند.

* در سپتامبر ۱۹۹۳ آمریکا با فشار زیاد بر عرفات وی را مجبور به امضای قرارداد صلح با اسرائیل مجبور کرد.

* از سال ۱۹۹۴، آمریکا با دخالت در فعالیت های هسته ای کره شمالی، حضور سیاسی - نظامی خود را در شبه جزیره کره تثبیت کرد.

* در جولای ۱۹۹۴، آمریکا با فشار سیاسی اردن را مجبور کرد با اسرائیل قرارداد صلح امضاء کند.

* در سال ۱۹۹۵، (پس از سکوت سوال برانگیز آمریکا در مورد کشتارهای منطقه بالکان و نسل کشی توسط صرب ها از سال ۱۹۹۱)، آمریکا در کنار

دیگر نیروهای حفظ صلح وارد بالکان شد، اما پس از مدتی بشکل مبهمی از این منطقه خارج شد و عرصه را برای نسل کشی (خصوصاً مسلمانان بوسنی و هرزه گوین و کوزوو) فراهم نمود.

* در ژانویه ۱۹۹۵، قرار داد احداث خطوط لوله انتقال نفت و گاز به اروپای شرقی میان کشورهای ترکمنستان، ایران، ترکیه و قزاقستان و روسیه به امضا رسید و اولین خط لوله نفت بین ایران و ترکمنستان در دسامبر ۱۹۹۷ افتتاح شد که این امر با مخالفت آمریکا روبرو گردید و * در سال ۱۹۹۸ «صفر مراد نیازف» (رئیس جمهوری ترکمنستان)، با سفر به آمریکا با «بیل کلینتون» در این خصوص ملاقات و مذاکره کرد که نتیجه این مذاکره چیزی جز کارشکنی و مداخله آمریکا در این پروژه مهم نبود.

کلینتون تا پایان دوره ریاست جمهوری‌اش، با توجه به وضعیت مطلوب اقتصادی آمریکا در آن زمان، کمک های بسیار مالی و نظامی به اسرائیل کرد و از این رژیم حمایت کرد.



مرگ بر آمریکا

مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر ترامپ و جان بولتون و پمپئو! مرگ بر اینها یعنی مرگ بر سردمداران؛ ما به مردم آمریکا کاری نداریم؛ مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر شما چند نفر و آن گروهی که دارید اداره میکنید کشورتان را، مراد این است؛ حالا در این دوره اینها هستند، در دوره‌ی دیگر هم دیگران؛ بحث ملت آمریکا نیست. ثانیاً تا وقتی که دولت آمریکا و رژیم آمریکا همین شرارت، همین دخالت، همین خباثت، همین رذالت را در اعمال خودش دارد، این مرگ بر آمریکا از دهان ملت ایران نخواهد افتاد...

۱۳۹۷/۱۱/۱۹

* در سال ۱۹۹۹، در جریان کودتای نظامی «پرویز مشرف» در پاکستان، حمایت ها و نقش آمریکا در حذف تحریم اقتصادی علیه پاکستان کاملاً محسوس بود.

* در سال ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹، آمریکا با صرف صدها میلیون دلار و بکار گرفتن صدها کارشناس، روزنامه نگار، استاد دانشگاه، مفسر سیاسی و تبلیغات شبانه روزی توانست حکومت اسلامی طرفدار خود را در ترکیه روی کار بیاورد. همچنین در این دوره آمریکا با برقراری تحریم های اقتصادی بر علیه ایران و تصویب بودجه خرابکاری و براندازی علیه حکومت جمهوری اسلامی، در امور ایران دخالت کرد.

* سرانجام با فروپاشی دیوار برلین در ۹ نوامبر ۱۹۸۹ و شنیده شدن صدای درهم شکستن کمونیسم، جنگ سرد نیز به پایان خود نزدیک شد تا با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اکتبر ۱۹۹۱، آمریکا عرصه را برای گسترش هژمونی و یکجانبه گرایی، تحت سیاست (نظم نوین جهانی) فراهم دید. این سیاست توسط بوش پدر پایه ریزی و دنبال

شد و طی آن ایالات متحده در بسیاری از مناطق جهان به مداخله سیاسی و نظامی پرداخت، بدون آنکه با تهدید کننده جدی روبرو باشد.

* در دهه ۱۹۹۰ مقاومت هایی در برابر سیاست های یکجانبه گرایانه امریکا در جهان آغاز شد. از هم پاشیده شدن شوروی باعث گردید که اروپای غربی و ژاپن انگیزه باقیماندن در حلقه نفوذ امریکا را از دست بدهند. جنگ خلیج فارس در خاورمیانه هر چند با شکست نظامی صدام حسین تمام شد ولی در هنگام بازگشت نیروهای امریکا برنده یا بازنده در این جنگ مشخص نبود. التهاب جهانی گرائی رو به افول نهاده بود و مخالفت ها در سطح جهان به طور جدی شروع شده بود: شورش (چیپاس) Chiapas در سال ۱۹۹۴ در اولین روز رسمی شدن قرار داد (نفتا) NAFTA ، این قرارداد را با چالش جدی مواجه کرد و تظاهرات سیاتل در ۱۹۹۹، باعث مختل شدن اجلاس سازمان تجارت جهانی WTO شد، همچنین باعث شروع یک سری از اینگونه مقاومت ها بود، آغاز بکار مجمع جهانی جامعه گرایان World Social Forum در (پورتو آلگره) Porto Alegre در پایان قرن بیستم، که

به سرعت بصورت رقیبی برای (مجمع جهانی اقتصادی) World Economic Forum در (داوس) Davos که ساختار اصلی نئولیبرالیسم می باشد از جمله این مقاومت ها بود.

از طرفی اتحادیه اروپا نیز که در دل جنگ سرد متولد شده بود، اکنون قدرت می یافت و در برابر امریکا خصوصاً در اروپا قدم علم کرده و مانعی جدی برای یکجانبه گرایی و مداخلات امریکا بحساب می آمد.

در این دوره، خاورمیانه برای ایالات متحده اهمیت زیادی پیدا کرد و نیروهای امریکایی همواره در این منطقه استراتژیک حضور داشتند و آمریکا در اکثر وقایع خاورمیانه به لحاظ سیاسی و نظامی، نقش یک وتو کننده را بازی کرد. از آنجایی که کشورهای خاورمیانه و همسایگان آنها علاوه بر تلاش در حفظ منافع ملی خود، همواره منافع کشورهای مصرف کننده نفت و یا طرفهای قرارداد خویش را نیز تا حدودی مورد توجه قرار می دهند، ورود آمریکا به هریک از رویدادها با نیت جلوگیری از ایجاد و تحکیم قدرت موازی خویش و با مداخله در اکثر جریانات، نقش موثری در تبدیل و تغییر آنها ایفا کرد.»



مرکزِ بمریسیا

پیام خون شهیدان ۱۶ آذر ۱۳۳۲

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

بوش در قسمتی از سخنانش در آغاز قرن بیست و یکم می گوید: آمریکا ملتی است که رهبری جهان را به عهده دارد. تنها ملتی با وظیفه ای ویژه. قرن بیستم، «قرن امریکا» لقب گرفت؛ چون ما در جهت بهروزی بشر، فرمانروای جهانیم. ما اروپا را نجات داده ایم، فلج اطفال را علاج کرده ایم، کره ماه را تسخیر کرده ایم و با فرهنگ خود جهان را روشن ساخته ایم. امروز در آغاز قرن بیست و یکم ایستاده ایم. به نام کدام ملت این قرن نامیده خواهد شد؟ من فکر می کنم به نام امریکا. ما هنوز به پایان کار خود نرسیده ایم و نیروی مان هنوز ته نکشیده است. پس از بررسی مداخلات جهانی امریکا و تبعات آن در قرن بیستم در دو بخش قبلی، نگارنده در این بخش سعی دارد به بررسی این روند از آغاز قرن بیست و یکم تحت رهبری جرج دبلیو بوش بپردازد:

مداخلات ایالات متحده در جهان از آغاز هزاره سوم و قرن بیست یکم اگر چه تداوم سیاست قبلی این کشور در قرن بیستم بود، اما وارد فصل جدیدی شد. در این دوره، در سال ۲۰۰۱ هنگامیکه جرج واکر بوش از

حزب جمهوریخواه به ریاست جمهوری رسید، به همراه خود تیمی از روشنفکران نئولیبرالسم و گردن کشان نظامی و راستگرایان مذهبی داشت که هدفشان بریدن از سیاست انعطاف پذیری چند جانبه ای بود. سیاستی که از زمان ریچارد نیکسون تا بیل کلینتون حکمفرما بود. این گروه لیوان آب را تا نیمه پر نمی دیدند، بلکه آنرا با نیمه خالی می دیدند. این گروه، دلیل افول قدرت ایالات متحده را عوامل ساختاری در جهان نمی دانستند، بلکه آنرا ضعف رهبری در ریاست جمهوری ایالات متحده می دیدند و در این مورد حتی دیک چینی، ریگان را هم بخاطر بازگشت نیروهای نظامی از لبنان در سال ۱۹۸۲ شامل ضعف رهبری می دانست. به نظر این گروه آمریکا می تواند تسلط و قدرت محض و بدون چون و چرای خود را بار دیگر از طریق نشان دادن قدرت عظیم نظامی و ترجیحاً یکطرفه بدست آورد.

به عبارت دیگر، جرج دبلیو بوش، پس از یک قرن مداخلات مستقیم و غیر مستقیم سیاسی و نظامی ایالات متحده در جهان که مقارن با ریاست جمهوری ۱۶ نفر از هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه نیز بود،

به عنوان هفدهمین رئیس جمهور، وارث هژمونی امریکا شد و همانطوری که در بخش قبلی تحلیل تبیین شد، سالهای آخر قرن بیستم مصادف با شکل گیری موج نوینی از احساسات و اقدامات ضد امریکایی در جهان بود که در آغاز دولت بوش پسر و جهت گیری های نئومحافظه کارانه وی و تیم اجراییش، ایالات متحده را با چالش های اساسی در عرصه بین المللی روبرو می ساخت.

بوش در قسمتی از سخنانش در آغاز قرن بیست و یکم و زمان ریاست جمهوریش می گوید: آمریکا ملتی است که رهبری جهان را به عهده دارد. تنها ملتی با وظیفه ای ویژه. قرن بیستم، «قرن امریکا» لقب گرفت؛ چون ما در جهت بهروزی بشر، فرمانروای جهانیم. ما اروپا را نجات داده ایم، فلج اطفال را علاج کرده ایم، کره ماه را تسخیر کرده ایم و با فرهنگ خود جهان را روشن ساخته ایم. امروز در آغاز قرن بیست و یکم ایستاده ایم. به نام کدام ملت این قرن نامیده خواهد شد؟ من فکر می کنم به نام امریکا. ما هنوز به پایان کار خود نرسیده ایم و نیروی مان هنوز ته نکشیده است.



Downing by I.R.IRAN...

کتاب هستاد به یک _ ناصر کاوه

از طرفی حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، چراغ سبز را برای بوش و تیم نظامیش روشن کرد و او را مطمئن کرد که در جامه «ریاست جمهور زمان جنگ» به بهترین وجه می تواند به اهداف سیاسی خود برسد و بعنوان هفدهمین سرباز، جهانی سازی به رهبری ایالات متحده را متحقق کند.

استدلال نومحافظه کاران ها در ارتباط با جایگاه امریکا در جهان قرن بیست و یک بسیار ساده انگارانه بود. آنها می پنداشتند ایالات متحده موفق می شود که عراق را خرد و له نماید، اروپا و ژاپن را مقهور کند و هرگونه فکر استقلال سیاسی را از سر آنها بیرون کند و در پی آن تمام قدرت های بالقوه اتمی دچار ترس شده و عقب می نشینند.

چین و قدرت های اقتصادی بناچار تابع قواعد اقتصاد نوین امریکا شده و در جهان مسلمان ها و عرب ها به سرعت حکام دست نشانده امریکا بر سر کار می آیند و نئولیبرالیسم بدون برخورد یا مقاومتی بسرعت پیروز می شود.

دراین راستا، محافظه کاران جدید، بدون توجه به عواقب و تبعات اقدامات خود، مداخلات خود را در عرصه های گوناگون جهان با سرعت گسترش دادند و طی بسیاری از قوانین داخلی کشورها و قوانین بین المللی و حتی حقوق بشر نقض و مورد تعرض واقع شد.

لذا، پس از بررسی مداخلات جهانی امریکا و تبعات آن در قرن بیستم در دو بخش قبلی، نگارنده در این بخش سعی دارد به بررسی این روند از آغاز قرن بیست و یکم تحت رهبری جرج دبلیو بوش بپردازد.

در این رابطه به برخی از مهمترین مداخلات امریکا از زمان ریاست جمهوری بوش در سال ۲۰۰۱، اشاره می شود:

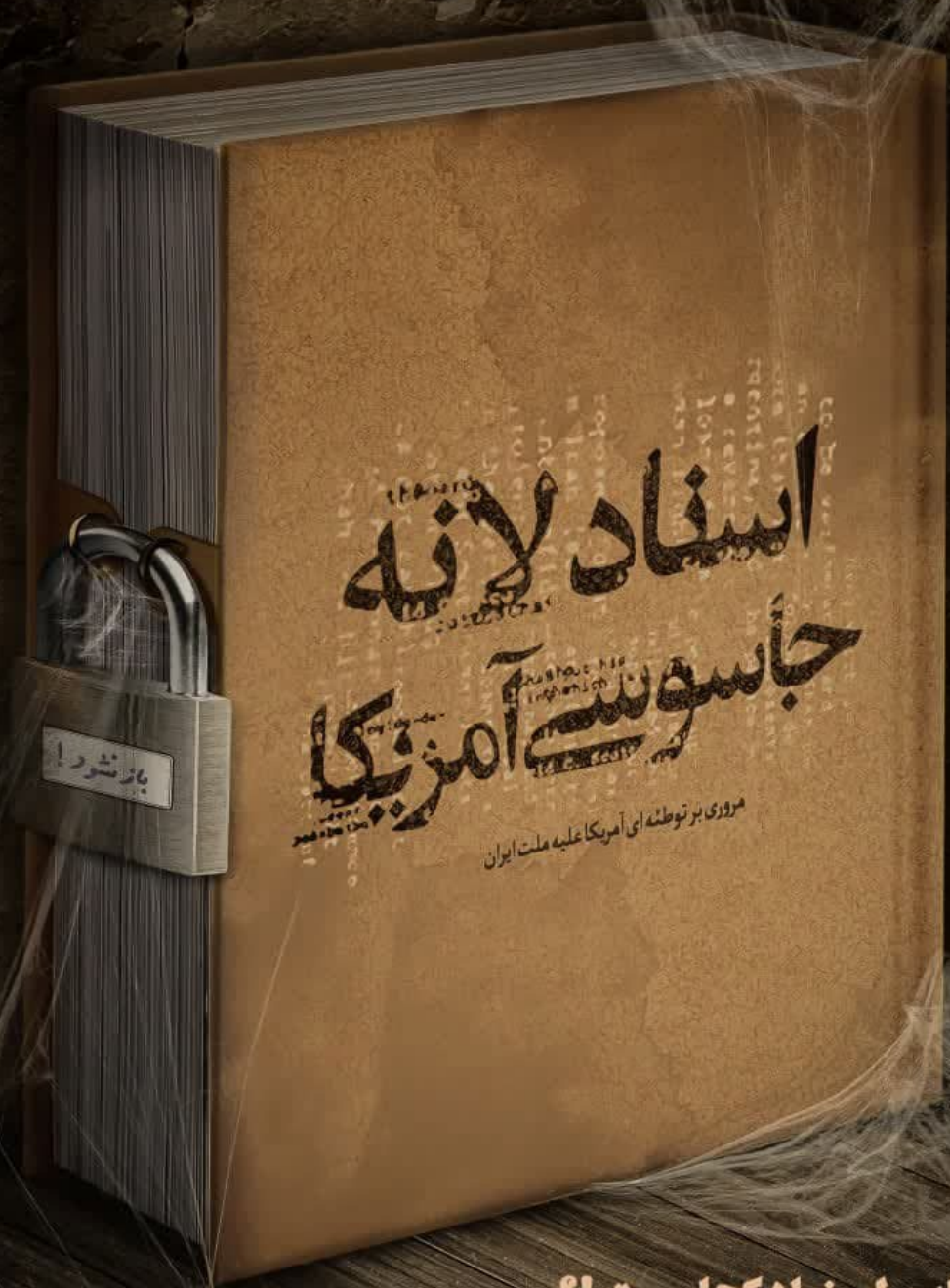
۲۰۰۱- تاکنون George W. Bush از حزب جمهوریخواه

* در فوریه ۲۰۰۱، امریکا از پیوستن به ۱۲۳ کشور جهان در مورد منع استفاده از بمب ها و مین های ضد پرسنلی، خودداری نمود.

* در آوریل ۲۰۰۱، نماینده امریکا در کمیته حقوق بشر سازمان ملل انتخاب نشد. به همین دلیل امریکا از پرداخت حق عضویت باقی مانده قبلی خود به سازمان ملل که بالغ بر ۲۴۴ میلیون دلار بود، سرباز زد.

* در می سال ۲۰۰۱ جورج بوش، گفتگو با اتحادیه اروپا را برای بحث درباره کم کردن و کنترل دولتی نسبت به جاسوسی های اقتصادی، استراق سمع های تلفنی و کنترل ایمیل های شخصی و فاکس ها را نپذیرفت.

* در جولای ۲۰۰۱، امریکا تحت رهبری جورج بوش از قرارداد سال ۱۹۷۲ منع تولید و استفاده از سلاحهای بیولوژیکی و شیمیایی که به امضاء ۱۴۴ کشور جهان رسیده بود، خارج شد. در همین زمان امریکا بدون ارائه هیچگونه سند و مدرکی کشورهای عراق، ایران، کره شمالی، لیبی، سودان و سوریه را به نقض همین کنوانسیون متهم کرد.



این اسناد کجاست؟!

چرا هیچ نشانی از مضامین برگزیده این کتاب‌ها در مجموعه مدارس ما، دبیرستان های ما، دانشگاه‌های ما نیست؟ چرا؟ این یکی از اعتراض‌های من است. وزیر محترم آموزش و پرورش؛ چرا اینها را داخل کتاب‌های درسی قرار نمی‌دهید؟

مهرماه انقلاب، ۱۳۹۵/۸/۱۲

*در جولای ۲۰۰۱، ایالات متحده با طرح بین المللی استفاده از انرژی پاک که توسط کشورهای گروه ۸ (G8)، تهیه شده بود، مخالفت کرد.

*در سپتامبر ۲۰۰۱، امریکا از کنفرانس بین المللی ضد نژاد پرستی که در آفریقای جنوبی با شرکت ۱۶۳ کشور در جریان بود، خارج شد.

* در ۷ اکتبر ۲۰۰۱، پس از وقایع ۱۱ سپتامبر، نیروهای امریکایی تحت عنوان مبارزه با تروریسم و ریشه کردن سازمان القاعده، به رهبری اسامه بن لادن، به افغانستان حمله کردند و تا کنون در آنجا حضور دارند. (جالب اینکه اسامه بن لادن در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان و جورج بوش پدر به عنوان "جنگجویان آزادی" نامبرده می شد و کمک های مالی و تسلیحاتی دریافت می کرد. در عوض با اینکه از ۱۹ نفر هواپیما ربایان، ۱۵ نفر آنها تبعه عربستان سعودی بودند، بدلیل روابط خانوادگی آل سعود با خانواده بوش و منافع اقتصادی عظیم آنها با عربستان، کوچکترین واکنشی نسبت به این کشور نشان داده نشد.)

*در دسامبر ۲۰۰۱، کابینه جرج بوش از قرارداد سال ۱۹۷۲ منع تولید سلاح های قاره پیما نیز خارج شد.

* در دسامبر ۲۰۰۱، همچنین کابینه بوش خواهان استثناء نمودن محاکمه رهبران سیاسی و پرسنل ارتش امریکا از دادگاه بین المللی جنایات جنگی شد. این قرارداد در جولای سال ۱۹۹۸ در (رم)، با قبول ۱۲۰ کشور جهان بوجود آمد. (امریکا امروز دیگر عضو دادگاه بین المللی علیه بشریت نیست). * در سال ۲۰۰۱، دولت بوش با لغو قرارداد کیوتو که برای جلوگیری از گرمایش جهانی یا (Global warming)) بوجود آمده بود، امریکا را از این پیمان محیط زیست جهانی خارج نمود.

* در سال ۲۰۰۱ شورای عمومی سازمان ملل متحد طرحی را تصویب کرد که به تحریم امریکا علیه کوبا پایان داده شود. این طرح با ۱۶۷ رای موافق و ۳ رای مخالف (امریکا، اسرائیل و جزایر مارشال) به تصویب رسید. کابینه بوش آنرا نادیده گرفت و هیچگاه به اجرا نگذاشت و با این اقدام گام دیگری را در جهت بی اعتبار نمودن سازمان ملل برداشت.

*در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۲، امریکا ایران را در کنار عراق و کره شمالی، (محور شیطانی) قلمداد کرد و از کشورهای دیگر خواست در روابط خود با این ۳ کشور، تجدید نظر کنند.

* در آوریل ۲۰۰۲ کابینه بوش انجام کودتا را در ونزوئلا بر علیه (هوگو چاوز) رئیس جمهور این کشور صادر کرد. بعد از ۲ ماه اعتصابات سراسری مردم در طرفداری از هوگو چاوز و محکوم شدن کودتا از طرف ۱۹ کشور امریکای لاتین، کودتا با شکست مواجه شد و چاوز به قدرت بازگشت. امریکا عقب نشینی کرد، ولی به کمک های مالی خود به مخالفان چاوز به رهبری (پدرو کارمونا) یکی از کارتل های نفتی، ادامه داد. و خواستار رفراندوم برای تأیید و یا نفی چاوز شد. (این رفراندوم در ۱۵ اوت ۲۰۰۴ برگزار شد و ۵۸ % مردم دوباره چاوز را تأیید کردند.)

* از آگوست ۲۰۰۲ و در پی آغاز پرونده هسته ای ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی، امریکا با مداخله و کارشکنی در آژانس، تلاش خود

را در جهت خارج کردن پرونده ایران از روال عادی و تبدیل کردن آن به مسئله ای سیاسی بکار گرفت و مرتباً ایران را به ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل تهدید می کند.

*در ۱۹ مارس ۲۰۰۳، بعد از اتهامات و پرونده های ساختگی جورج بوش و کابینه او نسبت به عراق از قبیل: تهیه و تولید سلاح های کشتار جمعی، رابطه رژیم صدام با القاعده و فاجعه ۱۱ سپتامبر و ...، و بدون توجه به افکار عمومی جهان، امریکا و متحدانش به عراق حمله ور شدند و پس از سه هفته مقاومت مشکوک، عراق اشغال شد.

* پس از اشغال عراق در مارس ۲۰۰۳، نئومحافظه کاران حاکم بر امریکا در مداخله ای آشکار به بررسی طرحی با عنوان (خاورمیانه بزرگ) پرداختند که به تغییر حکومت ها در خاورمیانه و تغییرات سرزمینی کشورها مربوط می شد. آنها اشغال عراق و در ادامه آن فشار بر سوریه و سرنگونی حکومت این کشور را فصل اول این پروسه می دانند.



ظلم‌های آمریکا در حق ایران

گذشته را به یاد آر*

شلیک ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری
ایران بر فراز خلیج فارس

۱۳۶۷

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

- از سال ۲۰۰۳ و با عنوان مبارزه با تروریسم ایالات متحده با حضور در کشورهای آسیای میانه و منطقه قفقاز با برهم زدن معادلات سیاسی به بحران در این منطقه دامن زد و با طراحی و اجرای انقلاب هایی با عناوین (انقلاب های مخملی) یا (انقلاب های رنگین)، حکومت های این منطقه را سرنگون و حکومت های دست نشانده طرفدار خود را بر سر کار آورد، که از آن جمله می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

* در نوامبر ۲۰۰۳، امریکا با حمایت خود، (انقلاب نارنجی) را در گرجستان به پیروزی رساند و دولت (شواردنادزه) را سرنگون کرد و از (ساکاشویلی) حمایت کرد.

* در دسامبر ۲۰۰۴، در پی بحران در اوکراین، با انقلاب مخملی به رهبری امریکا، دولت (لئونید کوچما)، سرنگون شد.

* در مارس ۲۰۰۵ و در ادامه انقلاب اوکراین، امریکا در قرقیزستان نیز انقلاب رنگین ایجاد کرد و دولت این کشور را نیز سرنگون کرد.

* از سال ۲۰۰۳، امریکا با نقض قوانین بین المللی و حقوق بشر با احداث زندان هایی در خاک دیگر کشورها خصوصاً در اروپا، با ربودن مخالفین خود، آنها را به این زندان ها منتقل کرده و شکنجه و نگهداری می کرد که از آن جمله می توان به ربودن روحانی مسلمان در ایتالیا بنام (اسامه مصطفی حسن) معروف به ابوعمر، توسط سازمان سیا و انتقال وی به آلمان اشاره کرد.

(ماجرای زندانهای مخفی امریکا در اواخر سال ۲۰۰۵، افشاء شد که با اعتراضات جهانی مواجه شد.)

* در سال ۲۰۰۴، امریکا حمایت علنی خود را با ترور رهبران ارشد مقاومت فلسطین، توسط جوخه های ترور تحت فرمان آریل شارون اعلام داشت (که طی آن بسیاری از رهبران ارشد مقاومت فلسطین همچون: شیخ احمد یاسین و رنتیسی و ... ترور شدند).

امریکا همچنین همکاری های سیاسی - نظامی خود را با اسرائیل افزایش داد.

* در سال ۲۰۰۴ و در پی ترور نخست وزیر سابق لبنان (رفیق حریری)، امریکا کوشید با دخالت در امور لبنان به بحران این کشور دامن بزند، این مداخلات در سال ۲۰۰۵ و طی بررسی پرونده ترور حریری در سازمان ملل به اوج خود رسید و امریکا به تهدید سوریه در ارتباط با این پرونده پرداخت.

* از سال ۲۰۰۴، امریکا همچنین در اعتراضات و مخالفت های مردمی برعلیه دولت (گلوریو آریو) در فیلیپین، به حمایت آشکار از وی پرداخت. این حمایتها در سال ۲۰۰۵ و انتخابات فیلیپین به اوج خود رسید.

* در می ۲۰۰۵، ایالات متحده در ادامه پروسه مداخلات آشکار خود، ناآرامی هایی را در ایالت (اندیجان) ازبکستان ایجاد کرد تا دولت این کشور را نیز همانند نمونه های قبلی سرنگون کند، اما با برخورد نظامی شدید دولت با ناآرامی ها و کشته شدن بیش از هزار نفر از مردم بیگناه، امریکا در این براندازی ناموفق شد.



دشمن دشمن دشمن!

یک عده‌ای ناراحت می‌شوند که چرا فلانی مدام می‌گوید دشمن! بله، باید تأکید کرد تا مردم فراموش نکنند که دشمنشان در کمین است؛ به‌طور دائم دارد کار می‌کند برای اینکه جوان‌ها را مأیوس کند، منحرف کند، از راه باز بدارد؛ آنهایی را که معتقد نیستند، غرق در فساد کند؛ و آنهایی را که معتقدند، منحرف و زاویه‌دار از خط انقلاب کند؛ دشمن دائم دارد برنامه‌ریزی می‌کند.



۱۳۹۹/۱۲/۲۵
رهبرانقلاب

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

* از سال ۲۰۰۵، امریکا همچنین با حمایت های آشکار و پنهان از مخالفان دولت بلاروس، در پی سرنگونی دولت (الکساندر لوکوسنکو) است.

* در سال ۲۰۰۵، همچنین با طرح اصلاح ساختار برخی از ارکان سازمان ملل از قبیل شورای امنیت و حق وتوی ۵ کشور، توسط برخی از کشورهای عضو، امریکا تلاش زیادی را در جهت مقابله و عدم نتیجه بخشی این طرح انجام می دهد.

* (هنری کسینجر، مشاور سیاست خارجی کاخ سفید در مصاحبه ای پیرامون حضور و مداخلات امریکا در جهان از ابتدای قرن بیست و یک می گوید: "وظیفه رهبری جهان از ایالات متحده امریکا و ارزش های آن تفکیک ناپذیر است. همچنین (ری کلوز)، رئیس پیشین سیا در عربستان که به مدت ۲۷ سال در بخش عربی سیا فعالیت می کرده است، طی مصاحبه ای در مجله Nation پیرامون مداخلات امریکا در خاورمیانه و عراق می گوید: ... اهدافی را که ما از آغاز این بحران بر اساس ایدئولوژی نو محافظه کاران داشته ایم هرگز قابل دستیابی نبوده

اند، زیرا در اصول تمامی این اهداف با روح ناسیونالیسم عراقی مخالف و بی احترام بوده اند. نخست آنکه، ما در جستجوی پایگاه های نظامی ای با اهداف استراتژیک دراز مدت هستیم. دوم، قصد داریم که نفوذ و کنترل اجرایی خود را بر سیاست های نفتی عراق حفظ کنیم. سوم، خواهان سرمایه گذاری نامحدود خارجی در کشوری هستیم که سابقه ای طولانی در خصومت و رویارویی با مالکیت منابع و ساختار های اقتصادی خود توسط خارجی ها دارد. چهارم، انتظار داریم که عراق از نقش امریکا در فرایند صلح خاورمیانه پشتیبانی کند، حتی اگر این پشتیبانی به معنای حمایت مطلق از موضع جرج دبلیو بوش و آریل شارون باشد. شکست در دسترسی به این چهار هدف عمده از دیدگاه هر دو جناح جمهوریخواه و دمکرات، به منزله شکست سیاست جرج بوش در عراق محسوب می شود. در عین حال دولت فعلی امریکا خود را در حال حاضر محصور در چارچوبی کرده است که هیچ گونه راهی برای تعدیل و تغییر این اهداف به شکلی که با واقعیت های هر روزه تطبیق کند باقی نگذاشته است، باید رژیم واشینگتن تغییر کند، این تنها راه حل مشکل است. (۱)

در این دوره، حمله به افغانستان، امریکا را با مشکلات عدیده ای روبرو ساخت که هنوز با آن دست و پنجه نرم می کند در برقراری امنیت در این کشور دچار سردرگمی شده است، از طرفی افشای اهانت و شکنجه اتباع افغانی در زندانهای نظیر گوانتانامو، احساسات ضد امریکایی و اعتراضات مردمی را در این کشور تشدید کرده و حملات پراکنده بر علیه نیروهای امریکایی همواره ادامه دارد.

با حمله به عراق، نه تنها هیچگونه سند و مدرکی دال بر وجود و تولید سلاح های هسته ای در عراق بدست نیامد، بلکه با تداوم اشغال اقدامات تروریستی این کشور دچار نا امنی و بی ثباتی شد. از طرفی ایالات متحده هزینه های زیادی را در عراق متحمل شد. تشکیل انواع گروههای مسلح با عناوین جهادی و اقدام به عملیات بر علیه نیروهای امریکایی خسارت های مالی و جانی زیادی را بر ایالات متحده وارد کرد و تاکنون بیش از ۴۰۰۰ نیروی امریکایی در عراق کشته شده اند که آمار دقیق آن اعلام نمی شود. همچنین سیاست های جایگزین در عراق و

تلاش برای رور کار آمدن حکومتی منطبق بر الگوهای امریکایی در این کشور بعد از انتخابات عراق و پیروزی چشمگیر شیعیان، با چالش اساسی روبرو شده است.

سیاست های ایالات متحده در جهت انزوای جمهوری اسلامی ایران، علیرغم حملات تند جرج بوش و خطاب کردن ایران به "محور شیطانی" و کارشکنی های متعدد در مذاکرات و پرونده هسته ای ایران و تهدیدات متوالی نه تنها کارساز نبود بلکه شرکتهای امریکایی مانند (هالی برتون) و شرکت های وابسته به آن بدون در نظر گرفتن دیدگاه های سیاسی و تحریمهای اقتصادی، به فعالیت اقتصادی در جنوب ایران ادامه دادند و باعث شد تعاملات کشورهای اروپایی و حتی روسیه با ایران افزایش چشمگیری یابد.

در حالیکه در پایان سال ۲۰۰۰ نه تنها بودجه امریکا کسری نداشته و بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار اضافه نشان می داده است، ولی در زمان جرج



داعش؛ عنصر دست ساز آمریکا و اسرائیل

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

بوش کسری بودجه امریکا به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار رسیده است. در همین حال بودجه نظامی به رکورد جدید ۴۰۱/۳ میلیارد دلار رسیده. در این رابطه، ژنرال کارول (Admiral Eugene Carroll)، بازنشسته ارتش امریکا می گوید: برای ۴۵ سال، در خلال جنگ سرد، ما مسابقه تسلیحاتی با شوروی داشته ایم و بنظر می رسد امروز ما با خود این مسابقه تسلیحاتی راداریم و ادامه می دهیم.

همچنین، از فوریه سال ۲۰۰۱ تاکنون بیش از ۲ میلیون کار از دست رفت و مردم کار خود را از دست دادند. و این به دلیل سیاست غلط اقتصادی جرج بوش است. در این دوران شرکت های امریکایی برای استفاده از نیروی کار ارزان به کشورهای جهان سوم رفتند.

ایالات متحده با درگیر شدن در جنگهای فرسایشی و غیر قابل برد در افغانستان و عراق که به احتمال زیاد منجر به شکست شرمناکی خواهد شد. اروپا نه تنها مرعوب نشد بلکه با سرعت بیشتری به سوی استقلال حقیقی حرکت می کند. به لطف جرج بوش بهم پیوستن محور پاریس،

برلین، و مسکو که سالیان دراز برای امریکا همچون کابوس بود در شرف تحقق می باشد. توسعه سلاح های اتمی نه تنها از طرف کره شمالی و ایران بلکه در نقاط دیگر هم مانند کره جنوبی سرعت گرفته است و خصومت اعراب و مسلمانان در هیچ زمانی به شدت امروزه نبوده است. دو رژیمی که ستونهای سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه هستند یعنی عربستان سعودی و پاکستان احتمالاً مدت زیادی دوام نخواهند آورد. ایالات متحده در هیچ دوره ای از تاریخش این چنین از نظر سیاسی در جهان تنها نبوده است.

بوش و تیم محافظه کاران جدید، موقعیت سوق الجیشی ایالات متحده را چنان تضعیف نموده که امکان موفقیت با بازگشت به سیاست های نیکسون تا کلینتون از بین رفته است و مردم امریکا هم برای یک تغییر اساسی در سیاست خارجی آمادگی ندارند، تغییری که شامل سه واقعیت است:

الف) اینکه ایالات متحده یکی از چند قدرت بزرگ در جهان چند قطبی امروزه می باشد و نه تنها قدرت بی رقیب.

ب) اینکه افزایش سلاحهای اتمی طی ۲۰ سال آینده حتمی است.

ج) اینکه در مقابل نیاز بسیار قوی به یک رژیم جهانی که جریان قطبی شدن جهان را کاهش بدهد نئولیبرالیزم هیچگونه راه حلی ندارد.

از طرفی مداخله در امور کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی و طرح و اجرای کودتا بر علیه حکومتها در این منطقه، دستاوردی جز تشکیل دولت های ضد امریکایی و مخالفت صریح با سیاستهای امریکا نداشت. در نهایت این دوره از مداخلات پیامدهای خوبی برای ایالات متحده در پی نداشت. حضور امریکا در خاورمیانه و جنگ در افغانستان و عراق، برای مقابله با تروریسم باعث شد گروههای تروریستی نظیر

القاعده و طالبان در سراسر خاورمیانه و دیگر کشورها پخش شوند و حوزه فعالیت آنها از یکی دو نقطه به چندین حوزه متکثر شود و حتی به اروپا و داخل امریکا نیز گسترش یابد و اتباع و جهانگردان امریکایی و منافع ایالات متحده از قبیل: سفارتخانه ها و دفاتر و شرکت ها در ساسر دنیا مورد تهدید واقع شوند.

تخریب شدید وجهه امریکا در جهان، که به خوبی از نظرسنجی ها در مناطق مختلف و اعتراضات مردمی نسبت به سفر مقامات امریکایی به کشورهای مختلف مشهود است، یکی دیگر از عواقب مداخلات امریکاست خصوصاً در این دوره می باشد. این در حالیست که (نوام چامسکی) تحلیلگر امریکایی، در مصاحبه ای در ابتدای سال ۲۰۰۶، دولت بوش را به لحاظ عملکرد بدترین دولت ایالات متحده از آغاز تا کنون دانست.

منبع : به گزارش خبرگزاری تسنیم، مهدی علیخانی، به بررسی مداخلات جهانی آمریکا در دوره‌های مختلف حاکمیت جمهوری خواهان و دموکرات‌ها _ ۱۰ آبان ۱۳۹۲

امام خمینی علیه السلام:

ما در جنگ برای
یک لحظه هم نادم و
پشیمان از عملکرد
خود نیستیم. ما در جنگ
ابته ابر قدرت‌ها را
شکستیم.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۳ و ۲۸۴

کتاب هشتم به یک - ناصر کاوه